**مجموعه سبزها جلد 50**

**آثار حضرت اعلی**

**مقدمه فایلهای وُرد مجموعه سبزها**

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های وُرد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتا طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (https://bahai-library.com/) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org/>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل وُرد همان کتاب‌هاست که قاعدتا از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل وُرد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می­ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می­نوشته­اند و تأملات خود را مکتوب می­داشته­اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده­های زیاد و متنوعی از فایلهای وُرد می­کنند و آنها را عصای دست خود می­سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایلهای وُرد، به­دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به­خاطر امکان تغییر، دست­خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف­چینی واژه­ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه­ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می­دهند و از مزایای آن برخوردار می­شوند. به تهیه­ی فایل وُرد از آثار بهایی نیز می­توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایلهایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:

1. در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نُسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی­توانستیم هیچ نسخه­ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به­نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه­ای کلی اصلاح و نسخه­ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزها، نه­تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزها مقابله کرده­ایم بلکه اگر نسخه­ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده­ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجاتِ نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.
2. آثار حضرت بهاءالله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.
3. در مجموعه‌ی حاضر، برخی تواقیع حضرت باب که سابقا به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه‌ عدلیه، مندرج در جلد 82 که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصرا نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.
4. در مجموعه‌هایی که سابقا و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا توقیع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد 60 که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی 98 که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه­های دیگر بر طرف شده است.
5. در مواردی که نتوانستیم درجِ صحیحِ لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده­ایم.
6. برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسَخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد 14 تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد 53، 67، 86 و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.
7. در مواردی رسم الخط واژه­ها به­گونه­ای انتخاب شده که برای جستجو مناسبتر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخ­ی اصل کلمه­ی «جلالت» را به­صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده­ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کارِ تایپ و تصحیحِ فایل‌های اسکن‌شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

در همین‌جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیحِ فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماما توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه­ی خوانندگان این فایل­ها درخواست می­کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند.امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر – دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده – تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

**فهرست مجموعه 50 سبز**

**عنوان صفحه**

1. **زیارت نامه جامعه کبیره 1**
2. **دعای روز جمعه ( از باب ششم صحیفه بین الحرمین) 18**
3. **دعای بعد از نماز صبح (از باب پنجم صحیفه بین الحرمین) 23**
4. **دعای اول ظهر (از باب پنجم صحیفه بین الحرمین) 25**
5. **دعای بعد از نماز ظهر 27**
6. **دعای روز عرفه و قبل و بعد ان و روز غدیر و هر جمعه** **(از صحیفه اعمال سنه شهر ذوالقعده) 29**
7. **دعای روز و شب عاشورا (از صحیفه اعمال سنه شهر محرم) 32**
8. **دعای ظهر در هر روز ماه شعبان (از صحیفه اعمال سنه شهر شعبان) 35**
9. **دعای هر روز ماه رمضان بعد از هر نماز (از صحیفه اعمال سنه شهر رمضان) 38**
10. **دعای قنوت در نماز عید فطر(از صحیفه اعمال سنه شهر شوال) 42**
11. **دعای اول ذی الحجه 43**
12. **صحیفه بین الحرمین (متن کامل) 45**
13. **صحیفه اعمال سنه (متن کامل) 87**

**زیارت نامه جامعه کبیره**

\*\*\*1\*\*\*

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بسمه المکنون الرؤف الرّحیم الحمد لله ربّ العالمین و انما الصّلوة علی محمّد رسول‌الله و خاتم النّبیّین و انّما السّلام علی آل الله و آل رسول الله و آل آل الله بما شآءالله و اراد

\*\*\*2\*\*\*

انّه لا اله الّا هو الحقّ المبین و بعد فاذا اردت زیارة حبیب‌الله او احد من ائمة الدین طهّر اوّلا جسمک من کل مایکرهه فوادک ثم اغتسل بسبع کفّ ماء علی راس ثم علی الیمین باربَعة کفّ ثمّ علی الیسار بثلثة کفّ فاذا فرغت البس احسن ثیابک و استعمل العطر ثمّ اجلس تلقاء الکعبة و استغفرالله ربّک اثنین و ماتین

\*\*\*3\*\*\*

مرّة ثم امش بالوقار و السّکینة و کبّرالله فی سبیلک الی انّ تصل الی باب الحرم هنالک قف و کبرالله ربّک اثنین و ماتین مرّة ثمّ ادخل بلا ان تقرء حرفا وامش بالسّکون الی ان تصل بسبعة اقدام تحت الرّجل هنالک قف و قل اشهُدَ للهِ فی مَقامی هَذا عَرشِ الرَبَّ بما شَهِداللهَ لِنفسِه مِن دون ان یقدّرَ احد دونه

\*\*\*4\*\*\*

اِنّه لااله‌ اِلّا هُو العزیزُ الحَکیم ثمّ التفت الی المستوی علی عرشه و المستقر علی کرسیّه و قل اَوّل جَوهر طَرَز و اَشرق ثُمّ طَلَعَ و لاحَ مِن ساحة قرب حضرَت الازلِ عَلیکم یا محال الوحیِ و مواقع الحکم و مَعادنَ الامر و مَواضِعَ الذّکرِ و ارکانَ التّوحیدِ وَ عَلاماتِ التقریدِ وَ آیاتِ التّقدیس بِما شاءَ الله وَ ارادَ فی عِزّ الازلیَّةِ

\*\*\*5\*\*\*

وَ جَلالِ الصَّمدانِیةِ وَ جَمالِ الکبریائیةِ و هیبةِ القدّوسیةِ وَ طَلعة السُبوحِیّةِ وَ مجدالهویّة و فضَل الاحدِیةِ بِما لایُحیطُ بهِ علم احدٍ دونَ اللهِ خالق البریّةِ بِابی انتُم وَ امی وَ مَن هُوَ فی علم ربی کیف اصفُ جوهراً مِن جواهِرِ تجردکم و نوراً من انوار تقدیسکم و طَرزاً مِن اطراز مشیتکُم و سِرّاً مِن اسرارِ ارادَتِکم وَ ذکراً من اذکارِ تجلیکم

\*\*\*6\*\*\*

وَ حُکماً من احکامِ عُبودیتَکُم وَ ورَقة من اوراقِ شَجرةِ ولایتکمُ بعدَ ما عَرّفنی الله سَدّالسبیل عَن ساحَةِ قدسکم وَ اَشهَدَلی اللهُ قَطَع الطرُق عن مَقامِ ذِکِرکُم لا و عزّتکم لا ذکر لی و لا لاحدِ الیکُم و لاوصفَ لی وَ لا لاحدٍ لَدیکم اذ کلّ الموجوُداتِ بَجوهَریّةِ کافوریة کینونیاتِها مَعدومَةٌ بَحتةٌ عندَ بَهاءِ قمصُ طَلَعتِکُم وَ اِنّ

\*\*\*7\*\*\*

المُمکنات بتجرّدِ سازجیةِ ذاتیات مفقودة صرفه عِند تجلی ذکر من انوارِکم بابی و امّی وَ ما فی عِلم رَبّی بذکرِکم یثبت التوحیدُ لله و شهدتِ العُقولُ علی معرفته و استدل النُفوسُ علی عدلِه و طولِه و خَضَعَتِ الاجساد لِهیبته و خَشَعَتَ الاصواتُ مِن جَلالِ جَلالَته و سبح کلّ­شیئٌ

\*\*\*8\*\*\*

وَ لَولاکُم لَم یَعبُداللهَ شیءٌ وَ لولاکم لم یقدّس الله شیئٌ وَ لَولاکم لم یذکر اللهَ شیئٌ وَ لولاکم لم یصِفِ الله شیئٌ وَ لولاکُم لم ینعت الله شیئٌ و لولاکم لم یحمد الله شی بِابی انتُم وَ امی وَ ما فی عِلم ربّی بکینونیّاتِکُم قَطَعت الموجودات عن ساحَةِ قُربِها وَ بِذاتیاتکُم انعدَمَتِ الاشیاءَ عن مَقامِ ثنآئِها وَ بِجوهَریاتِکُم سجَدَتَ الکلُّ للهِ

\*\*\*9\*\*\*

بِکَینونیاتِها و بانیّاتِک شُهَدِتِ العقول و الانفسُ بالعِظَمَةِ لِلّهِ وَ الفناءِ فی ساحَةِ قربُها وَ بِعُبُودیتکم وُجُدَت ربوبیه ما سِواکُم و باشَعِةِ اَجسادِکم خُلِقَت حَقائق مادُونکم و بآثارِ اَنوار مَجِدُکم طرزِت جَوهریات الکائِناتِ لَدیکم بِابی وَ اُمیّ و ما فی عِلم ربّی کیف اذکرکُم بلسانی هذا الکالِ و علمی بوجود نفسی

\*\*\*10\*\*\*

فی ذلِکَ الحالِ مَعَ انّی لَاَعلمُ بالیقین بَاَنّ وُجودی ذَنبٌ فی مُلکُکمِ وَ دالٌّ علی عجزی فی مَملِکتکُم و اَنَّ مایَصدُرُ مِنَ الذّنبِ ذَنب و مایدلُّ عَلَی المفتقِرِ عجرٌ. فَکَیفَ بی و ذَلِکَ الشَّانِ اجتراحی علی ثنائکُم او انطِقُ بین ایدیکُم بِمدحَتکم لاو عزّتِکم اقدسکُم عن کُلّ وصفٍ دونَ وصفِ نُفوسکم وَ انزهکم عن کلِ نعتٍ

\*\*\*11\*\*\*

دون نعتِ کینونیاتکُم ما لی وَ ما ذکری بین یدی طلعِتَکم و ما لی و ما ثنائی بینَ یدَی عِزّتِکم و ما لی و ما حدی بَینَ یدَی جَلالَتِکم و ما لی و ما موقفی بینَ یدی کبریائیتکم و مَالی و ما مقامی بینَ یَدی عُبودیّتکم ما لی و ما عملی بین یدی طلعتکم مالی و ما ثنائی بینَ یَدی قدس عِزّتکم ان قلتُ انتُم انتُم فقَد

\*\*\*12\*\*\*

حدثت الارض اَخبارها بَانَّ ائمتکُم لاتوصَفُ بِها و ان کُلّ الوجودُ منَ الغیبِ و الشّهودِ ذکر مِن اذکارِها الّتی جُردِت بجوهَریة تجلیها لا مِن ظهُورٍ مِن نفسٍ لدیها وَ لا مِن تجلّی مِن عِندِها اِلیها کَانّها هیَ شجرة توجد بنفسها لنفسِها و دلّت علی ازَلیةِ الصنعِ لربّها و نطقَت علی عُلوّ المجدِ عن بارئها من دون اِن یعرفَ حدّا

\*\*\*13\*\*\*

دوُنَ حَدّها او اَن یذکَرَ ذکِراً دونَ نفسِها فَسّبحانَ الله بارِئها ما لی وَ موقِفی بینَ تلِقا مدین قِدسکم فَو عِزّتکم لما ارجع الی حد نفسی و اُشاهد موقِفی بَین ایدیکُم یَکادُ الرُّوحَ مِن ان یُفارِقَ من سِرّی لِعظَمةِ نفوسکم وَ جَلالَةِ اجسادِکُم لِانّی مَعَ فَقری وَ فاقَتی وَ ضُری و مسکنتی الذی خَلَقنیَ­الله من انوارِ احد

\*\*\*14\*\*\*

مِن شیعَتِکُم المُقرَّبینَ اَرَدَتُ ثَنائکم وَ اجتَرحت عَلیکُم بثنانی عندکُم فَسُبحانَ رَبَّکُم مِن مصیباتی الکُبری و جریراتی العظمی و موبقاتی القُصوی الکُبری بَینَ یَدی انوارِ عزّتکم فَو عِزّتِکم لَو اردَتُم لی حُکم العدل لَاکونُ مَعدوماً کَیَومِ الّذی ماکنتُ شیئاً مع انّی لِاعلم بانی عَلی مَقامی بینَ ایدیکُم

\*\*\*15\*\*\*

لَاکونُ بِمثلِ یَومِ الّذی ماکُنت شَیئاً لَانَّ ما یُبدعُ الاِبداعُ فی کُلِّ انٍ و یَخترعُ الاختراع فی کُل شأنٍ بامرالله رَبّکم وَ اذنِ بارِئکُم هو فی مُلکِکُم لم یتغیّرکُم فی قدیمِ الدهُورِ وَ لایُبدّلکم فی بدوالظّهورِ لِانَّ بِکم تثبت آیاتُ المَعرفَةِ للهِ وَ علاماتُ الهویّةِ لحضرته وَ دلالاتِ الوحدانیّةِ لکبریائیة \*\*\*16\*\*\*

وَ ظُهوراتِ الصَّمَدانیّةِ لجلاله وَ تَجلیاتُ الرَحمانیةِ لِقُدسه وَ مُقاماتُ الازَلیّةِ لِعُلو ذکرِه وَ لو یَجری فیکُم مایجری لدونکم فَیبطل التوحیدُ و تنَعدم آیات التجرید و تَضمحل عَلاماتُ الَتفریدِ وَ تتبدَّل ظُهوراتُ التمحیدِ وَ سُبحانه وَ تعالی قَدجَعَلکُم مستقرّین علی عرشه وَ الناطقینَ مِن

\*\*\*17\*\*\*

عِندِه وَالمعطینَ الی کُلّ ذی حَقّ حقه وَ المُبلّغینَ الی کلّ ذی حُکمٍ حُکمَه وَ الشّاهدینَ عَلی کلِّ شَیء بِعلمه و المدرکة کُل شَیءِ بصنعه بِظُهوره فَما اعلی قدرَکم قَدرکُم بابی وَ اُمی و ما فی علمِ رَبّی وَ ما احلی ذکرِکم ذکرکم بِابی و اُمّی و ما فی عِلم رَبی وَ ما ارفعَ حَقّکم حَقّکم بابی و امی و

\*\*\*18\*\*\*

ما فی عِلم رَبّی وَ ما اجلی نعمائکم نعمائکم باَبی وَ امّی و ما فی عِلم رَبی وَ ما اخفی سِرّکم سِرّکم بِابی و امّی و ما فی علم رَبّی وَ ما اسنی شَانَکُم شانَکُم بِابی و اُمّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی و ما ابقی سَلطَنَتَکم سَلطَنتکم بابی و امّی و ما فی علم ربّی فَمن شاءَ اللهَ بارِئکم نزَل بِساحَتکم وَ من اراد الله موجِدَکم او تحل الی

\*\*\*19\*\*\*

فنائکم و من عرف الله ربکم شرب لذه قربکم و من وحد الله خالقکم عرف حق ذکرکم و من قدس الله محصیکم انقطع الی انوار تجلیکم و من حمد الله رازقکم ادی حق مدحتکم و من سجدالله مجیبکم ذل و خضع عند حضرتکم بابی و امی و ما فی علم ربی انقطعت الاسماء و الصفات عن

\*\*\*ص20\*\*\*

ساحه قدسکُم و اضمحَلت الآیاتُ فی مَلکوت الارض وَ السّمواتِ عَن الورودِ علی بساطِ مَجِدکُم وَ انعَدَمت الجوهریّات مِن الممکنِاتِ بعرفانِ ادنی آیةٍ من آیاتِ عِزّتکم و انعدمت جَوهریّاتُ کینونیّاتِ المُتلاتِحاتِ عِندَ طُلوعِ نورٍ من انوارِ بهاءِ طلعتکم فبکم عرفتکم عن غیرکم و بکم \*\*\*21\*\*\*

نَزهَتُکم عما دونکُم فَلولاکُم ما اَنا وَ ما شَیء حَتّی یَعرِفَکُم بَحَقّکُم وَ یشَکرکُم نعمائکُم یثنی عَلیکم بِمدَحتِکم وَ یبلغُ اِلی غایةِ شُکِرکُم وَ یَعرُجُ اِلی سَماءِ ذِکرکُم وَ یصعدُ الی جو فَضلِکم وَ یَنقَطعُ اِلی مَلیکِ مَملکتکم وِ یستلذ بقربکم و یستریحُ بانسکم وَ یَشتاقُ الی رویتکُم وَ ینسی کلِ ذکر دون ذکرکم

\*\*\*22\*\*\*

وَ یَستَقِرُّ عَلی عَرشِ فوادِه بالنّظر اِلی طلعَتِکم و یَستمد المَدَدَ من بارئکم بمنَّکم بابی وَ اُمّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی بانوارکم ظَهَرت لججّ التجرید فی عَوالِمِ اللّاهوتِ وَ باسرارِکم تَمّت مَظاهِرُ التفریدِ فی عرش الجبروتِ وَ باحکامِکُم فصلَت مَعادن التقدیس فی عالم المُلکِ بِفَضلِکُم وَ باسرارِکم \*\*\*23\*\*\*

وَ لِهَت جَوهَریّاتُ مُجَرّداتِ الممکناتِ فی عالِم المَلکوتِ بِمنّکُم بابی و امّی وَ ما فی عِلمِ ربی فما اعظَمَ حَقّکم حَقّکم وَ ما اکبر شانَکُم شانَکم وَ ما ادوم ذکرکم ذکرکم و ما اَلذّ ثنائکم ثنائکم وَ ما اعلی بهائکم بهائکم وَ ما اکرمَ اسمائکم اسمائکُم وَ ما اَرفَعَ اَیّامَکم اَیّامَکم فوعزتکم وَ حقّ کینونیّتکُم وَ جَوهر

\*\*\*24\*\*\*

ذاتیتِکم وَ تجرَّد انیّتِکم و کافوریة نفسانیّتکم وَ سازجیةِ ظُهوراتِکم وَ قدّوسیّةِ تجلیّاتکُم لَو عذبنی­الله بثنائی عَلَیکم بِکل ما هو عَلیهِ فی عِلمه لاَکون راضیاً بِه وَ شاکراً نَفسهُ وَ حامِداً ذاتَه وَ متملقاً جنابه و خاضعاً بَهائَهُ وَ خاشِعاً کِبریائَهُ وَ ساجِداً کینونیّتَه وَ عابداً

\*\*\*25\*\*\*

نَفسانیّته لِانی ما خَلَقتنی اللهُ اِلّا لَکُم وَ ما عجنت طینتی الا لمحبتکمُ وَ ما فُطِرَ فُوادی الاِ بثنائِکم وَ ما رَزَقنی ربّی اِلا بِالقیامِ بینَ یَدَی حضرتکم و ما اعطانی شیئاً الّا لِادائی حَقّ شُکرکُم وَ ما اَرادَنی بِشیءٍ اِلّا للفَناءِ فیکُم وَ هرق دمی فی سبیلکُم بابی وَ امّی و ما فی عِلمِ رَبّی فَاینَ اَیامُ دَولَتِکُم حَتّی اُجاهِدَ بینَ ایدیکُم

\*\*\*26\*\*\*

وَ اَین ایّامُ عِزَّتِکُم حَتّی استدرِکَ فَیضَ طَلعَتِکُم وَ اَینَ ایّام سلطنتِکُم حَتّی اَخذ ثارَکُم مِن اعدائکُم وَ اَینَ اَیّام ظهُورِکُم حَتی استَغنی عَمّا دوُنَکم وَ اینَ اَیّامُ بروزِ آثارِ رُبوُبیتِکُم حَتّی اَقولَ باذنِکُم لما اُریدُ کن فیَکونُ مَوجوداً بینَ ایدیکُم وَ اینَ ایّامُ الّتی وَعَداللهُ عِبادهُ فی رجعَتِکُم فَبِکُم یغنی الله کُلّاً مِن سَعَته وَ یَستوفی کلّ

\*\*\*27\*\*\*

بِحقه و یبلغ المُمکِن اِلی غایَةِ فیضه وَ تفرَغُ الافئدةُ مِن محالِ حده وَ یَسَقرُّ العقولُ عَلی مَواقِعِ حُکمِه وَ لیسکُنُ النُّفوُسُ عَن مُلهماتِ سِرّهِ بابی و اُمیّ و ما فی علم ربی لاعلم ان ذکری عند انفسکم نار تحرق فوادی و تنَعدمُ کُلُّ آثاری وَلکِن وَ عزّتِکم لاکون راضیاً بِتلکَ النّارِ لِاَنّه عَفوُ \*\*\*ص28\*\*\*

الجبّار فیّ وَ سَتر السّتارِ عَلَیَّ و فضلُ المُختارِ فی نَفسی وَ عَدل القَهّارِ فی عَلانِیَتی وَ جود الجبّار فی کینونیتی بابی و اُمّی وَ ما فی علمِ رَبّی فَکلّما اَصعَدُ اِلی مَقامِ ذَرَوة مَعرفتکُم وَ اَعرُجُ اِلی غایةَ فیض تَجَلّیکُم لم اُشاهِد اِلّا اَقَل ما عرفتِ النملةَ حَقَّ رَبّها وَ شَهِدَتِ الذَرّة فی حُکمِ موجِدِها وَ کیفَ \*\*\*29\*\*\*

لاوَ اِنَّ سُبُلَ الانقِطاعِ بجوهریتها مِن اَنوارِ القُدسِ لامِعة وَ اِنَّ حَقائق الامتناعِ بمجردیّتها مِن ظُهوراتِ التَّجلیّاتِ باهِرَة وَ اِنّها کما هِیَ عَلیها مُنقطعةٌ عَن کافوریّةِ ذکِرکُم وَ مفرّقة الاسماءِ عَن سازجیّة اِسمکم بابی و اُمّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی کیفَ اصِفُکم وَ اِنَّ الوَصفَ یخجلُ بَینَ یَدی طَلعَتِکم وَ کیفَ انعتَکُم

\*\*\*30\*\*\*

وَ اِنَّ النعتَ یَستحیی بین یَدی حَضرَتکم فآه‌آه اَنَا الّذی اجتَرَحت عَلَیکم بثنائی بَعدَ ماعَرفت حدودَ نفسی وَ حدود حُکمِ رَبّی فی فُؤادی وَ انا الّذی لَم استحیی عَنکُم وَ اذکُرکُم بعدَ عِلمی بِقطع الذِّکرِ عَن مَقامِ بابِکم وَ مَنَع النعتِ عَن مَقاعِدِ قدسکم وَ انَا الّذی بارزتکم بِجَواهِرِ مَحامِدی بَعدَ عِلمی بعلو جلالَتِکم

\*\*\*31\*\*\*

وَ قَدِرکم وَ اَنا الّذی اُحِبّ الفنا فیکم وَ اذکُر ذکرَ الحَیوةِ بَینَ یَدی طَلعتکُم وَ اَنا الّذی ما کُنت مَذکوراً عِندَکُم وَ انّ الانَ اُقارِن عَرشَ رتبتکم وَ انا الّذی جَعَل الله حَظیَ العَجز و نَصیبی الفَقر عَن ظَهوراتِ مَعارِفِکم وَ اِنّ الانَ اجترَحتُ بِثنائِکُم وَ اَردَتُ التَّسلیمَ عَلیکم و الفنا فیکم فآه­آه ما اکبر ذنباً مثلی

\*\*\*32\*\*\*

وَ ما اَعظَمَ خَطاً شِبهی ما اکبَر جَریرَةً عدلی فو عِزّتکُم لَما اَنظر اِلی نَفسی وَ اُشاهِدُ ما اکتَسبت بَینَ ایدیُکم ینقطِعُ عَیشی و ینکدِر سُروری و تزلزلُ اَرکانی وَ تقشعرُ جلدی لاَنّی مع علمی بِاَنّکم شُهداءَ عَلَیَّ مَا استحییتُ عَنکُم فیما اکتَسَبَت یَدایَ فبایِّ لسان اعتَرِفُ بِذنبی وَ بایَّ نَظَر انظر الی عَمَلی فو عِزّتِکُم لو یطلِع

\*\*\*33\*\*\*

غَیرکم عَلی ما اکتَسَبتُ لاینظر اِلیّ وَ یفرُّ مِن سَطوَةِ عَدلِ الله فی حَقّی وَلکن اَنتُم مَعَ کِبَرِ شانِکُم وَ عُلوّ قدرِکُم وَ جَلالةِ بهائکُم وَ تمامیَّةِ حُجّتکُم قَد عَفَوتُم عَنّی وَ سترتُم عَلیَّ کانی ما اکتَسَبت ذَنباً وَ ما عَمِلتُ خَطاً وَ ما قَربتُ بُعداً فَلم ار کریماً مِثلَکُم یقتدرِ علی عبدٍ شبهی وَ لَم اَرَ جوادا شبهکم

\*\*\*34\*\*\*

یَعفو عَن عَبدٍ مِثلی وَ ما اشاهِدُ افضَلَ عَدلِکُم یحسنُ لی مَع عِلمِکُم بِذنبی فآه‌آه لو ابکی بِماءِ البحورُ دَماً وَ اطزر راسی بِترابِ الارضِ کُلّها اَبداً وَ اجلس فی الرَّمادِ فَوق جِبالِ الرواسِخ دائماً وَ اضج وَ اصعَقُ ثُمَّ اشهق و اُنادی لِما اَطلعتُم عَلیّ مِن جریراتی وَ اَشهَدتُم عَلَیَّ مِن موبقاتی \*\*\*35\*\*\*

ما یَفرَغ فُوادی وَ لایسکُن سری وَ لایُروح عَلانیتی وَ لایَستریحُ جَسدی فآه‌آه لاملجا لی الا الیکُم وَ لا مَفرَّ لی الا لَدیکم فبکم استشفِع اِلیکُم وَ بحضرتکُم الوذُ لدَیکم وَ مِن عدلکُم اهرب اِلیکم وَ من حِلمکُم اسئل جودَکم وَ فضلکُم فو عزتکم لو انتهرتمونی عن بایکم فَبمن الوذ و انِ رددتمونی عن جنابِکُم فبمن اعوذُ فو عزتکم

\*\*\*36\*\*\*

اِنَّ السُّبلَ غیر فضلِکم مَسدودة وَ اِنّ الطُرق غیرَ جودِکم مَردودة لِانَّ کُلَ الخیرِ ینزلُ من سحائب رَحمتِکم وَ کُل النَعماءِ یبلغ اِلی کُلّ­شَیءٍ مِن عَطاءِ کرَمکم وَ ان کُل الشرِّ یثبت بِحُکمکُم لِمَن اَعرَضَ عَن ذِکرکُم وَ استکبر علی شیعَتِکُم وَ حارَبَ اولیائکُم وَ اَحبَّ اَعدائکم فانّی بکم اَعوذُ بِحضرتکُم مما لایحبّ الله

\*\*\*37\*\*\*

لاَحدٍ مِن اهلِ محَبتّکُم وَ اسئَل بِجودهِ مِن کل خیرٍ احاطَ به عِلمه و قدّرهُ لَکم وَ اَحبَّتهُ لِمَن اتبعکُم فبکُم یَسُلکُ اِلی مَسلکَ الرّضوان من والاکُم و بَکِم یَنزِل اِلی دَرک النیرانِ مَن عاداکُم و بِکم یعُرجُ اِلی ذرّوة عُلی البیانِ مَن عَرَفِ ذکرِکم و بکم یعذّبُ فی الحُسبان مَن لایلعن الشّمسَ وَ القَمَرَ

\*\*\*38\*\*\*

لِاَجلِکُم فبکُم خَرجَت لالی ابحر التوحیدِ و بِکم تنبتُ اغصان شَجَرةِ التجرید فی الججّ التفرید ما من موحَدٍ وَحداللهَ رَبّکم الّا وَ هو شاربٌ مِن کاسِ فَیضکُم وَ ما من منقطعٍ ینقطع بحضرتِه بِکلّه اِلّا وَ هو راحِل بفنائِکُم وَ ما مِن شیءٍ سَجَدَ لِحضرتهِ خالصاً مِن شوائب ذکرِ غیرهِ اِلّا وَ هوَ قائِم بینَ یَدی رَحمَتِکُم وَ ما

\*\*\*39\*\*\*

مِن شیءٍ یُسبّحِ اللهَ بِما فهو عَلیهِ اِلا وَ فَهو یُنَزّهُ حَضرتکم من وَصفِ مادونَه بِابی وَ امّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی انتم الاَجَلونَ مِن ان توصَفونَ بالانوارِ وَ الاعظمونَ من ان تُذکرونَ بِکَلمةِ القَهّارِ و الاکرمونَ من ان ینسب الیکم ذکرِ السّتارِ لاَنّ بکم ظهرَت اَسماءُ اللهِ فی ملکوتِ الامر و الخَلق بِصِفاته فی عوالِم

\*\*\*40\*\*\*

خَلقِه وَ انَّ بَعدلِکُم یَستدل العادِلونَ بعدلِ بارئِکمُ و اَنَّ بِعلوکُم یَستَشهد المُستشهدونَ بِعُلوّ مشیتکم وَ اِنَّ بِذِکرِکم یَتعرِّف الذّاکرونَ ذکرَ مُحدِثِکُم وَ ان بِفضلکُم یَتشجّعُ السائلون بِالسؤالِ َعن خالِقکم وَ اِنّ بِحُبِّکم یَنقَطعُ المنقطعونَ اِلی اللهِ بالِفنا حَول افئِدَتکم وَ ما لِاحدٍ حظ اِلّا فی عِرفانِکُم وَ لا شَرفٌ اِلّا فی

\*\*\*41\*\*\*

ثنائُکُم وَ لا فخرٌ اِلّا بالذل عِندَ طَلعتِکُم وَ لامجدٌ الّا بالعجز عِندَ قدرَتکُم فبکُم ظَهَرَت مایَظهُرُ فی البطونِ وَ خفیت ما یسترُ فی اسمِ المَکنونِ وَ لَولاکُم لم یک شیء دونکُم وَ لولاکم لَم یَصِف شیءٌ انفسکُم اذ بظُهورِ مشیّتِکُم تحققت المتحقّقاتِ وَ بِانوارِ اِرادَتکُم تَذوتتَ المِتذوتاتِ وَ بهندسه قَدرَکم یقدر کُلَّ من فی مَلکوتِ

\*\*\*42\*\*\*

الاسمأءِ وَ الصّفاتِ وَ بقَضائکم یُقضِی القَهّارُ لِلمُمکناتِ وَ بِاذنکُم یاذن الجَبّار للموجوُدات وَ بالبهاءِ اللّامِعِ وَ النّور السّاطِعِ مِن ظَهورِ اَجَلکم یمیتُ الله کُلَّ الذّرّاتِ و بآیاتِ کِتابکُم یحصی لَوحُ الحفیظِ کلّ الکائِناتِ فَما مِن ذی عزّ شامخ رَفیعٍ وَ لا ذی شرفٍ بازخٍ منیعٍ اِلّا وَ هوَ اذل مِن ذرّةِ ترابٍ عِندَکم وَ اخضَع

\*\*\*43\*\*\*

مِن یَد المقطوعِ لَدیکُم اَنتُم العالون وَ کل بِعُلوّکم یَستدلونَ وَ انتُم الغالبونَ وَ کلٌّ بجندکُم یَنتصرونَ اِنّما القَضاءَ المثبتُ و الامضاء البحت یَطوفُ حَولَ بدائِکم وَ ما مِن شیءٍ یَنزلُ مِن خَزائِن اَمراللهِ الّا وَ هُوَ یهبط عَلَیکُم وَ ینزُلُ مِن عندکُم اشّباحُ فضلِه علی غیرکم بابی وَ اُمّی و ما فی علم رَبّی قد قصرتِ القصاری عَن قضایاکُم وَ عَجزَتِ

\*\*\*44\*\*\*

القَضایا عَن مصیباتکم فَبکم تجری بحور الاِبداعِ بِفضلِکُم وَ بِکم تموجُ طماطِم یم الاختراعِ بِجودکُم وَ لولاکم لَم یَکن مادونکم وَ لایَظهر توحیدُالله لِغیرکُم فسبحان الله بارِئِکم ممّا اَحصیتُهُ فی شَانِکم وَ اَنزَلته فی مِدادی مِن اوصافِکم فما لی وَحدتی بَان اسلم عَلَیکُم او اثنی حَضرَتَکُم لَدَیکُم اِذ حَضرة الجَبّار لایزال هُوَ

\*\*\*45\*\*\*

شاهِدُکم وَ مثنیکُم استغفرکُم مِن کُل ذکرٍ دونکم وَ اتوبُ اِلیکُم مِن کُلِّ ثناءٍ سِواکُم اذِ لایلیقُ بِساحةِ قدسِ قربِ کینونیّتِکم دونَ ذِکِر کافوریّتِکم وَ لابِطلعةِ حَضرت ذاتیتِکم اِلا ثناءَ سازِجیّتِکم وَ لایَستحق بِعُلوّ مجد نفسانیتکُم اِلا جَوهَر ضیا اشراقِ نورُ قمِصُ طَلعِتِکُم وَ لایَصعَدُ اِلی جَوِّ هواءِ مقام قرب

\*\*\*46\*\*\*

انیّتکُم الّا نعت تجردِ انوارِ قدسِ مشیّتکم بابی وَ امّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی بِکم توصِفُ العِبادُ بارِئهُم بذکر الاولَ و الدّوامِ وَ بِکم یَنعَتُ اهلُ الفُوادِ موجِدکم بِذکرالقدم و الکبریاء فَسبحانَ اللهِ رَبّی وَ رَبِّکُم من ان اقترن مَعَکُم ذَکر شیءٍ اَو اصفکم نعت شیء او انعتَکم بثناء شیءٍ اِذ اعلی جَوهِر مجرد ثِناءِ حضرةِ الاِبداعِ معترف

\*\*\*47\*\*\*

بالفناءِ البحتِ عِندُکم وَ اِنَّ اَعلی طرز جَوهر حضره اِلاختراعِ مقر بالنفی المحضِ لدَیکُم بابی و اُمّی و ما فی عِلم ربّی لما کان حکم النفی وَ الاثباتِ لدیکم سواء و ذکرِ النّورِ وَ الظُّلمهِ عِندَکم عَلی حِدَّ الاِنشا لاصفکم بِما یُلقی الرّوح فی فؤادی وَ یاذن روحُ الامر فی سِرّی بابی و اُمّی و ما فی عِلم ربّی فما اجلّ ذکرِکُم الذّی هَوَ ذَکرالله وَ

\*\*\*48\*\*\*

ثَنائَکمُ الّذی هَوَ ثناءُ الله و حُکمَکم الّذی هُوَ حُکم اللهِ وَ حُبّکُم الّذی هُوَ حُب الله وَ معرفَتکم التی هِیَ مَعرفة اللهِ وَ طاعَتکم الّتی هِی طاعةُ اللهِ وَ معصیّتکم التی هِی معصیّة اللهِ فَبِکم یظهرُ حُکم الایمانِ و یفصل بین اهل البیان وَ یَتَبیّن حکمَ ما فی الامکانِ عَمّا هوَ فی الاکوانِ وَ یَظهُر ما فی‌الکیانِ الی مَقام

\*\*\*49\*\*\*

العِیان و اشهدالله وَ من هو فی عِلمه باَنّکم اَنتم العالِمونَ بِکلّ­شیءٍ وَ الشّاهدونَ علی کل­شیءٍ و المُبلّغون اِلی کُل­شیءٍ حَقّ کل­شیءٍ و المُستغفرونَ مِن قبل کل­شیءٍ عن کل­شیء و اذ بعفوکم وجد مَن وُجد و بسترِکم استمد مَن یمدّ وَ لولا فضّلکم یدرک الکل لکانوا کیومِ عَدمِه و لولا جودُکُم یحیطُ الکُلّ لَیُعذّبُ

\*\*\*50\*\*\*

کُلٌّ بِما نظر اِلی نفسه بابی و اُمّی و ما فی عِلم رَبّی قد قصرت الالسن عن اداءِ مَجدکُم و عجزتِ العقولَ عن ثناءِ فضلکم اذ کل ما ینسبُ اِلیکم ینسبُ اِلی اللهِ موجِدکم وَ کلمّا نسب الیهِ لعلو کیَنونیتّه یُنسبُ اِلیکُم بابی وَ امّی و ما فی عِلمِ رَبّی بِذکرکُم تفزعُ الافئدةُ مِن ذکرِ غیرکم و بثنائکُم تثبت العقولُ فی معرفتکُم

\*\*\*51\*\*\*

و بالقیام بخدمتکُم تشهَدُ النُفوسِ بِحقّکم فیکم ظهرَت جوامِع الکِلِم و تمّت مواقِعُ الامر فی مَلکوتِ الامر و الخَلقِ فَکَیف اذکُر لَدیکم ما قُضیَ عَلی و اَنتُم اَعلَمُ به منّی وَ لولا رجائی فیکُم وَ صَبری لله رَبّکم و خوفی مِن عَدلِکم و رغبَتی اِلیکُم لانَعدمت من الاحوال التی وَقعت عَلیّ و لکن الان قضی ما قضی احمدُکم بِکلّ ما

\*\*\*52\*\*\*

جَری عَلی وَ اذکُرکُم بِما یقضی مِن بعدُ بامرِکم و ما من قضاءِ مثبتٍ اِلا و هوَ مقضی بامرکم و ما مِن حکم منفی اِلّا وَ هو محو باذنکم وَ ان مقادیرَ الامورِ بکلها یجری مِن خزائن امرِکم و اِنَّ مهابط الوحی نزلت فیکم و مِن ساحة قدسکم تصل الی مادونَکم بابی و امّی وَ ما فی عِلمِ رَبّی اِن ذکر الخیرُ کُنتُم مُدوِّنهُ وَ ان ذکرَ الشر کُنتم

\*\*\*53\*\*\*

محقّقهُ لِان مِن سَماءِ الاِبداعِ لاینزلِ شی اِلا و هو ساجِدٌ للهِ فی یمینُکم و یصعق فی ظلکم و ما مِن شیء یَنزلُ مِن سماءِ الاختِراعِ اِلا وَ هُو مَذکورٌ فی شمائِلکم و محشورٌ فی حظائرِ عکوساتِ انوارِکم فبفضلِکُم وجدتِ الجنّاتُ کُلّها و ازلِفتِ الغرفاتُ بِاعراشِها وَ جرتِ البحورُ فی اَراضی الرفرفِ بمنکم بابی و امّی و ما فی علم ربّی

\*\*\*54\*\*\*

بِعدلکم وجُدِّتِ النیران و تحققت الحُسبانُ وَ لعِن الشمسُ و القَمَر بحسبان بابی و امّی و ما فی عِلمِ رَبّی کل الخیر من بیوتکم طالعة و کلّ العدلِ فی افعالکُم شاهدةٌ و کلّ النعت فی اَسمائکُم مدلّة وَ کلّ الوصفِ فی انوارکم معدة بابی و امّی و ما فی علمِ رَبّی اَشهَدُ اَنّ مشیّتَکُم ذاتُ مشیّتة اللهِ فی عوَالم خلَقهَ وَ اَمرِه وَ انّه کَما هوَ

\*\*\*55\*\*\*

علیّه خِلو من دونِه وَ لایقترن بِشیءِ من خَلقِه وَ لایخرجُ مِنهُ شیء و لایدخل علیهِ شیءٌ وَ هوَ الفرد الاحد الصّمدُ لایدرِکهُ شیء وَ اَشهَدُ اَنّ اَرادتکُم ذات اِرادة الله فی عَوالم امره و نهیه وَ انّ فعل القدم بِکلّه یَظهرُ بامرکم و یَبدعُ لامِن شی لظهورکم بابی و امّی و ما فی علم رَبّی قد قامت السّموات بلا عمدٍ باسمکُم

\*\*\*56\*\*\*

و اَستَقر العرشُ عَلی الماءِ بامرکم و اقتَرنَ الکافُ بالنون لذکرِ مُصیباتکُم وَ حُددِ القدرُ بالهِندسة الکونیة و الحدِّ الامکانیّةِ لمّا رای فی نفسه ذکِراً من ظُهوراتِ تجلّیاتِکُم بابی و اُمّی و ما فی علم رَبّی ما جری القلَم الی فی ثنائِکُم وَ ما یحصی اللوح اِلا مِدحَتکم وَ ما فی الوُجودِ الّا نعتَکُم وَ ما

\*\*\*57\*\*\*

فی المَفقودُ الّا عِلمَکم بابی و اُمّی و ما فی علم رَبّی قد شهِدتِ القصاری بالاِقتصار وَ انطَقَتِ القضایا بالاختیار وَ ما کانَ ذلِکَ اِلّا فضلاً عنکُم وَ جوداً من ساحةِ قدسکم وَ کَرَماً مِن سماءِ مشیتکُم و انعاماً مِن فواضِلِ عَطاءِکُم بابی و امّی و ما فی علمِ رَبّی کیف اذکر مکنون سِرّکُم و اشیرُ الی مخزونِ عِلمِکم

\*\*\*58\*\*\*

وَ انطق بُثناء مصون حُکمکُم وَ انّه کَما هُوَ علیه مَع عُلوه الّذی هو عالٍ لعلوّکم و دنوه الذی هوَ دان لدُنوکم اِنقطعَت الاسماءُ عن ساحةِ ذِکره وَ اضمحلت الصفاتُ عن مقام عِرفانِه وَ ما هو اِلا عبدٌ فی مُلکِکُم وَ مَملوک فی مَملِکتکُم و ما نطَق الکتابُ بالثِناءِ و دل العماء بالبهاء ذکرٌ من جوُدِکُم فی حقّه

\*\*\*59\*\*\*

و نَعتٌ مِن فضلِکم فی ثَنائه بِابی وَ امّی و ما فی علم ربی لما ضاقَت عَلی الارضُ برحبها و سَکنت عَلی وَسَطِ الجِبالِ باحاطَتِها اشَکو اِلیکُم مانَزَلَ بی فی حَیوةِ الدّنیا لِیفرغَ بِه فوادی فی تلقاء مَدین عزّکم وَ یَرَقَ قلبی فی مقام اِظهارِ جلالتِکُم و یَدمَعَ عینایَ فی بین یَدی رحمَتِکم لَعلَّ بِذلکَ تدلُ آثارُ عبودیّتی بِظهوراتِ

\*\*\*60\*\*\*

عُبودیّاتِکم وَ تحکی مَقاماتُ مُصیبتی بِمقاماتِ مصیباتِکُم لِیثبَت بِذلکَ الّدین القویم بِامرِکُم و یتحقّقُ ذکِرُ الحَکیمِ باذنِکُم بابی و امّی و ما فی علم رَبّی ما اَظهرت التجرد فی جوهریات الفُؤادِ الّا لِاظهارِ فَضلِکُم وَ رُبوبیّتکُم المتجلّیةِ مِن بارئِکُم وَ ما رضیتُ بآثار الذّلّ و الانفراد الا مااردتُ مِن ظهورِ عبودیّتِکُم

\*\*\*61\*\*\*

المُتشعشعَةِ عَن فضلِ رَبّکُم لاننی اَنا ماکنت شیئاً حَتِّی اختارَ لِنفسی امراً قدخَلقَنی الله بفاضل نورِکم وَ جَعَلنی مُحدقاً بعرشکم وَ طائفاً فی حُولِ حَرمِکُم و ناطِقاً بتقدیسکم وَ ما یجریِ الله عَلیَّ اِلّا ما هُوَ خیرٌ لی لِاظهارِ مقامِکُم و ارتفاعِ کلِمَتِکُم و علوّ ذِکرِکُم وَ ثُبوتِ شانِکُم و بیان عِزّکُم وَ مقامِ تَجلّیکُم و حقّ جودِکُم

\*\*\*62\*\*\*

بابی و امّی وَ ما فی علم رَبّی وَ لولا الارض لم یَظهر نورُ الشّمس وَ لایبیّنُ حُکم السّماءِ فی تِلقائها وَ اَنا ماکُنت شیئاً حتّی اذکُرَ نَفسی لَدیکُم وَلکن اَعلم اَنَّ ذکرکُم لایَظهَر اِلّا بِذکری وَ انَّ اَمرَکُم لایثبّتُ اِلّا بِامری وَ انَّ دینَکم لایُبیّنُ اِلّا بحکمی وَ انَّ کَلمِتکُم لاتَرفع الّا بخُضوعی وَ لِذا اجترحَت بین اَیدیکُم بِموبقات

\*\*\*63\*\*\*

نَفسی و جریراتِ ذاتی بَابی و امّی وَ ما فی علم رَبّی اَشهدُ انّ المقبل عَلیکم غیر مردودٍ وَ الوارِدَ عَلی بابکم غیرمطرودٍ وَ الناظِرَ بطلعتِکم غیر مایوُس وَ السّائل مِن جودِکُم غیرُ ممنوع وَ المُنقَطِعَ اِلیکم غیرمقطوع وَ المُنفقَ فی سبیلِکُم غیر منقوص وَ النّاطِقَ بِفَضلِکُم غیرمکذوبٍ فَلِذا جَعَلتُ النّارَ فی فوادی نوراً و رَضیت

\*\*\*64\*\*\*

بالحزنِ فی کینونیّتی سُروراً لاِنّکُم شُهداء عَلیّ بالستر و الافضال وَ ادِلا لمقام صُعودی اِلی الله فی السر و اَلاجهارِ فَبِعزّتکم لو اقبَلَ عَلی جنود الارض کُلّها مَعَ اتکالی عَلیکُم غیر خائفٍ وَ لامُضطرٍ وَ لو مَکروا فی حَقّی من عَلی الارضِ کُلّها و انی کُنتُ معتَصماً بحَبلِکم ما ابالی و لااتنذرُ بِابی و امّی وَ ما فی عِلم رَبّی

\*\*\*65\*\*\*

لاخَوفَ لی لِانّکُم لایَعزبُ عَن عِلمکُم شَیءٌ وَ لایَخرجُ مِن سُلطانکُم شیءٌ و لایَفرّ مِن مَلکوتکم شیء وَ ان المؤمنَ حین ایمانِه مُقبل اِلیکم بِمِنکم علیه وَ انَّ الکافر حینَ انکارِه مُقبلٌ اِلیکم بعدلکُم فیه لانَّ الکل یستمد الفیضَ من بهاءِ جَلالتکُم و یمشی خاضًعاً عَلی الارض بینَ ایدی سلطنتکُم لِانَّ ارادَتکم قاهِرةٌ نافذةٌ وَ

\*\*\* 66 \*\*\*

قُدرتکُم مُحیطةٌ رافِعةٌ وَ لا لِاحدٍ قبضٌ فی مُلکِ اللهِ و لابسطٌ اِلّا باذنِکُم وَ انّ الظالمِ لایظلِمُ اِلّا بماتحکُمونَ عَلیه بعدلکُم وَ اِنَّ المظلُومَ لاینتصِرُ اِلّا بِما توعدونَ بِه بفضلِکُم وَ لکُم البهاء الاعَلی فوقَ کُل بهاء و الثناءُ الاَجلی فوقَ کلّ ثنا لایعزبُ من عِلمکُم مانَزَلَ علیَّ و لایفوتُکم حکم مافاتَ عنِّی وَ\*\*\*

ص67و 69\*\*\*

لایعجزکم شیءٌ فی السّمواتِ وَ لا فی‌الارضِ لِانَّ باسمِکُم یُصلح کلمة النّورِ وَ یظهرُ کل الظّهورِ و یعلن کل البطونِ و یخفی کلُّ الرموز بابی و امّی و ما فی علم ربّی مالی خوفٌ مِن الذّینَ ظلمونی لانّکم شُهداءَ علیّ و المنتقمون عنهم فی و لیسَ لهم اشد عذاباً عندکم من انکارهم حَقّکم و جحدهم امرکم و طغیانهم

\*\*\*68و70\*\*\*

فی ایّامک و استکبارِهم علی ضُعفا شیعَتِکم فاسئلکُم بجودِکُم یا شهداءَ الخلقِ وَ ادلاء الحق بان تنظرُوا اِلیَّ بنظره قریبة تصلح بها کل الاموُر و تتبدّل کل الاحزانِ بالسّرورِ و تفرّجُ بِه الکروبُ وِ یسهلُ لی سبیل المحبوبُ اذ من سماءِ مشیّتِکُم ینزُل الفرَج وَ من مهبط ارادتکم یظهر اذنُ المخرج و ما لی ان اسئَلَ

\*\*\*71\*\*\*

اِلّا منکم و لا ان اَتوکل الا علیکم و لا ان اهرب الّا الیکُم و لا ان اَتوسَلَ الّا لدیکُم فبحقکم اقسکم ان تنزّلوا علَیّ کل الخیر ما احاطَ به علمِکم و ان تدفعوا عَنی حکم الشر ما یحصی به کتابکم فَانّکم عَبادٌ مکرَمونَ لاتسبِقونَ اللهَ رَبّکم فی حکمِ و انتُم بامره تَعلمونَ و انّنی انا استغفرُکم من کلّ ما احصی الله منی و اتوب الیکم

\*\*\*72\*\*\*

من کلّ ما علِمَ الله فی حقّی اذ وجودی ذنب و ما ینسب اِلی الذنبِ ذنبٌ و ها اناذا رجاءً لعفوکُم اختِم ثنائی علیکُم بما نزل الله فی کتابه حیثُ قالَ وَ قولُه الحقّ لمن عرف حقّکم فی مَلکوتِ الامر و الخلق سبحانَ ربّک ربّ العزة عمّا یصفونَ و سلام علی المرسلین و الحمدُللهِ ربَّ العالمینَ .

**أن إقرأ هذا الدعاء في ليلة الجمة (از صحیفه بین الحرمین)**

\*\*\*ص73\*\*\* بسم الله الرحمن الرحیم

ألحمد لله الأحد الفرد القيّوم الّذي لا إله إلّا هو العليّ العظيم يا إلهي أنت الّذي تبدع بقدرتك الخلق لا من مثال قبلها علي هيكل محبّتك ابتداعا و تخترع حقايق الأفئدة علي شكل قبولها بلا شبه يعادلها اختراعا ثمّ قد أقمت الخلق في منهاج معرفتك جودا و امتنانا

\*\*\*ص74\*\*\*

فلك الحمد و العظمة بما قد تجلّيت للخلق بعزّ قدرتك طهرا من ضرب الأمثال و نعت الأشباه فسبحانك يا إلهي قد جلّت عظمتك و علت قدرتك و لايمكن حقّ العرفان في آلائك و لا أداء الحقّ بشيء من عطاياك أنت الّذي لن تعرف بكنه الكينونيّة و لن توصف بعزّ الذّاتيّة إذ ما سواك محدود بحدود الانشائيّة و محدثة

\*\*\*ص75

بوصف المثليّة فأشهد أنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وأشهد أنّ ذاتيّتك يا إلهي مقطّعة الكلّ عن الاشارة إليك و أنّ كينونيّتك مدلّة علي نفي الدّلالة لغيرك فكيف أصف حسن ثنائك بعد ما أعلم سدّ السّبيل للخلق و منع الدّليل في الوصف و لايدرك العبد إلّا إنّيّته و لايوصف الخلق إلّا

\*\*\*ص76\*\*\*

ذاتيّته فكيف يمكن معرفتك للخلق بعد ما قد أبدعتهم لا من شيء بغير وصف من نفسك و لا دلالة من ذاتك فسبحانك حاشا الظّنّ بك من معرفة الكنه و لا الوصف علي أزليّة الصّنع أنت الّذي لن تحدّ و لن تجسّ و أنت الّذي لن توصف و لاتحسّ مشيّتك مدلّلة بنفي وجودها من قرب ذاتك و إرادتك

\*\*\*ص77\*\*\*

محدّثة بالمنع عن معرفتك فلك الحمد بما تعرّفني نفسك علي حقيقة ربوبيّتك و لك المجد بما تلهمني من ذكرك علي علوّ أزليّتك و لقد قصر بي السّكونات بالذّكر من آلائك و قصاري الاقرار بالنّعت عن امتنانك أنت العالي و لا شبه لنفسك و أنت الكبير و لا مثل لعدلك فتعالي نفسك عن الوصف و

\*\*\*ص78\*\*\*

جلّت كينونيّتك عن النّعت فلايدلّ نعت الخلق إلا وصف أنفسهم و لاتحكي حقايق الأفئدة في علوّ المعرفة إلّا بنعت حقايقهم فها أنا ذا أعترف في مقامي هذا بالعجز و التّقصير و ما عرفتك كما تعرّفني نفسك و ما عبدتك كما تدعونني إليك فلم تزل إنّك الاله الفرد المتفضّل العزيز المتكّبر لن يشبه عطيّتك شيء و لم يعادل

\*\*\*ص79\*\*\*

إحسانك شيء فلك الحمد من ثناء نفسك نفسك و لايصعد إليك إشارة من خلقك فإنّك يا إلهي قد خلقتني و لم أك شيئا و ربّيتني في عوالم محبتّك بأيدي رحمتك جودا بعد ما لا أستحق بشيء منها فلك الحمد و الجلال و العظمة و الثّناء بما يستحقّ ذاتك في إبداع الصّفات و اختراع الشّئونات إنّك أهل البهاء و الجمال و إنّك

\*\*\*ص80\*\*\*

أنت الكبير المتعال يا إلهي هب لي بجودك في الشّهر الحرام كمال الانقطاع إليك في البيت الحرام واجذبني بنفحات قدسك إلي مقعد العزّ و الجلال وألهمني آيات محبتّك في كلّ شأن بما قد أحاط علمك لأن أدخل ساحة قربك و أقرّ لدي محضرك بما قد تجليّت لي في يوم إنشائك بنور ندائك أشهد أن لا إله

\*\*\*ص81\*\*\*

إلّا الله وحده لا شريك له فرد قيّوم دائم وتر الّذي لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا و لم يكن له وصف من الخلق لا إله إلّا هو ليس كمثله شيء و هو العزيز الحكيم يا إلهي إنّ علوّ إحسانك ظاهرة لاتختلف و إنّ عظمة امتنانك ناطقة لاتحتجب قد خلقتني و لم أك مذكورا من قبل و أكرمتني نعمائك ما لانستحق بشيء من

\*\*\*ص82\*\*\*

بعد فکل ما أذكر نفسی ما أشهد إلّا عصیانه و ما أري إلّا إحسانك و مداراتك فيا إلهي كيف أذكر نفسي و سيّاته بعد ما كنت أعلم أنّ وجودي لدي وجهك أعظم ذنب لاتشبه نار فسبحانك يا إلهي فبعزّتك و جلالتك و لاحول و لاقوّة إلّا بقدرتك ما أحببت في شأن إلّا حبّك و ما أردت

\*\*\*ص83\*\*\*

في وجه إلّا وجهك بعد ما قد كسبت إشارات البعد بذكر الحيوة و مددتّه القضاء بالامضاء عدلا من حكمك الّذي لاعدل له و إنصافا من أمرك ألّذي لا شبه له فآه آه ممّا قد أحاط علمك بنفسي من إشاراتها إلي لجّة العظمة و دلائلها من غير طمطام الأحدّية و سكونها في غير

\*\*\*ص84\*\*\*

وجه الهوّية و قربها إلي دون بهاء الصّمدانيّة فآه­آه عمّا يحصي الكتاب من جريرات العلامات من نفسي عمّا يحكي من دون فطرة توحيدك و دلّ علي غير نعت أزليتك فبحقّك الّذي لا إله إلّا أنت لو اردت حكم عدل علي جزاء ما اكتسبت نفسي بالاغفال من أمرك لدي محضرك لقد ملأ أركان

\*\*\*ص85\*\*\*

الابداع من النّار و كبرت جسمي علي قصور القدرة في الاختراع و لم يبق شيء من حرّ سخطك فسبحان الله الرّبّ البارّ الرّؤف لايردّ سخطك إلّا عفوك و لاينجيني من غضبك إلّا حلمك فلك الحمد حمدا شعشعانيّا متلامعا مقدّسا منزّها كبهاء ثناء الله علي نفسه حمدا يفضل علي كلّ­شيء كفضل الله علي الخلق

\*\*\*ص86\*\*\*

أجمعين و لله الحمد من إلهامه حمدا يملأ السّموات والأرض قسطا و يؤتي كلّ ذي حقّ كتابا حفيظا فأسئلك اللّهمّ يا إلهي بجودك أن تنزّل علي حبيبك و آله من نفحات عزّك و آيات مجدك ما أنت مبدعها لم تزل كما أنت أهله فأسئلك اللّهمّ أن تصلّي علي محمّد و آل محمّد بشئونات أيّام إنشائك ما قد

\*\*\*ص87\*\*\*

أحاط علمك إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت غنيّ في الذّات و عادل في الصّفات لن يشبه شيئا من عطاياك عطيّة كلّ الخلق و لم يعدل آيات محبّتك شيء من العباد فأسئلك اللّهمّ بجودك أن تسلّم علي محمّد و آل محمّد محالّ معرفتك و مقامات محبّتك و معادن عظمتك و أركان توحيدك كما أنت أهله

\*\*\*ص88\*\*\*

و مستحقّه وأشهد يا إلهي في مقامي هذا بفضل محمّد و آله و كما تشاء بما تشاء لم يحط بعلمك أحد و إنّك علي كلّ­شيء قدير وأعترف لديك يا مولاي في هذا المشهد الكبري و الموقف العظمي بأنّك من علوّ نفسك الّذي لاينال إليك شيء قد جعلت محمّد و آله مقام معرفتك و معدن ولايتك و خزّان

\*\*\*ص89\*\*\*

علمك و آيات قدرتك و قضيت لأنفسهم بحملّ مشيّتك و لشئوناتهم یمكمن إرادتك إذ كنت إله إلّا أنت لاتدرك شأنا من قدرتك حقايق الأفئدة و الأبصار و لاتحوي بأدني آيتك خواطر الأفكار و لاتحيط بشيء من آثارك غوامض الأنظار و إنّه لا إله إلّا هو و فوق ما قد نطق الكتاب بالعجز في وصفه

\*\*\*ص90\*\*\*

: «لاتدركه الأبصار و هو يدرك الأبصار و هو اللّطيف الخبير» يا إلهي إنّ أمواج أبحر محبّتك متلاطمة بعزّ كينونيّتك و إنّ سبل الانقطاع لامعة لأهل الخضوع لدي باب رحمتك فأسئلك بعلوّ كينونيّتك و قرب أهل ولايتك الّذين ما بدع لهم شبه إلّا لأنفسهم و ما يبدع لهم مثل إلّا لقدرة الله

\*\*\*ص91\*\*\*

في شأن تجلّيهم أن تجعل كلّ الشّئونات وجهة واحدة في محضرك و كلّ الآيات شأنا واحدا عند تلقاء وجهتك لأنّ الوجه في كلّ شأن بلقاء وجه حجّتك بن حجّتك محمّد بن الحسن علي إذن من نفسك و حكم من قدرتك ذو المّن القديم و الحكم البديع فأسئلك اللّهم أن

\*\*\*ص92\*\*\*

تصلّي و تسلّم علي وليّك القائم بأمرك و الغائب بإذنك و المنتظر وعدك بكلّ شأن أنت أثنيت علي نفسك و أن تنجز له ما وعدته و تقرّب أيّام سلطنته و تظهر أيّام كلمته إنّك علي کل‌شی قدير و بالاجابة قريب جدير و لاحول و لا قوّة إلّا بالله

\*\*\*ص93\*\*\*

العليّ العظيم و الحمد لله ربّ العالمين"

**دعائه بعد صلوة الفجر( از صحیفه بین الحرمین)**

"يا من حكم علي الصّباح بنور الضّياء وأظلم اللّيل علي إمضاء القضاء و أتقن سبل العباد علي ما قضي في البداء لا إله إلّا هو فاشهد لديه في مقامي هذا كما شهد ذاته لذاته إنّه لا إله إلّا هو عالم حكيم قادر حليم

\*\*\*ص94\*\*\*

غنيّ في أزل الآزال لم يزل ما كان له وصف و هو كما هو عليه في عزّ كينونيّته لايعرفه شيء و لايأخذه وصف من شيء و لانعت عن شيء و لايعلم كيف هو إلّا هو عادل في الحكم محمود في الفعل قد بعث محمّدا صلّي الله عليه و آله علي ذروة الانشاء من بحبوحة الابداع علي مقام دلائله مطهّرا عن الدّلالة

\*\*\*ص95\*\*\*

إلي غيره و منزّها عن الاقتران بشيء من عباده ليعلم النّاس أنّ ربّهم الرّحمن لا إله إلّا هو عادل في الفعل و مطاع في الحكم و هو العليّ المتعال و بعث الأوصياء من ذرّيّته علي هذا الصّراط القائم بالحقّ لئلّا يقول نفس في طوله و فضله من بعض القول حرفا سبحانه و تعالي يعلم ما في السّموات و ما في الأرض و هو العليّ الكبير

\*\*\*ص96\*\*\*

و علي هذا المنهج البيضاء قد بعث النّبيّين و المرسلين و الأبواب في هذا الضّياء من هذا المصباح في المصباح الزّجاجة الزّجاجة ورقة مضيئة من شجرة مباركة لاشرقيّة و لاغربيّة توقد من نار الله قبل أن یمسسه نار نور علي نور يهدي الله لنوره من يشاء لا إله إلّا هو العليّ العظيم و صلّي الله علي محمّد و أوصيائه مظاهر

\*\*\*ص97\*\*\*

عزّ القديم في مقعد عزّ كريم و سبحان الله عمّا يصفون و الحمد لله ربّ العالمين".

**دعائه في أوّل الزّوال( از صحیفه بین الحرمین)**

**\*\*\*ص97\*\*\***

بسم الله الرّحمن الرّحيم

"اللّهم أنت المعبود لا إله إلّا أنت وحدك لاشريك لك قصدتك بذكر نفسي لولا أنت لم أدر ما أنت أنت الله جمال نفسك لم تزل و لايدّعي أحد معرفتك إذ ذاتيّتك مقطّعة الكلّ عن الطریق و كينونيّتك

\*\*\*ص98\*\*\*

مدلّلة بالسّدّ الطّريق و انّك يا إلهي لاتكلّف نفسا إلّا ما آتيتها و إني عبدك أقلّ من ذرّ علي إحصاء علمك أشهدك بما تشهد لنفسك في عزّ أزليّتك قبل أن يكون شيئا مذكورا و إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك و أنّ ما سواك مقطوع عن محبّتك بصحّة الابداع و ممنوع عن معرفتك عن وجود الاختراع

\*\*\*ص99\*\*\*

فكيف يمكن من له حدّ الحدوث معرفتك فسبحانك يا إلهي ما من نفس قد أرادك بالكينونيّة إلّا و قد احتجبت بذكر إنشائك عن نفسه و أعرض عنه كلّ الممكنات بحكم عدلك فتعاليت يا إلهي عمّا يصف المشبهون من أهل إبداعك و قد ادعّي الظّالمون في آياتك علوّا كبيرا و ها أنا ذا يا مولاي أعترف لديك في مقامي

\*\*\*ص100\*\*\*

هذا ممّا تحبّ لنفسك من أهل لجّة المحبّة الّذين قد جعلتهم محالّ معرفتك و آيات ربوبيّتك حيث ما دلّوا في شأن إلّا بالعبوديّة لنفسك و السّدّ الطّريق عن محبّتك كما أنت أهله و مستحقّه إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت عزّ الموحّدين و عصمة اللّائذين و بهاء المؤمنين و منتهي غاية الطّالبين و إله العالمين ليس كمثلك شيء و إنّك

\*\*\*ص101\*\*\*

أنت العليّ الكبير و أشهد لديك يا إلهي لمحمّد و آله و شيعتهم كما قد شئت في عزّ الابداع في شأنهم إنّك علي کل‌شی قدير و بكلّ­شيء محيط و لاحول قوّة إلا بالله العليّ العظيم"

**دُعاؤُه بَعد صلوة الظُّهر**

يا اِلهي اُشهِدُكَ بِما قَد شَهِدَ لِنَفسُكَ مِن دُونِ شَهادَةِ اُولى­العِلمِ مِن عِبادِكَ اِذ اَنَّهُم لَن يَنالُوا اِلاّ اِلى حِظّ

\*\*\*ص ١٠٢\*\*\*

الاِبداعِ وَ لَن يَعرِفوا اِلاّ جُودِكَ عَلى كُلَمَةِ الاِختِراعِ وَ اِنَّكَ يا اِلهى غَنِى بِذاتِكَ عَن كُلِّ­شَئٍ وَ لايَعرُفُ الشَّئُ اِلاّ شيئِيَّتَهُ وَ لايَحكى الخَلقُ اِلاّ مِن مَقامِ العُبُودِيَّةِ وَ اِنَّ الدَّليلَ يَدُلُّ لِمَن لايَدُلُ بِذاتِه لِذاتِه وَ اِنَّ الوَصفَ نَعَتُ لِمَن يَحتاجُ اِلى نَعتِه فَسُبحانِكَ يا مَولائى اَنَّ طُرُقَ اِلاِنقِطاعِ قَد مَنَعَ الكُلَّ عَنِ الوَصفِ لَدى وَجهِكَ

\*\*\*ص ١٠٣\*\*\*

وَ اِنَّ عُلُوَّ الاِمتِناعِ فَقَد سَدَّ اَلخَلقَ عَنِ النَّعتِ لَدى مَحضَرَكَ فَاَى الوَصفِ قَد رَضَيت بِنِسبَتِها اِلَيكَ وَ هِى شَاهِدَةٌ بِتَفرِيقِها مِنَ انشائِكَ فَسُبحانِكَ يا اِلهى مِن عُلُوِّ العَظِمَةِ وَ المَجدِ وَ مِن مُنتَهى الحَمدِ وَ العِزَّةِ وَ لايُحصِى احَدٌ ثَناءَكَ كَما اَنتَ عَلَيهِ مِنَ القُدرَةِ وَ الجَلالِ وَ اَعتَرَفِ لَدَيكَ بِاَنَّ الواصِفُونَ قُدرَتَكَ قَد شَبَّهُوها

\*\*\*ص ١٠٤\*\*\*

بِاَنفُسِهُم وَ لِذا قَد اَجتَرَحُوا بِآياتِكَ مِن حَيثَ لايَعلَمُونَ وَ اِنَّ الَّذينَ قَد اَدَّعُوا مَعرِفَتِكَ فَقَد كَذَّبَت الدَّعوَةِ اَنفُسَهُم وَ هُم لايَشعَرُونَ فَيا اِلهى اَنَّ ذِكرَ اَنفُسَنا لَدى وَجهِكَ كَلِمَةُ شِركٍ لايُعادِلُها ذَنب وَ اِنَّ اِحتِجابَ اَنفُسِنا مِن دُونِ آيَةِ نَفسِكَ كَلِمَةِ عَدلٍ لايُساويها حُكمٌ فَاستَغفَرِكَ يا اِلهى مِن كُلِّ ما قَد اَحاطَ بِهِ عِلمِكَ وَ

\*\*\*ص ١٠٥\*\*\*

هَرَبتُ مِن كُلِّ­شَئٍ قَد اَدَّعَى الحُكمَ مِن غَيرِ نَفسِكَ وَ اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّى عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما اَنتَ اَهلُهُ وَ اشهِدُكَ بِاَنّى قَد اَعتَرَفُ فى مَقامى هذا مَقامَهُم كَما تَشاءُ لَهُم اِنَّكَ اَنتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنتَ غَنِى بِلا كُفُوءٍ و لا مِثالٍ وَ لاحَولَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ العَلِى العَظيمِ .

**فی یوم العرفة و یوم قبله و بعده و یوم الغدیر و کل جمعة و یوم البدع و الرّابع بعد العشرین من هذا الشهر بالغسل فانّ فیه اسم الله العظیم لمستور**

\*\*\*ص106\*\*\* **الدّعاء**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللّهمّ انت السلطان بلا ضدّ و انت المقتدر بلا ندّ قد ابدعت الخلق بحرف من الابداع لا من شیئ و جعلت فی حقائق کلّ­شئ ذکرا من نفسک لا من شبه فاشهد لدیک بتلک الآیات القدیمة فی ذلک الیوم العظیم بما قد شهد

\*\*\*ص107\*\*\*

ذاتیتک لنفسه قبل کل‌شی لا اله الاّ هو و لایعلم احد کیف هو الاّ هو یا الهی اشهد ان ذاتیتک مقطعة الوصف عن البیان و انّ کینونیّتک مسدّدة النّعت عن الاستدلال و انّک یا الهی کما انت لن تعرف الاّ بنفسک و لن توصف الاّ بوجهک و انّ منتهی مقام الخلق قد تزوّتت من نقطة الفصل و انّ اعلی

\*\*\*ص108\*\*\*

جواهر العباد قد تجلجلت من نقطة الیاس لن یدّل المثل فی حقائق الممکنات الاّ بالمنع و لاتستدّل الهندسة فی ذاتیات الخلق الاّ من مقام القطع فسبحانک یا الهی من عمل الخلق و کل ما هم علیه من الامر لانّهم لایعرفون الاّ حظ انفسهم و لایشهدون الاّ بما قد جعلت فی حقایقهم فسبحانک من اراد توحیدک فقد

\*\*\*ص109\*\*\*

احتجب بنفسه و لذا قد مدّدته القضاء من عندک لیحتمل کلمة الشرک فی صقعه و من اراد الوصف لنفسک فقد ادّعی الضدّ لذاتک لانّ الوصف لدی الاشارة مردود الی نفسه فسبحانک کلّ الخیر منک و لک وحدک لا شریک لک و ما ینسب الی الخلق و یظهر منهم آیات ملکک لا اله الاّ انت فسبحانک یا الهی

\*\*\*ص110\*\*\*

لااحصی ثناء علیک و لا احبّ ذکر الشیئ الاّ لوجهک فکیف اذکر حالی لدیک بما قد احاط علمک دون ما لا اعلم نفسی شیئا منها فاشهد یا الهی بانّ من ذکری توحیدک قد اکتسبت سئة لو تعذبنی بکل قدرتک جزاء ذلک العمل سرمدا الابد بدوام ذاتک لکنت مستحقّا به و لایعدل ذنبی فآه آه من جریرات الکبری

\*\*\*ص111\*\*\*

و المصیبات العظمی عما ارتکتب فی تلقاء وجهک من دون اذن من حکمک فها انا ذا فی مقامی لدیک استغفرک و اتوب الیک و اعترف بان استغفاری من الذّنب ذنب یحتاج الی کلمة الاخری و هی لانفاد لها الاّ العجز منی و العفو منک سبیله لا اله الاّ انت فاسئلک اللّهمّ بجودک ان تصلی علی محمّد و آل محمّد بما قد احاط علمک و احصی کتابک\*\*\*ص112\*\*\*

انّک انت الجواد ذو المنّ لایتعاظمک شئ فی السموات و لا فی الارض و انّک علی کلّ­شیئ قدیر و بما تشاء سریع قریب اللّهمّ انّ الیوم یومک و المقام مقامک فاسئلک اللّهم بحقّک الذی لایعلمه احد سواک ان تصلّی علی ولیک القائم بامرک و الرّاضی بحکمک و الدّاعی الی نفسک حجّتک ابن حجتک الّذی قد اخترته

\*\*\*ص113\*\*\*

لنفسک و اجتبیته لمحبتک و اصطفیته لولایتک و جعلته مقام نفسک فی المعروفیة و العطاء اذ انت لم تزل لم تقترن بجعل الاشیاء و لاتتغیّر فی شان بالعطاء و انّک انت العزیز المتعال اشهد انّ مشیته فی کلّ­شئ ذات مشیتک و ارادته علی کل قضاء حکم الامضاء منک لم تغیره الازمنة و الدّهور

\*\*\*ص114\*\*\*

لعزّ جلاله و لاینال الی قدس معرفته احد من الخلق لعلوّ بهائه و لایغرب من علمه شیئ فی السّموات و لا فی الارض و ما من شیئ الا بحکمه و الیه یرجع حکم الخلق و الامر باذنک انت الله لا اله الاّ انت الغنی القدیم اللّهمّ سلّم علیه فی کلّ شان بما انت اهله و مستحقه واحفظ اللّهم غیبته و انجز ما وعدت له انّک بکلّ­شیئ

\*\*\*ص115\*\*\*

محیط و علی ما تشاء قدیر و اسئلک اللّهمّ بجودک ان تصلی علی عبده الّذی قد ارسله الی الخلق بالآیات البیّنات و بیّن سبیل معرفته فی آیات المحکمات و اشهد انّه قد بلغ ما حمل من حکمه و انّک علی کلّ­شیئ شهید و لاحول و لاقوّة الاّ بالله العلیّ العظیم و الحمد لله رب العالمین.

\*\*\*ص116\*\*\*

**فی یوم عاشورا و لیله**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله لعبده بشهادة نفسه ان لا اله الاّ هو الحیّ القدیم اللّهمّ انت السّلام و منک السّلام و الیک السّلام وحدک لاشریک لک اشهد ان الیوم هذا یومک و المقام هذا مقامک و الشهید فیه حجتک ابن حجتک و انت یا الهی قد دعوت لما قد وعدت بالحقّ لاهل اجابتک عن زیارة

\*\*\*ص117\*\*\*

نفسه بنفسک و عن محضر عرشه بقدس عزتک و عن ذکر ذلته بذکر عزّتک و عن مقام مقهوریته بمقام قوتک و عن مصرعه بمقام رحمانیّتک انّک ذو الجود العظیم اشهد انّه و اِن قتل بین ایدیک ولکن حیّ لدیک و لایعجز فی قدرته شیئ و لایعزب من علمه شیئ و لاتغیره الدّهور و الازمنة لانّه من نور ذاتک قد خلقته

\*\*\*ص118\*\*\*

و لازوال له سرمدا ابدا فجلت مصیبته یا الهی لدیک و عظمته بلائه یا الهی عندک و انت تعلم حقّه لاسواک و انّک قد عرفت بلائه لادونک فسلّم اللّهمّ و اجزه من رضاک کما انت اهله و انزل الرحمة بجودک علی الّذین قد قتلوا بین یدیه فی ذلک الیوم کما انت تستحق به فانّ اولئک لهم الفائزون المقرّبون و اکتب

\*\*\*ص119\*\*\*

برحمتک للّذین یعملون فی سبیل نفسک و یتّبعون انفسهم فی سبیل ذاتک و یبکون فی ایّام العدل لوجهک کل الخیر ما قد احاط علمک فانک جواد ذو المن لاتامره بحکم الاّ و تخلق قبل ذکره جزائه فی الفردوس لمن اتبّعه و کان من الساجدین السلام علیک یا اباعبدالله و رحمة الله و برکاته اشهد یا مولای

\*\*\*ص120\*\*\*

لدیک بانک و ان قتلت لم تمت بل بحیاتک حیّ وجود افئدة الخلق و بجود ثارک یقبل الله شهادة المتوحدین و اشهد انّک نورالله الّذی لایخفی و امرالله الّذی لایقهر و سرّ الله الّذی لایعرف و اسم الله الّذی لایوصف قد علت ذاتیتک عن الوصف و جلّت کینونیتک عن النّعت و لایعرف احد کیف

\*\*\*ص121\*\*\*

انت الاّ الله الّذی خلقک و تلی بذکر ثارک الی نفسه لا اله الاّ هو و اشهد انک حین قطع الرّأس متّصل بنورالله ربّک و حین وحدتک علی الارض کلّ الموجودات خاضعة لدیک و خاشعة لوجهک و منصعقة لمصیبتک لاذلیل نفسک و الله فی کل شأن معزّک و لا انت مغلوب فی شان الاّ و کان الله

\*\*\*ص122\*\*\*

ناصرک انت القتیل بلا مثل و انت الفرید بلا شبهه فصلی الله علیک یا حجة الله کما هو اهله انّه عزیز حمید اشهد لدیک بانّ من ثارک قد تغیّر حکم احرف الاحدیة فی اجمة اللاّهوت و تبدل حکم کلمه التّسبیح باحرف التکبیر فی ارض الجبروت و ما من شیئ الاّ و قد سبّح الله بذکرک و یبکی فی کل­شیئ

\*\*\*ص123\*\*\*

لوجهک الله یعلم یا مولائی مصیبتک و کبر بلائک و انّ ما سواک فی حکم الشهادة و الالم کتوحید النّملة لدیک فسبحان الله الاحد الفرد الحیّ القیّوم الّذی لایعلم احد کیف هو الا هو اللّهمّ انّی اشکو ابثی و حزنی فی ذلک الیوم الیک فاسئلک اللّهمّ بجودک ان تدخلنی فی باب حرمک و تکتب اسمی فی الزّائرین

\*\*\*ص124\*\*\*

لنفسک و تعذب الّذین قد جعلوا هذا الیوم یوم الفرح و رضوا بفعل حزب الشیطان بعذابک الدّئم الابد انّک تقدر علی ما تشاء و تحکم بالعدل لمن تشاء بما تشاء فاسئلک اللّهمّ بحقّک و بحقّ من قتل فی ذلک الیوم بین یدیک ان تعذّب اعداء الدّین الّذین قد حاربوا معک و قتلوا حجتک و الّذین

\*\*\*ص125\*\*\*

اتّبعوا اعمالهم من بعد بما انت تقدر به عند الاخذ انّک علیّ کل­شیئ قدیر و بکل­شیئ محیط و لاحول و لاقوه الاّ بالله العلیّ العظیم و الحمدلله رب العالمین.

**اقروا هذا الدّعاء فی کلّ یوم من هذا الشهر عندالزّوال**

\*\*\*ص125\*\*\* بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله لنفسه قبل کل‌شی بمثل ما یشهد الان لنفسه لا اله الاّ هو العزیز الحکیم اللّهمّ \*\*\*ص126\*\*\*

انّی اشهد لدیک فی ذلک الیوم من هذا الشهر شهر حبیبک محمّد صلی الله علیه و آله شعبان الّذی قد فضلته علی اشهر الحرم بفضل حبیبک علی کلّ الخلق و لایعلم کیف ذلک الا انت بما تشهد لنفسک بانک انت الله لا اله الاّ انت وحدک لا شریک لک غنیّ لم یزل و الان بمثل ما کنت فی الازل لایعلم

\*\*\*ص127\*\*\*

کیف ذلک الا انت سبحانک و تعالیت عمّا یقول الظالمون علوّا کبیرا و اشهد لمحمّد و آله صلواتک علیهم کما تقدّر فی شانهم و تشاء لهم فی کل شان انک علی کل‌شی قدیر یا الهی انّ آیة هذه الشمس فی ذلک الحین قد کوّرت باذنک الی محل الزّوال و انّ لک فی کل حین نفحات تمنّ بها علی من تشاء و لایحیط بها احد سواک فاسئلک اللّهمّ یا الهی

\*\*\*ص128\*\*\*

ان تصلی علی محمد و آل محمد اصل الخلق فی الایجاد و آیات قدرتک فی العباد و مظاهر عظمتک فی آیات الملک و خلق الفوأد عبادک الّذین انتجبتهم لنفسک و اصطفیتهم لمحبّتک و جعلتهم مقام نفسک فی کل شأن لیدعوا النّاس الی نفسک و لایعرف احد بینک و بینهم الاّ کلمة العبودیّة لا اله الاّ انت اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد کما

\*\*\*ص129\*\*\*

قد جعلتهم شجرة العدل فی الانبیاء و موضع الرسالة فی الاصفیاء و معدن العلم فی الاولیاء و اهل بیت الوحی لما تخلق و تشاء حیث قد بیّنت ذلک الحکم فی محکم کتابک علی شأن قدرتک فی سید الاوصیاء لحبیبک محمّد صلی الله علیه و آله للبلغاء المستحفظین الأئمة الرّاشدین الّذین یعملون بامرک و هم من خشیتک یشفقون

\*\*\*ص130\*\*\*

قلت و قولک الحق و ما کان لبشر ان یکلمه الله الاّ وحیا او من راء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انّه علی حکیم و بیّنت حکم تلک الآیة بقولک الحقّ فی شان قدرتک و انّه فی ام الکتاب لدینا لعلیّ حکیم اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد الفلک المستقرّ علی ابحر الابداع فی یوم الانشاء و السفینة الجاریة علی یم المسجور فی لوح \*\*\*ص131\*\*\*

الاختراع یعلو مرّة الی افق السّماء و ینزل اخری الی طمطام قعر الابداع اشهد انّ من رکبها یأمن من اشارات الشیطان عن اهل الهلاک و ما من عبد ترکها الاّ و یغرق فی دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد شجرة المقصود و الآیة المحمود عبادک الّذین قد جعلتهم کهف العباد فی العالمین و عصمة اهل

\*\*\*ص132\*\*\*

الایجاد فی النّشأتین ملجأ الضعفاء و المساکین و منجا اهل الخوف و الرّاجین امنائک الّذین قد فرضت طاعتهم و اوجبت محبّتهم و قرنت ولایتهم بولایتک و الاقرار بعبودیتّهم الاقرار بوحدانیّتک عبادک المکرمون الّذین یعملون بامره و هم لوجهه عابدون اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد صلوة ینبغی من قدرتک و لا منتهی له

\*\*\*ص133\*\*\*

فی علمک صلوة تفضل علی کل‌شی کفضلک علی الخلق اجمعین اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد اداءً فی الامضاء و قضاءً فی ابداء و دائماً بمشیّته الانشاء و سرمدا علی غایة الاختراع باذن منک و جود من نفسک و آیة من ربوبیّتک و ملکة من سلطنتک و هندسة من عظمتک بقوّة منک یا مولی العالمین اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد \*\*\*ص134\*\*\*

المصطفین الاخیار الّذین قد جعلتهم محلّ مشیتک و مکمن ارادتک و محلّ قضائک و قدرک عبادک الّذین مایشاؤن الاّ بمشیتک و لایحکون الاّ لارادتک و لایدلّون الاّ عن عظمتک و سلطنتک معدن العلم و منتهی الحلم ائمة الدّین و هداة الخلق اجمعین اللّهمّ صلّ علی محمد و آل محمد بما تحب و ترضی و کما انت تصف نفسک

\*\*\*ص135\*\*\*

لاسواک وحدک لا اله الاّ انت اللّهم بحقک علیهم و حقّهم فی کتابک ان تسکّن افئدتنا بمحبّتک و قلوبنا بمعرفتک و لاتجعلنا من الغافلین و اکتب لنا کلّما تحبّ لحبیبک محمّد صلی الله علیه و آله فی هذا الشهر المعظّم من نفحات قدسک و آیات مجدک و علامات تجلیلک و بما لایحیط به احد غیرک و لایقدر بذلک سواک

\*\*\*ص136\*\*\*

اللّهمّ انقطع الرّجاء الاّ من فضلک و استعینت عن الکلّ بالعلم علی قدرتک و انت یا الهی لایخفی علیک شیئ فی السّموات و لا فی الارض و انت تحکم بین الکل یوم القیمة بالعدل فاکتب الفضل لمن عرفک و العدل لمن لایعلم حکمک انّک قادر علی ماتشاء و لایمنع عطیتک احد من خلقک و انّک علی کل‌شی قدیر و الحمدلله ربّ العالمین.

**هذا الدعاء فی کل یوم و بعد کل صلوة**

الدّعاء

\*\*\*ص137\*\*\* بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللهمّ انت المعبود لا شریک لک قد عرّفتنی نفسک و الهمتنی ذکرک و دعوتنی الی وجهک و لولا انت ما کنت شیا حتیّ اعبدک فاسئلک اللّهمّ بجودک فی هذا الشّهر الحرام بما تحبّ لاهل محبّتک الّذین قد ابدعتهم لامرک و اخترعتهم لطاعتک و اصطفیتهم لمحبّتک

\*\*\*ص138\*\*\*

و اجتبیتهم لمعرفتک و جعلتهم فی کلّ شان مقام عزّتک و مظهر قدرتک لئلایفوت من شیئ شیئ عن مقام اجابتک و شهد کلّ شئ من خلق کلّ­شئ آیات عظمتک حتی لایحجب عن احد ظهور تجلّیک فی شان و یراک ظاهرا موجودا فی کل شأن لا اله الاّ انت العزیز الحکیم و اشهد لدیک فی ذلک المقام بما تنزّل

\*\*\*ص139\*\*\*

فی القرآن من احکام ربوبیتک و آیات قدرتک و ما انت تبدع من بعد فی شأن اهل ولایتک الّذین قد جعلتهم ارکان توحیدک و آیات تقدیسک کما انت تعلم لاسواک و کما انت تحبّ لا دونک انّک انت العلی الجواد یا الهی فکیف اعترف بما اکتسبت نفسی لدیک فی احکام محبّتک و آیات

\*\*\*ص140\*\*\*

معرفتک بعد ما لااعلم شیئ منها کما انت تعلم جریرتها فان عملت خیرا لاریب انه خطاءٌ لنسبتِه الی نفسی و ان عملت شرّا فآه آه بعد حکم کتابک و نهی اهل ولایتک اجتریت علیک فسبحانک یا ذا العفو و الرحمه ان تحکم لی بما کنت اهله لم یبق شیئ الاّ و یهلَکُ فی الحین فسبحانک

\*\*\*ص141\*\*\*

سبحانک فمن یوم الّذی خلقتنی الی الان قد تجلیت لی فی کل اقلّ من لمحة ما قد احاط علمک بظهور تجلیک مثل یوم الّذی لم اک شیئا و الی دوام نفسک قد ایقنت بذلک الفضل منک و هذه کلمة لایشابهها شیئ و لایعادلها فضل فلمّا نزلت تلک الظهور احتجبت عن وجهک بما قد اشرت الیها فآه آه کل الان قد

\*\*\*ص142\*\*\*

نزل من عندک کل­خیر قد احاط علمک الی کل‌شی و لایستشعر به احد الاّ الّذین قد اردت الحکم لهم و لایعمل بحکمه نفس الاّ الّذین قد نزّلت الامر فی شانهم بل من سوء حالی و جریرات اعمالی لما نزل الامر فی نفسی فمنک خیر و فضل ولکن غیّر بسؤ مقامی حتی ارتفع الحکم منه و یجر الحکم بمثل نفسی فآه آه ایّ ذنب اعظم

\*\*\*ص143\*\*\*

منه و ای خطاء اکبر عنه فلم ادر کیف یسکن القلبُ لدیک و انّ سکونها ذنب لایساویها ذنب فیا الهی کلّ الطرّقِ بغیر اذنک مردودة و کل السّبل بغیر رضاک مسدودة ان استشفعت بالخلق فقد کنت مشرکا و ان التجأتُ بدونک فقد کنت هالکا فآه آه ما لی السّبیل و لا اجد المقام للدّلیل و انک یا الهی ربّ

\*\*\*ص144\*\*\*

جلیل غنی الّذی لایتعاظمک شیئ فی السّموات و لا فی الارض و انّک علی کلّ­شیئ قدیر فیا الهی لما کان فی مقالتی اجتراح عظیم لایستقرّ فوادی الاّ ارتکبت باجتراح اعظم و کلمه اکبر فمن قبل الذّکر یا ذی الجود عفوّک و من قبل البیان یا ذی العفو سترک فانک عذابی یا الهی فی منتهی املی و ما هی الاّ فتنتک فلو لم یکن خوفی

\*\*\*ص145\*\*\*

عن بعد قربک فمن یقدر ان یحزننی و یبکینی تلقاء وجهک فسبحانک انت النّار یا الهی بسرّی و علانیتی فلولا خوفی عن حجاب وجهک لعظمة نفسک فمن یقدر ان یحول بینی و بینک فکل الشّدائد یا الهی منک فلولا انت لم ترید فلم یقدر ان یذلّنی عن بعد حلمک فسبحانک سبحانک اقول و لااخاف من احد الاّ منک لک وحدک لا شریک لک

\*\*\*ص146\*\*\*

فکل ما شهدت بموارد الخوف لم ار الاّ من عینک فآه­آه انّ مقالتی هذا تشهد مقاله عبدة الاوثان لان من العبد لم یجری مثل تلک الحکم و لکنّک یا الهی تعلم سرّی و علانیتی لما قد طلاطم ابحر الحزن و الفراق بین یدیک یرشح محبتک قد خرج من یدی حبل سکینة نفسی و بذلک یا الهی تغرق فی الماء و تخرج ثمّ تغرق

\*\*\*ص147\*\*\*

فی الماء و تنطق ثمّ تغرق فی الماء و تعزک فانت یا الهی منتهی مطلبی و قراری و انّک یا الهی نعمتی و رجائی و انک یا مولائی منتهی مقصدی و منای و اشهد انّ کلّ ذلک سیئة منّی لایعرف احد حدّها الاّ انت وحدک لاشریک لک و ان قولی انت انت ذنب علی ذنب و انّ مقالتی نسبة النّار الیک ذنب اعظم من الذّنب ولکن

\*\*\*ص148\*\*\*

کلتیهما لدیک مردودة بمثل نفسی و راجعة حکمها الی سرّی و انّ لدیک النّور کالظّلمة و انّ کلمة النّار مثل القرار و حکم الاقبال مثل الادبار لمشهود و لو کان اهل المحبه من اجتراحاتی بین یدیک یتلذّذون اکثر من مقالات عدلی الیک ولکن الحکم لما کان منک لن یتخلف و انّ الامر لما کان من حلمک علی قدر المعلوم ینزل لن یتبدّل فآه­آه \*\*\*ص149\*\*\*

من کل ما قلت و احصیت و من کل ما یظهر منّی ما قد احاط علمک فمن کل ذلک استغفرک و اهرب منک و اتوب الیک انک انت الجواد الکریم اللّهمّ انّی اسئلک فی هذا الیوم من الشّهر الحرام ان تلاحظنی بنظره عزّتک و تنادینی بنداء عظمتک حتّی ادخل بحر محبتک و اعمل بین یدیک بنداء سرّک جهرا کما تحب و ترضی و امددنی یا الهی فی هذه الساعة بالانقطاع

\*\*\*ص150\*\*\*

الیک حتّی یمحوا کل‌شی عنی و تستقرّ نفسی تلقاء وحدانیتک من غیر اشارة الی غیرک انّک قدیر عظیم و اسئلک اللّهمّ یا الهی ان تصلی بما انت اهله و تسلم بما انت تستحق به علی محمد و آله و اهل طاعتهم انک حمید مجید و اسئلک اللهم یا الهی ان تکتب لابویّ و لمن اتبع آیاتک بالعدل کل الخیر ما احاط علمک و العصمة من کلّ سوءٍ ما یحصی کتابک انّک انت الله لا

\*\*\*ص151\*\*\*

اله لا اله الاّ انت لایتعاظمک شیئ و انت علی کلّ­شیئ محیط و عن العالمین غنیّ حمید فسبحانک یا الهی لاحول و لا قوّة الا بک استغفرک و اتوجه بک بما نزل فی القرآن لاهل محبّتک بان آخر دعویهم کلمة الحقّ من عندک ان الحمد لله ربّ العالمین

**دعاء فی قنوت صلاه العید**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

یا الهی انّ لک الجلال و البهاء

\*\*\*ص152\*\*\*

و منک قد نزل کلمة العظمة و السناء لا اله الاّ انت اشهدک بما تشهد لنفسک قبل کل‌شی لا اله الاّ انت و اشهد لمحمّد کما قد شئت لنفسه و خلقت الخلق لحکمه لا اله الاّ انت و اشهد لاوصیاء محمد حبیبک کلمه العدل من نفسک لا اله الا انت و اشهد لکلّ حق قد آمن بهم و بسرّهم ما قد احاط علمک کلمة العفو من نفسک لا اله الاّ

\*\*\*ص153\*\*\*

انت وحدک لا شریک لک اللّهمّ انّ یومک و المقام مقامک و انّی اقلّ ذرّة من عبیدک سائل ببابک و لائذ بجنابک فاکتب لی بجودک کل الخیر ما تحبّ لنفسک و اغفرلی و لابویّ و لاهل محبتک ما انت اهله ومستحقه انّک اذا اردت بشیئ فقبل ان تقول له کن لدیک لموجود فسبحانک اللّهمّ و بحمدک اعترفت بحقّک ان لا اله الاّ انت و لا اذکر لدیک الاّ بما

\*\*\*ص154\*\*\*

تصف لی نفسک و انّک علی کل‌شی شهید و بما تشاء کما تشاء قدیر و الحمد لله رب العالمین.

**دعای اول تا دهم ذی الحجه**

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله انّه لا اله الاّ هو لن یحیط بعلمه الاّ هی سبحانه و تعالی عمّا یصفون اللّهمّ انّ الشهر شهرک و الایام ایامک اسئلک بمن قد اظهرت حکمه فی هذا الشهر و جعلت فضله

\*\*\*ص155\*\*\*

لذکر شانه ان تسلّم علی علی امیرالمؤمنین ولیّک القائم بامرک و المنتجب لسرّک الّذی قد اقمته مقام حبیبک فی کلّ شان و خلقت الخلق لیومه فی هذا الشّهر المکرّم کما انت اهله انک انت الله لا اله الاّ انت من دون عدّة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون ذکر مجده و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون هندسة بدیعة و انّک انت

\*\*\*ص156\*\*\*

الله لا اله الاّ انت من دون اسم قدیمة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون نعت متشابه و انّک انت الله لا اله الا انت من دون وصف مخترعة و انّک انت الله لا اله الا انت من دون آیة مبتدعة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون مثال محدثه و انک انت الله لا اله الا انت من دون شبه فی الذّکر یحبّه و انک انت الله لا اله انت

\*\*\*ص157\*\*\*

من دون امر یحدّه و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون شأن یقدّره سواک لا اله الاّ انت اسئلک ان تصلّی علی محمّد رسولک خاتم النبیین بافضل ما قد احاط علمک و یحصی کتابک و علی ائمة العدل بمثل ما قدرت له انک ولیّ حمید اشهد لدیک بانّ اسمائهم قد اشتقت من اسماء نفسک و انّهم علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمّد و جعفر

\*\*\*ص158\*\*\*

و موسی و علی و محمّد و علی و الحسن و الخلف المنتظر صلواة الله علیهم محالّ محبتک و ارکان توحیدک و آیات عظمتک و علامات عزّتک الّذین بهم کلّ الخلق فی کلّ شان لیعدلون و اسئلک اللهم بجودک ان تنزّل علی شیعتهم ما کتبت من جودک لنفسک انّک انت الله لا اله الاّ انت العزیز القدیم. انتهی

جهت استفاده قارئین گرامی متن کامل صحیفه بین الحرمین با توجه به نسخ دیگر ضمیمه این مجموعه گردید

**صحيفه بين الحرمين**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

إنّ هذا كتاب قد نزّل علي الأرض المقدّسة بين الحرمين من لدن عليّ حمید ثمّ قد فصّلت عن يد الذّكر هذا صراط الله في السّموات و الأرض علي دعاء السّائل الحاج سيّد عليّ الكرماني في سبع آيات محكمات بإذن الله علي قسطاس مبين ليعلم المؤمنون كلمة العليا في سبع من المثاني و القرآن العظيم بإذن ربّك علي ورقات تلك الصّحيفة في هذا المشهد الكريم حتّي قد شهد النّاظرون ألي تلك الآيات النّازلة من شجرة السّيناء حجّة الله البالغة علي أهل النّشأتين ليدخل الكلّ في باب الطّتنجين علي بينّة محكمة من عند الله لعلي الحقّ المبين ليهلك الهالكون بحكم ربّك من هذا الماء الطّاهر في هذين النهرین و لينجي النّاجون من كلمة الكتاب علي شرب هذا الماء الكافور من هذين النّهرين هذا عذب فرات سائغ للشّاربين و هذا ملح أجاج نقمة الله علي المشركين ليوقن كلّ الخلق في حكم هذه الصّحيفة المسطّرة بين الحرمين كلمة اليقين من عند الله علي ألواح مبين ألا يا اهل المقامين أن اشهدوا بين يديّ الله في حكم تلك الكلمة العظيمة فأيّ الحزبين أحقّ بالأمن إن كنتم في دين الله صادقين ألا يا أهل السّموات و الأرض أن اسمعوا حكم بقيّة الله و اسئلوا من سبل الحقّ من ذكر إسم ربّكم هذا الفتي العربيّ ما شئتم من حكم الحرمين و الكلمة العمائين و الخطّ القائم بين العالمين فإنّ الرّوح يؤيِّده في كلّ حين بإذن الله و الله قويّ عزيز أن اعلموا يا أيّها الملأ حكم الله من لدي فإنّ ابن رسول الله هذا اعلم بعلم التّوحيد و كلّ الصّفات من سبل الحدّ و السّبحات أن اتّقوا الله فيما تشاؤن فإنّ الله يعلم غيب السموات و الأرض و ما كان النّاس من ذكرالله ليسئلون أن اتّقوا الله يا أولي الأباب إن كنتم إيّاه تعبدون و ما من غائبة في السّموات و الأرض إلّا و قد أحصيناه في كتاب حفيظ قل كفي بالله و من عنده علم الكتاب علي ذكر إسم الله شهيدا لايعلم تأويل ما نزّل إليك في ذلك الكتاب إلّا الله و من شاء الله إنّه لا إله إلّا هو و هو علي كلّ­شيء قدير يا أيّها الملأ أن اتّقوا الله و لاتجادلو في آيات الكتاب بغير علم من لدنّا و لا كتاب حفيظ قل ءأنّ الله أذن لكم أن تفتروا عليّ بغير حكم من القرآن فاسئلوا من أهل الذّكر تأويل الآيات إن كنتم لاتعلمون إنّ الّذين يفترون علي ذكر إسم الله فأولئك هم الظّالمون قل و ما أجبت دعائك إلّا من كلمة الفضل علي سبيل ربّك في الحكمة أن اتّق الله يعلمك ما لاتحيط به علما ثمّ افعل الخير علي هذا الصّراط القيّم لكنت في حكم الكتاب مسطورا إنّ الّذين يجادلون في آياتنا بغير علم القرآن فأولئك هم الكاذبون و إنّ الّذين يفترون علي كلمة الله كذبا فقد حقّت عليهم كلمة العذاب و إنّ مأويهم النّار و ما لهم في یوم القيمة من وليّ و لانصير و ما ننزّل عليهم من لديك آية إلّا و هي في حكم الكتاب أكبر من أختها كذلك قد فصّل الله آياته لعلّ النّاس بلقاء الله ليؤمنون و ما وجدنا أكثر النّاس مؤمنين بالله إلّا و هم بآيات الله ليسخرون فسوف يهدي الله الّذين آمنوا بآياتنا و يثبتهم علي صراط مستقيم ذلك من أنباء الغيب نوحيك لعلّ النّاس بآيات الله ليؤمنون.

**الباب الاول فی الآیه الاولی**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

ألحمد لله الّذي قد توحّد بالعزّة و تفرّد بالعظمة و تقدّس بالكبرياء و تعظّم بالثّناء لا إله إلّا هو العزيز المتعال اللّهمّ أشهدك في مقامي هذا علي تلك الأرض المقدّسة بين حرمك بيت الحرام و حرم حبيبك محمّد رسول الله صلواتك عليه و آله كما تحبّ لنفسك إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك و انک أنت العليّ الكبير و أشهد لأهل محبّتك كما تحبّ عند مطلع ذكرهم لدي تلقاء وجهك و أنت علي کل‌شی شهيد و أشهد في هذه اللّيلة أوّل ليلة من الشّهر الحرام شهر الله الّذي قد قتل فيه التّسبيح و التّحميد و أحرف التّهليل و التّكبير بقتل حجّتك ابن حجّتك أبي عبدالله الحسين و أوّل ساعة من السنّة الجديدة سنة إحدي و ستّين بعد المأتين و الألف من الهجرة المقدّسة بما قد أحاط علمك لأهل الابداع و ما تحبّ منهم إنّك أنت العزيز الحكيم.

اللّهمّ إنّك تعلم ما نزّلت بإذنك علي أهل محبّتك آيات الكتاب و ما يؤمن بها إلّا الّذين قد وفوا بعهدك و خافوا من عدلك و كذب المشركون من حيث لايعلمون و إنّ هؤلاء قد زعموا بأنّ بعد الرّد قد بقي لهم حكم من الكتاب فتعالي الله عمّا يصفون.

فسبحانك اللّهمّ يا إلهي إنّك تعلم مقامهم من الّذين يستحقّون من حكمك فاحكم بيني و بينهم بالقسط فإنّك أنت الله لا إله إلّا أنت عادل في الحكم و غني في الذّات ليس كمثلك شيء و إنّك أنت الكبير المتعال فيا إلهي انک تعلم مقامي في هذه اللّيلة الّتي قد تقمّص كلّ الموجودات قميص الحزن لمطلع القمر في هذا الشّهر الحرام علي ذکر قتل ابن وليّك و لقد سئل عبد من عبادك من آيات من لدن نفس و من آيات من عند نفسه بعد ما قد رأي آيات كتابك و كذّب(بالاتباع) باتّباع الهوي ما لايحيط به علمه و إنّك علي کل‌شی عليم فأجبني يا إلهي و ألهمني ذكرك فإنّك أنت الغفور الودود فأجبت أمرك يا إلهي بما قد علّمتني في كلمة البدع ليعلم المؤمنون في حكم آيات إجابتك كلمة فرقان: «و الله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ» وليشهد الموحّدون في آيات عبدك كلمة الكتاب: «و کل‌شی أحصيناه في إمام مبين»حتّي قد دخل المؤمنون في باب بيتك الحرام بحكم ما قد نزّلت في القرآن من قبل أن: «ادخلو الباب سجّدا و قولوا حطّة نغفر لكم خطاياكم و سنزيد المحسنين»فسبحان الّذي قد بيّن آيات ذكره في حقايق کل‌شی لئلّا تبعد نفسي عند مطلع ذكره بشيء و الله قويّ عزيز و لقد قالوا أهل الفرقان عند نزول كتابه بما قال المشركون من قبل و ما أجد لسنّة الله في بعض من الشّيء تحويلا و لن يجد النّاس في بعض من القول تبديلا.

اللّهم إنّي أشهدك بما قلت في المسجد الحرام عند الكعبة بيتک الحرام علي السّائل تلك الآيات الاولی بما قد نزّلت علي حبيبك محمّد في القرآن من قبل و إن حاجّوك: «فقل تعالوا ندع أبنائنا و أبنائكم و نسائنا و نسائكم و أنفسنا و أنفسكم ثمّ نبتهل فنجعل لعنة الله علي الكاذبين» فبحقّك الّذي لا إله إلّا أنت لم يقبل من عبدك و كفي بالله علی شهيدا.

فيا أيّها السّائل المحيط ألم أقل لك في المسجد الحرام تلقاء الكعبة من شطر {الركن} الغربيّ علي محلّك مقدم المنبر في ليلة النّصف من الشّهر الحرام شهر الحجّ بعد ما قد مضت من أوّل اللّيل {ثلاث} ساعات اقبل دعائي و قم تباهل معي لدي الركن عند حجر الأسود علي شأن الّذي كنت من(عن) قبل أهل الأرض أجمعهم منكرا لعهدی حتّي يحكم الله بيننا بالحقّ و الله علي ما أقول خبير ثمّ ألم أقل لك مرّة أخري تلك الكلمة في المسجد الحرام بين المنبر و المقام تلقاء وجه الكعبة و الله علي ما أقول وكيل ثمّ ألم أقل لك في بيت مكّة مقعد الصّدق تلك الكلمة ثلث کرات و إنّك لم تشعر بأمر الله و الله علي ما أقول شهيد و كفي بنفسك اليوم علي ما نزّلنا عليك في ذلك الكتاب شهيدا فما لك حجّ من دون حكم البيت و ما المشعر و ما المني و ما العرفات و ما الضّحي و ما الطّواف و ما السّعي بين الصّفا و المروه و ما الحلّ في الحرام و ما الحكم في الثّوبين بیض من حكم الكتاب إلّا بإذن الله و الله عزيز حكيم تلك الآيات أمثال في كتاب ربّك لتعلم حكم الله بالحقّ و لتكوننّ من الفائزين فبالأيّام الّذي كنت في البيت معك ما أردت إلّا حكم ربّك و لن تجد في أيّامك من دون ذكر إسم ربّك حبيبا لنفسك أقبل إليّ بمثل {ما} قد جاء السّابقون بالحقّ و لاتخف فإنّ الله لايبطل أجر المحسنين أبدا و اتل علي نفسك من مسئلة الأولي «من كتاب ربّك لا مبدّل» لحكمه «و لن تجد من دونه ملتحدا»« و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين و لايزيد الظّالمين إلّا خسارا» أن استمع بما ذا ألقي إليك من عند ربّك الله العزيز الحكيم و إنّه لا إله إلّا هو قد فصّل أحكام كلمة في كتاب من قبل بلسان عربيّ مبين ليعلم النّاس أنّ الله قد نزل آيات حجّته بلسان عبده في كلّ حين بدعا علي الشأن في حكمه و إنّ النّاس لايقدرون بآية من مثلها و لو كان الكلّ علي الأمر ظهيرا.

فيا أيّها السّائل الجليل فانظر بعين اليقين و دع عن نفسک سبل التدقیق فان الاشارات یحجبک عن الوصول الی علم الیقین و إنّ كلمة ربك ما يدعو النّاس إلي حكم نفسه بل قد دعي الكلّ إلي ما دعي النّبيّون و المرسلون من قبله: «ألّا تعبدوا إلّا الله» وحده خالصا علي الدّين القيّم هذا إن كنتم إيّاه تعبدون أفزعمت أنّك لو تعرض من حكم ربّك يبقي لك عمل من الحقيقة فسبحان الله ربّك إنّ كلمة التّوحيد ما تمّت إلّا بهذا الأمر لأنّ الله ربّك ما خلقک إلّا لهذا لو تعلم علم اليقين لتري الشّرك في آيه حقيقتك كالحقّ اليقين ثمّ لترونها في الأرض الحدّ كالعين اليقين فاشهد بحكم الله فيما ألقي إليك في ذلك الكتاب فإنّ عبد الله ما يدعو النّاس إلي سبيل ربّك إلّا بالحكمة و إنّ حجّة الله في يدي حرف من تلك الآيات يكفي أهل السّموات و الأرض و ما علّمني الله إلّا ما شاء و ما يظهر من عند ذکره شيء يمكّن فيه كلمة الشّيطان و إذا شاء الله يبيّن من لدي ذكره ما قدّره له في الكتاب أفتعلم حجّة في عالم الامكان أكبر ممّا نزّل الرّوح علي قلبی من إذن بقيّة الله بعد ما قد نزّل في الكتاب كلمة العجز عن الاتيان بآية من مثلها علي أهل السّموات و الأرض فما لهؤلاء القوم لايشعرون بآيات الله إلّا قليلا أفغير الأبواب قد بيّنوا آيات سبيلهم إلي الله إلّا بالعلم من حكم القرآن أن اتّقوا الله يا أولي الألباب لعلّكم تفلحون.

فيا أيّها الحبيب سل ما شئت من سبل الثّواب فإنّ للذّكر علي النّاس كلمة السّؤال من حكمه و ما عليّ الفرض كلمة الجواب لحكم آل الله سلام الله عليهم في الكتاب و كفي بالله عليّ في كلّ شأن شهيدا و إنّ الله لو شاء ليظهر من عند عبده كما شاء بما شاء و ما شئت في شيء ألّا بما قد شاء الله ربّك من قبل إنّه لا إله إلّا هو علي کل‌شی قدير و إنّ كلمة المشركين بأنّ الآيات ما كانت حجّة علي الكلّ فقد افتروا علي الله و كذّبوا حكم الله في كتابه لأنّ الله قد نزّل في الكتاب كلمة العدل علي الكلّ ولكنّ النّاس لايعلمون فهل تري في آيات الله من تفاوت فارجع البصر هل تري من فطور ثمّ ارجع البصر هل تري من حكم مستور ثمّ ارجع البصر كرّات من إذن مستمرّ ففي كلّ رجع ينقلب البصر إليك خاسئا و الله عليم خبير و إنّ الله قد نزّل الآيات لقوم يعقلون و ما يتذكّر بآياتنا من حكم ربّك إلّا {أولوا}الألباب و إنّ أكثر النّاس أضلّ من أنعام علي حكم القرآن ولكنّ أكثر النّاس لايشعرون فما لهؤلاء القوم لايؤمنون بآيات الله قليلا و إنّ هؤلاء النّاس في حكم القرآن أنعام بل هم لدی أضلّ سبيلا و إنّ قولك في الأمثال بأنّ بعضا من النّاس ليقدر أن يأتوا بأحرف من مثل الآيات فسبحان الله عمّا يشركون قل فأتوا بعشر سور مفتريات من آيات محكمات إن كنتم في دين الله صادقين و إن لم تفعلوا و لن تفعلوا فآمنوا بالله و آياته و إن تكفروا بآيات الله فإنّ الله لغنيّ عن العالمين جميعا. و إنّ الّذين يدعون من دون الله أهوائهم المؤتفكة لن يقرءوا من كتاب ربّك حرفا و كذّبوا في آيات ربّك بما لایحيطوا به علما فسوف ينسخ الله ما يلقي الشّيطان في أنفسهم و يثبّت آياته في قلوب الخاشعين و يديهم إلي صراط مستقيم و إنّ كلمة سرّك بأنّ الآيات لاتثبّت قلبي علي الصّراط أن استغفر الله ربّك و اتل علي نفسك كلمة القرآن و «جعلنا بينك و بین الذين لايؤمنون بالآخرة حجابا مستورا»و إنّ الله ربّك لو شاء لهدي النّاس جميعا ولكنّ الله لايعذّب قوما إلّا بعد أن يبعث فيهم نفسا من أنفسهم ليزكّيهم بآيات الله و ليعلّمهم الكتاب و الحكمة و إن كانوا من قبل لفي شرك مريب و ما كان عند ذكر إسم ربک حجه الا و هی قد کانت من لدنا اکبر من اختها کذلک قد بین الله آياته لعلّ النّاس بلقاء الله ليؤمنون أن اتّق الله فإن «زلزلة السّاعة شيء عظيم»ما يؤمن عبد بذكر إسم ربّك إلّا و قد وضع كلّ حمل قد اكتسب في غير وجهه و كان الله ربّك علي ما أقول شهيدا و إنّ الله قد فصّل الآيات في ذلك الكتاب ولكّن النّاس لايؤمنون بآيات الله إلّا من السّابقين قليلا هذا بلاغ من ذكر الله فمن شاء اتّخذ إلي الله سبيلا إن اتّبعت حكم الله فلنفسك و إن أعرضت فعليها و ما كان الله ربّك بظلّام للعبيد و إنّ كلمة القائل ما استقرّ النّفس بالآيات أتل عليه كتاب ربّك علي حكم الّذي قرئت عليك في المسجد الحرام من قبل أن احضر في حرم الحسين و ادع الله ربّك خالق کل‌شی الّذي لا إله ألّا هو لينزل العذاب علي الذّين يفترون علي الله بالكذب و يجادلون في آياته بغير علم و لا كتاب حفيظ و إن لم تفعل ما نتلو عليك في تلك الورقة أن اتّق الله من نار الله «الموقدة الّتي تطّلع بحکم ربک علي الأفئدة» فإذا جاء أجل الله لن تستطيع بحكمه و إنّ وعد الله قد كان في أمّ الكتاب مقضيّا و لقد نزل في القرآن حكم عباد الله الّذين لايسلّمون الحكم من عند أوليائه بعد الحجّة الواضحة «لكم دينكم و لي دين»ما كنت مفتريا علي الحقّ و ما كنت بدعا من الأبواب و ما كنت عن العالمين بعيدا فو ربّ البيت لن تجد المفرّ و إنّ إليّ المستقرّ علي سرّ مستترّ من علم الله في الحكم القدر أوصيك من إذن الله أن لاتقم علي الصّراط خمسين ألف سنة مستتر فإنّك قد تراه بعيدا و إنّي قد أراه قريبا أن اتّق الله و ارحم نفسك و ادخل بإذن الله في مدينة ربّك و قل حطّة علي سبيل ما علّم عليّ عبده كميل بن زياد النّخعي علي صراط قويم أن اكشف من هذا الباب سبحات الدّلائل من غير إشارة قد نزل من الفؤاد قريبا و إن أردت الاشارة فقد حرّم عليك لقائه و كنت عند الله في أرض الحدّ مكتوبا هذا ما نزّل إليك من كتاب ربّك ممّا قد سئلته من عبده فخذ ما نزّلنا باذنه إليك و كن من السّاجدين.

**الباب الثاني في الآية الثانية**

و أمّا حكم ما قد قرء السّائل من لسانك من سبيل التّثليت و التّربيع و ما يخرج بإذن ربّك من حكم الطّلسمات علي صراط قويم أن اعلم باليقين ثمّ اعرف كعلم اليقين ثمّ اشهد كعين اليقين حكم ربّك في كتاب مبين إن كانت نظرتک في وجه المشيّة منفيّ عنك الحدّين في علم الطّلسمين و ما دلّت هي إلّا بالابداع و ما تحاكت في سبل سرّها إلي الله إلّا بالاختراع و قد قطع البالغين في ذروة الانقطاع بالاشارة إليها و يهلك الله العارفين في عزّ الامتناع بالتّوجّه إلي دونها و إنّ ذلك حكم الله للمؤمنين الّذين قد جعلهم الله أهل جنّة الفردوس بالعدل علي قسطاس مبين و ما يعرف ما أشرف بالتّصريح في كلمة التّبليغ إلّا عباد الله الّذين قد كتب الله لهم اللّقاء في كلّ شأن من الخلق ألم تر في وقتك هذا و ما هو عبدالله يفصّل عليك آياته لعلّ النّاس بلقاء الله ليؤمنون و إن كانت نظرتک في وجه جنّة السّادس فاقطع بحكم ربّك من بين الطّلسمين شكل التّثليث و هيكل التّربيع ولاتك كصاحب الحوت في بحر عميق و اعلم بأنّ الله قد حرّم للسّالكين في جوّ هذا الهواء ذكرا من دون ذكر النّار في شأن من شئوناتهم و أنّه لا إله إلّا هو العزيز الحكيم أن املأ بيوت الطّلسمات من أسماء ربّك ما شئت و لاتشهد فيها إلّا ما وحده يضيء الحروف باذن ربّك من كلّ الجهات و يقرن بين المتضادّات فی كلمة الدّلالات و يفرق بين المتجانسات في حرف العلامات و يظهر من فوائد الحروف في عالم السّبحات ما لايحيط به علم من أهل الكتاب ذلك حكم الله للمؤمنين الذّين قد جعلهم الله في عرش الارادة فاستشعر أمر الله إن كنت من الصّادقين و إن کنت من أهل طمطام الموّاج في بحبوحة عزّ الابتهاج أن اعرف حكم التّثليث من نفسك و لاتنظر بما قد أخذت النّصاري من هذا الشّكل هيكل الصّليب و حلّ اللّاهوت في النّاسوت فسبحان الله و تعالي ربّك عمّا يصف المشبّهون علّوا كبيرا إقرء كتاب ربّك هذا لا عدل إلّا في حكمه و الله سميع عليم أن اعرف باليقين أنّ الله سبحانه قد خلق تلك اللّجّة و ما فيها من نار ظاهرها ماء و باطنها هواء و من ماء ظاهرها نار و باطنها نار، نار في نار علي نار و من هواء لايمسّه حرّ النّار و لارشحا من الماء كذلك يضرب الله الأمثال في الكتاب لعلّ النّاس بآيات الله ليوقنون و لذا قد خرجت الكثرات في عالم النّهايات و ما ورائها إلي ما لانهايات بإذن ربّك من تلك اللّجّة و إنّ فيها موارد لايقطع منزل السّالك إلّا بالورود عليها و لقد خلق الله تلك الموارد أدقّ شعرا عن الشّعر و أشدّ حرّا عن النّار و لايستطيع أحد بالمشي عليه إلّا بما ذا ألقي إليك بإذن الله فخذ ما آتيتك و كن من الشّاكرين ثمّ اطرح سبل الأعداد في بيوت الطّلسمات ناظرا بوجه ربّك علي نور الفؤاد في كلّ حرف منها غير مشعر بذكر الكثرة فإذا نظرت إليها صعب الصّعود و ربّما انفكّ الحبل إلي قعر النّار هنالك ما لك من محيص و إن أنجاك الله ربّك بفضله فقد عقد الحبل في تحت قدميك و إنّ تلك العقد علي ذلك الحبل الرّقيق يبعدك في الصّعود ما لايحيط به علم الحدود فاتّكل علي الله في علم الطّلسمات بأن لاتحجبك الشّئون عن الدّلالات و إنّك لو خرجت من حكم تلك اللّجّة ما أريد عليك بتلك الآيات و أنذرك بما قد قال الامام روحي فداه في جواب السّائل: "بيّنّاك أنت أنت و ما كنت أنت أنت إنّه هو هو"ذلك حكم الله لأهل تلك اللّجّة و من يتعدّ حدود الله لن يجد في القيمة ربّه عهدا و إن كنت من المؤمنين الذّين قد جعلهم الله في حكم جنّة الرّابع كلمة القضاء ان انظر بالبداء المطوف فی حول کلمه القضاء و املأ قوايم الطّلسمات علي ترتيب هبوط الآيات علي تلك الألواح البيضاء و اعلم بأنّ الله سبحانه ما خلق حول تلك الجنّة حظيرة للنّاس و هي قطب الصّفات في عالم الأسماء فإذا قضي الله أمرا ليمضي حكمه و لا مردّ لأمره ذلك تقدير محتوم من لدن عليّ حكيم و إن كنت من أهل جنّة الاذن و ما خلق من ورائها فخذ حظّك ممّا ينزل الآن عليك في تلك الورقة من نصيب الكتاب و احمد الله مولاك القديم و كن من الشّاكرين و إنّ كلمة ربّك ما ينزل في الكتاب حرفا إلّا بإذنه و الله سميع عليم و إنّ الّذين يؤمنون بآيات الله يعرفون بعضا من القول ممّا نزّلنا إليك في ذلك الكتاب و الله ذو فضل عظيم و ان الذین لایومنون بالاخره لم یعرفوا مما نزلنا الیک الان حکم حرف بدیع و إنّ ذلك بما قدّمت أيديهم في سبيل ربّك و ما كان الله ليظلم علي نفس من بعض خردل و كفي بالله للنّاظرين حسيبا أن اعرف حكم ربّك فيما ذا يلقي إليك من كتاب كريم و اعلم بأنّ النّقطة لمّا قد سيّرت في العلوم تحيي سبل الحقّ في طرق المعلوم و أنا ذا أذكر رشحا من حكمها ليعلم الكلّ حكم الله في كلّ حرف بديع و هو أنّ الله سبحانه قد خلق كلّ الأشياء علي هيكل مراتب فعله كما قد صرّح ألسنة آل الله سلام الله عليهم بها في كل كلماتهم بأن: "لايكون شيء في الأرض و لا في السّماء إلّا بسبعة بمشيّة و إرادة و قدر و قضاء و إذن و أجل و كتاب"و لاشكّ بأنّ المفعول لايوجد إلّا علي هيكل الفعل و مراتبه و إنّ سبل الحقايق و الصّفات في كلّ عالم ليحكي من تلك السّبعة و إنّ كلمة التّثليث قد كانت في حكم الكتاب من سرّ الكاف في كلّ الأمور لو قدر نفس علي شكل التّثليث بما قد حكت كلّ الجهات من إسمه فقد فاز بالطّلسم الأكبر و يري من فيض ربّه ما قد شاء مولاه لعبده إنّه علي کل‌شی قدير و إنّ طلسم التّربيع قد حكت عن كلمة التّحميد و فيها قد وضع الله من الفضل ما قد شاء لمحمّد رسول الله صلّي الله عليه وآله لأنّها في الحقيقة علي تلک المقام ذكر من حبيبه و لاتدلّ كلمة التّثليث إلّا عن وليّه و لا شكل التّربيع ألّا عن حبيبه و إنّ الاقترانات في كلّ المراتب قد فصّلت بظهور إقترانهما و يحكم الله لكلّ مسئلة في سرّ الواقع علي شكل قبولها و في هيكل الظّاهر بما قد جري من ألسنة أوليائه فيما يشهدون في سلسلة الحدود بما يري رجال الأفئدة من نور ربّهم و بما يعلم بعض من الأتقياء من حكم الله في عالم التّقارب و التّباعد و ما كان لأمر الله في بعض من الحرف تحویلا و إنّ تلك الآيات بيّنات من عند ذكر إسم ربّك أن لاتظنّ في آيات ربّك بعضا من الاثم و لتكونّن من الموقنين و ما اليوم ظلم عدل ذرّة و ما كان الحكم في كلّ شأن إلّا لله العليّ لمكتوب و كفي بنفسك اليوم فيما نزّلنا عليك شهيدا.

**الباب الثالث في الآية الثالثة**

أن اتّبع حكم ما نزّل إليك ذا فيما سئلت من كلمة ربّك و اعبد الله ربّك علي هذا الصّراط لتكوننّ من المفلحين و أمّا {دعاؤك} من طرق النّجوم و ما قد جعل الله مثل ذلك في سبل المعلوم أن اعرف أمر الله بلسان عربيّ فصيح و هو أنّ الله سبحانه قد تجلّي لکل‌شی بعزّ سلطنته فإذا أراد الله أن يظهره ليخشع كلّ لدي جنابه لأنّه نور لايحكي إلّا عن مولاك القديم فقد ظهر في هذا النّجم ليستشعر الموحّدون سرّ التّقديم(القدیم) و لیدخلن الباب بیت القدیم و لینزهن مولاهم الحق من کلمه التعلیم و ليشهدنّ حكم ما قد فعلوا آل الله و شيعتهم و ما نزّل في آيات القرآن من لدن عزيز حكيم و ما نزّل في الكتاب كلمة الرّحمن: «و فديناه بذبح عظيم» و في ذكر ربّك {عصا} السّحرة من موسي: «أقبل و لاتخف فإنّك من الآمنين» و ما قد فعلوا آل الله سلام الله عليهم بالحقّ مثل حكم الرّضا لصورة الأسد و ذكر الصّادق لأنصار الحسين: "بأبي أنتم و أمّي" ذلك حكم الله في صراط قويم و أمّا فعل شيعتهم مثل ما فعل الخضر لموسي عليه السّلام و ما أخبرت النّملة سليمان كلّ ذلك يحيي عند ربّك بهذا الماء و إنّ ذلك تقدير محتوم من لدن عزيز حميد ذلك سرّ واقعيّ لما سئل من أخذ الفيض في سبل النّجوم لما قد شهد بالعيان أهل الأفئدة من(عن) سرّ البيان و لايحيط بعلم ربّك إلّا ما شاء إنّه لا إله إلّا هو قد كان علي ما يشاء قديرا و إن تريد الجواب من سبل الحدود لأهل السّبحات ما أحبّ الاشارة إليها ولكنّ الله ربّك لمّا قد أراد أن ينزل ماء الطّهور علي تلك الأرواح المستنيرة نشير بإذن الله إلي بعض الشّئون ممّا قد أبدع الرّحمن بديعا (من عین )ماء الكافور و هو أنّ النّجم الزّحل قد أجاب أمر ربّه قبل الشّمس و بعد لاشكّ أنّ الشّمس أشرف منه في القرب بالبدء فأيقن بحكم ربّك أنّ نجم الزّحل نجم الّذي قد رضي بشهادة الحسين قبل فلك جدّة محمّد {صلّي الله عليه وآله} و لذا قد اختاره الله لنفسه و جعل الشّمس و القمر و النّجوم له ساجدا و هذا مقام لم يصل الفيض من عند الله إلي شيء إلّا من عنده و لقد صدق بهذه الكلمة من اعتقد أنّه كلمة التّوحيد و لايحيط بعلمه العباد الّذين قد احتجبوا بغيره و كفي بالاشارة لمن عرف مواقع الأمر و قد شهد بذكر البلاغ(البدع) دليلا.

**الباب الرابع في الآية الرابعة**

و لقد كتبت نسخة في بلد مكّة و أرسلت إليك أن اكتب ما نلقي إليك فيها في ذلك الباب لتكوننّ من الفائزين.

**الباب الخامس في الآية الخامسة**

و أمّا ما قد سئلت من لدن نفسك عن سبل السّلوك و الدّعوات المدعوة في أيّام الصّعود إلي ربّك علي صراط الموحّدين أن اتّبع حكم ما ألقي إليك من ربّك لتكوننّ من المفلحين إن كنت قد شئت أن تسلك إلي الله علي صراط أهل لجّة الأحديّة و تدخل جنّة الأبديّة فامض من حيث ألقي ذا إليك بإذن الله فإنّ هذا صراط عليّ في أمّ الكتاب لمستقيم فاشهد بعين الفؤاد و خذ حظّك من هذا القلم المداد و اعمل لله بسرّ الايجاد كأنّك لم تر من دون الله علي هيكل الانوجاد و لاتشیر إلي الله في مقام و كن لله بما قد وصف لنفسه في عزّ أزليّته كان الله و لم يكن معه شيء الآن كما كان لا إله إلّا هو سبحانه و تعالي عمّا يصفون.

و قف في تلك اللّجّة و اشهد للحقّ بالحقيقة الأحديّة و اعبد الله حول جماله وراء مطلع خطّ البيضاء من صبح الأزل علي ظهوره لك بك و طف حول نداء ربّك علي عرش ظهوره لك في مطلع البهاء غير محتجب عن الأسماء و الصّفات فإذا دخلت هذا البساط قد حلّل الله لك وصف الايجاد بعد ما قد حرّم عليك كلّ الأسماء و الصّفات فإذا سلكت هذا المسلك المطّهر عن الأشباه و الأمثال قد ظهر عليك نور الجلال و إن عملت نفسك عملا في تلك اللّجّة يحكم الله عليها بحكم الأحديّة ليس كمثلها شيء لأنّها قد حکت من ربّه و لايعرفه أحد في الايجاد دون ربّك الّذي لا إله إلّا هو العزيز الرّحيم و لذا قد شهد الله لأهل البيان بما لايشهد لأحد سواهم إذ ما سوي أهل تلك اللّجّة لا ذكر لهم عند ربّك في مطلع الظّهور و إنّ تلك الأمثال نضربها للنّاس لعلّهم بآيات الله يتذكرّون و إلّا إنّ كلمة أهل تلك اللّجّة لأعظم عن الوصف و البيان و أجلي عن الاشارة و التّبيان إن قلت هم كلمة التّوحيد فقد أشركت في وصفهم كلمة نفسك و إن قلت لاأعلم منهم شيئا فقد احتجبت نفسك من علوّ ظهورهم و إن قلت سبحان الله بارئهم عمّا يصفون فقد أدركت في مقامك إن كنت من أهل تلك اللّجّة ما كتب الله لك في الايجاد و إلّا استغفر الله ربّك عن الاشارة إلي أهل البيان و إنّ من ذلك الخطّ البيضاء قد شهد بالعيان أهل البيان إنّ عمل جسم أهل تلك اللّجّة لم يعدل علي عمل أهل جنة السّبعة و حظایرهم لأنّ لهم علي حكم الكتاب ظلّ في السّجّين و إنّ الله قد أرفع من هؤلاء العباد ظلّ الأشباه و ضرب الأمثال و لايحيط بشأنهم أحد إلّا الله و من زعم أنّ للخلق سبيل في معرفتهم فقد ضادّ الله في حكمه و نازعه في سلطانه و باء بغضب من الله و مأويه جهنّم و سائت مصيرا. فإذا وقف نفس علي تلك المقام فينبغي له أن يقول في خطّ الزّوال.

**دعائه في أوّل الزّوال**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

"اللّهم أنت المعبود لا إله إلّا أنت وحدك لاشريك لك قصدتك بذكر نفسي لولا أنت لم أدر ما أنت أنت الله جمال نفسك لم تزل و لايدّعي أحد معرفتك إذ ذاتيّتك مقطّعة الكلّ عن الطریق و كينونيّتك مدلّلة بالسّدّ الطّريق و انّك يا إلهي لاتكلّف نفسا إلّا ما آتيتها و إني عبدك أقلّ من ذرّ علي إحصاء علمك أشهدك بما تشهد لنفسك في عزّ أزليّتك قبل أن يكون شيئا مذكورا و إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك و أنّ ما سواك مقطوع عن محبّتك بصحّة الابداع و ممنوع عن معرفتك عن وجود الاختراع فكيف يمكن من له حدّ الحدوث معرفتك فسبحانك يا إلهي ما من نفس قد أرادك بالكينونيّة إلّا و قد احتجبت بذكر إنشائك عن نفسه و أعرض عنه كلّ الممكنات بحكم عدلك فتعاليت يا إلهي عمّا يصف المشبهون من أهل إبداعك و قد ادعّي الظّالمون في آياتك علوّا كبيرا و ها أنا ذا يا مولاي أعترف لديك في مقامي هذا ممّا تحبّ لنفسك من أهل لجّة المحبّة الّذين قد جعلتهم محالّ معرفتك و آيات ربوبيّتك حيث ما دلّوا في شأن إلّا بالعبوديّة لنفسك و السّدّ الطّريق عن محبّتك كما أنت أهله و مستحقّه إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت عزّ الموحّدين و عصمة اللّائذين و بهاء المؤمنين و منتهي غاية الطّالبين و إله العالمين ليس كمثلك شيء و إنّك أنت العليّ الكبير و أشهد لديك يا إلهي لمحمّد و آله و شيعتهم كما قد شئت في عزّ الابداع في شأنهم إنّك علي کل‌شی قدير و بکل‌شی محيط و لا حول قوّة إلا بالله العليّ العظيم"

فيا أيّها النّاظر تلك الورقة المنبتة من الشّجرة السّيناء و النّاطقة من نقطة الثناء الله لا إله إلّا هو فأيقن باليقين ثمّ أيقن بالحقّ اليقين ثمّ اشهد بالعين اليقين أنّ سبل هذا المسلك وعر عظيم و ما جعل الله لأهل تلك اللّجّة وصفا دون نفوسهم و لاشأنا في آية إلّاحقايقهم و إنّهم إذا قرءوا هذا الدّعاء لم يشهدوا في حرف منها إلّا ظهور ربّك لا إله إلّا هو و هم إذا نظروا إلي شيء دون الله أو رأوه قبل شيء أو مع شيء فقد خرجوا من أهل تلك اللّجّة و كتب عليهم حكم حدّ الحدّيّة و إنّ اليوم ما أنت تقدر علي ذلك المسلك و لا أحد من المؤمنين إلّا من شاء ربّك إنّه لا إله إلّا هو لقويّ عزيز و إنّهم رجال قد خلق الله وجودهم قبل طلوع صبح الأزل علي عرش القدم و لايوصف بحكم من أهل الكتاب و إنّك لو وصفتهم علي علم شيء أو إحاطة شيء فقد كذّبت قدرة ربّك إذ هم لو يقترنوا بذكر شيء ما كانوا من أهل ذلك المقام و إنّهم رجال إذا رقدوا علي التّراب قد شهد الله عليهم فوق عرش الجلال من فضله و عزّ الجمال من جوده و إن زارهم أحد علي تلك الأرض قد كتب الله عليه زيارة نفسه علي العرش ذلك فضل الله عليهم ولكنّ النّاس لايعلمون من علم الكتاب إلّا حرفا قليلا فيا أيّها السّائل و من نظر إلي تلك الورقة إن عرفتم حكم ما أنزل الله لأهل تلك اللّجّة إنّكم إذا من أهل العلم لتكوننّ عند الله مكتوبا و إن لم تعلموا حكم الله فيها أن اتّقوا الله و اسئلوا من فضله فإنّ الله قد كان علي کل‌شی قديرا و ما أجد اليوم أحدا قد عرف آيات الله بالحقّ و يسلك هذا الصّراط بالعدل ولكنّ الله قد أنزل برحمته تلك الآيات علي عباده المخلصين إنّه لا إله إلّا هو ذو فضل عظيم فيا أيّها السّالك هذا المسلك فاعلم أنّك لو سلكت علي هذا الصّراط فإنّك إذا أنت أنت في علم الله و لو نظرت في سبل السّلوك إلي وجه دون وجهة من الرّبّ لتنزل من أعلي العرش إلي أرض البعد و الشّكّ و يبعدك عن الوصول إلي تلك اللّجّة خمسين ألف سنة فاتّكل علي الله و امض علي هذا الصّراط ما تؤمر فسوف تجد الله ربّك توّابا رحيما و إنّك لو تريد أن تسلك إلي ربّك للبقاء في جنّة الفردوس ما كتب الله عليك الورود عليها إلّا أن تري ظهور الله ربک و الفردوس رای العین و تشاهد العلم نفس المعلوم بالعلم الیقین و ما نری شیئا الا و تری ظهور الله من قبله شاهدا و دليلا و ما يري أهل ذلك الصّراط ذكرا إلّا ذكر الله و لا وصفا إلّا وصفه و لا نورا إلّا نوره و لا دليلا لنفسه إلّا نفسه و يري كلمة ربّه ظاهرا في کل‌شی و إنّ هؤلاء لايردون موردا إلّا و قد حكموا بحكم البداء و نظروا بعين الثناء و نطقوا من شجرة السّيناء فوق طور الثّناء الله لا إله إلّا هو العزيز المتعال و إنّك لو شئت أن تحيط بسرّك علي صلوح هذه الجنّة فاعمل من حكم الله لنفسه في محضره إن استدركت ما ألقيت إليك من الاكسير الأحمر علي أرض كثيب الأخضر لعلّ الله يهديك إلي صراطه رشدا أو يحدث لك بعد ذلك الحكم أمرا و لاتظنّ بأنّك قدرت لأنّ ماء هذا الصّراط أرقّ من ماء التّجريد في عروق زجاجة الأفئدة و ها أنا أرشح عليك من هذا الماء لتوقن نفسك من مشاهدة هذا الماء الطّهور و يوقفك علي هذا الصّراط بالحقّ اليقين إذا صلّيت و شهدت في حرف من أحرف قرائتك دون ظهور الرّحمانيّة علي العرش بوصف نفسه فقد خرجت من أهل تلك اللّجّة و يحكم الله عليك بحكم ما شاهدت من الأمر و ما ربّك بظلّام علي نفس من بعض الذّرّ قطميرا فصفّ نفسك و دقّ بصرك و ألق ما في عندك من الدّلالة عن دون ربّك فهل تقدر أن تتلو سورة من الكتاب علي هذا الصّراط في حكم الباب فسبحان الله ربّك عمّا يصف الظّالمون علوّا كبيرا ولكن لاتيأس من روح الله فإنّ الله يمنّ علي من يشاء كما يشاء و إنّ ربّك قد كان علي کل‌شی قديرا أن اجهد في سبيل ربّك حتّي أدركت نفسك حظّها من حكم ربّك فإذا خلصت نفسك و أعرضت عمّا دون الله بسرّك و جهرك و لاحظت ظهور الله في غيبتك و حضرتك فقد صلحت ذاتيّتك علي دخول تلك اللّجّة فاتّكل علي الله ربّك و احمده حمدا كبيرا و اعبده كأنّ الله لم يخلق دونك خليلا و استقم علي الصّراط بمثل عبد ذليلا و إقراء بعد صلوة الظّهر هذه المناجات جهرة وخفيّة.

**دعائه في المناجات بعد صلوة الظّهر.**

" يا إلهي أشهدك بما قد شهد نفسك لنفسك من دون شهادة أولي العلم من عبادك إذ إنّهم لن ينالوا إلّا إلي حظّ الابداع و لن يعرفوا إلّا جودك علي كلمة الاختراع و إنّك يا إلهي غنيّ بذاتك عن کل‌شی و لايعرف الشيء إلّا شيئيّة و لايحكي الخلق إلّا من مقام العبوديّة و إنّ الدّليل يدلّ لمن لايدلّ بذاته و إنّ الوصف لمن يحتاج إلي نعته فسبحانك يا إلهي إنّ طرق الامتناع فقد سدّ الخلق عن النّعت لدي محضرك فأيّ الوصف قد رضيت بنسبتها إليك و هي شاهدة بتفريقها من إنشائك فسبحانك يا إلهي من علوّ العظمة و المجد من منتهي الحمد و العزّة و لايحصي أحد ثنائك كما أنت عليه من القدرة و الجلال و أعترف لديك بأنّ الواصفون قدرتك قد شبّهوها بأنفسهم و لذا قد اجترحوا بآياتك من حيث لايعلمون و إنّ الّذين قد ادّعوا معرفتك فقد كذّبت الدّعوة أنفسهم و هم لايشعرون فيا إلهي إنّ ذكر أنفسنا لدي وجهك كلمة شرك لايعادلها ذنب و إنّ احتجاب أنفسنا من دون آية نفسك كلمة عدل لايساويها حكم فأستغفرك يا إلهي من كلّ ما قد أحاط به علمك و هربت من کل‌شی قد ادّعي الحكم من غير نفسك و أسئلك أن تصلّي علي محمّد و آل محمّد كما أنت أهله و أشهدك بأنّي قد اعترفت في مقامي هذا مقامهم كما تشاء لهم إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت غنيّ بلا كفو و لامثال و لاحول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم"

ثمّ احفظ ما قد نزّلت إليك في هذا الصّراط فإنّ الله ربّك ليجزي الكلّ بعمله و يسئل عمّا يفعل و هو علي کل‌شی شهيد و إن أردتّ أن تسلك في سبيل ربّك حتّي قد خلصت نفسك للقاء ربّك في جنّة السّادس أن اتّبع ما أوحي إليك من كتاب ربّك فإنّه لهو الحقّ المبين و راقب كلّ مقاماتك و لاتغفل عن مولاك أقلّ عمّا يحصي كتاب ربّك ثمّ اعمل في سبيل الحقيقة بما قد نزّل الله في علم الشّريعة و اعلم بأنّ الطّاعة لاتقبل من أحد إلّا بعد الحكم بحكم ربّه و كان الله لعزيز حكيم ثمّ اطلب العلم من أهل التّوحيد و دع سبيل التّحديد فإنّ طلب العلم فرض علي كلّ وصف قد وقف في ذلك المقام ولكن اتّق الله لاتحجبك الشّئونات عن ربّ الصّفات فإنّ الله يعلم الأنفس حين علّمها و لاتغفل من واردات السّرّ فإنّها قد نزلت من شجرة الأمر و راقب سرّك كحفظ جهرك و أشهد بالعيان بأنّ نور البيان قد طلع عليك في كلّ آن فإذا لاحظت الأمر ينوّرك بإذن الله و إذا غفلت يبعدك من رحمة الله بعدله و أيقن بأنّ للسّالكين علي هذا الصّراط عقبات كئود و طرقات منضود و قد موّج الأبحر في السّبيل لغرق السّفينة لمن نظر بالدّليل و احتجب عن وجه الجليل فإذا عملت لله علي عمل أهل لجّة الابداع و احتملت كلّ الكثرات بما يمكن في الاختراع و لايحجبك شأن من اللّقاء فارقد باليقين علي الأرائك المتّكئة عن تلك اللّجّة و أقبل بوجهه إلي کل‌شی و أوصله حظّه فإنّك وليّ بإذن الله في الملك و إنّ ربّك قد دعي أهل تلك المقام بآيات نفسه و ذلك مقام قد وعد الله أهل التّهجّد في اللّيل عسي أن يبعثك ربّك مقاما محمودا و اعلم أنّ لكلّ نفس قد كتب الله بأيديه أسفارا في سبيل سلوكه و إنّك إذا أردت يوم النّزول إلي خلقه فاحفظ نفسك ألّا تتعلّق بشيء إلّا بحبّه فإن سكنت نفسك بشيء دون حبّه فقد حرّم عليك يوم الصّعود حرم المحمود و كنت من أهل الحدود عند ربّك مسطورا و إن كنت في يوم الصّعود فخذ أيدي كلّ الخلق بالسّلوك معك إلي الله فإن اجتهدت و اتّبعك الآيات فإنّ جنود الله قد كان في حكمك و إن أعرضت عنك آية إنّ الله يقبل منك حكمها إذ إنّه لا إله إلّا هو ذو فضل عظيم و إنّك لو تسافر من الحقّ إلي لقائه لم تجد لشأن الله تعطيلا و عليك فرض حكم الأحديّة علي كلّ أهل الابداع و الاختراع و كفي بنفسك اليوم عليك في هذا الشّأن خبيرا و إن تريد مسلك الكبري سافر بعين الخلق إلي الحقّ فإنّ فيها سبل الآيات مجتمعة و كلّ الدّلالات مفتقرة و ما غنيّ إلّا الله ربّك فاسلك هذا السّبيل فإنّ الأمر لديه أظهر من کل‌شی و لايحجبك شأن عن شأن شيء و إنّ هذا صراط ربّك في هذا السّبيل و ما أجد لفيض الله تعطيلا و راقب الموت في سرّك و جهرك مراقبة الحضور كأنّك حين الطّلوع من أفق الغيوب و لاتحبّ أهل الدّنيا فإنّهم يحجبك عن لقاء­الله و یمنعك إشاراتهم من طرق الصّعود إلي الله و لاتتكلّم في حال إلّا بالخضوع في كلّ مقام فإنّ ربّك حاضر يسمع ندائك و يعرض عمّن لايستحیي عن وجهه و شاهد الحكم من الله في كلّ شأن حتّي لو خطرت في شيء حكما يظهر حكم الله في نفسك لو تري الواقع لن تعرف الفصل في حكم الله و تشاهد حكم الحقّ في كلّ أعمالك و حركاتك و لحظاتك كالعين اليقين و أبشر نفسك إذا رأيت ما ألقيت إليك من إكسير الأبيض بلقاء­الله سرمد الأبد إلي ما شاء ربّك إنّه علي کل‌شی قدير.و إقرأ بعد صلوة الفجر هذا الدّعاء لتكوننّ من المفلحين.

**دعائه بعد صلوة الفجر**

"يا من حكم علي الصّباح بنور الضّياء و أظلم اللّيل علي إمضاء القضاء و أتقن سبل العباد علي ما قضي في البداء لا إله إلّا هو فاشهد لديه في مقامي هذا كما شهد ذاته لذاته إنّه لا إله إلّا هو عالم حكيم قادر حليم غنيّ في أزل الآزال لم يزل ما كان له وصف و هو كما هو عليه في عزّ كينونيّته لايعرفه شيء و لايأخذه وصف من شيء و لانعت عن شيء و لايعلم كيف هو إلّا هو عادل في الحكم محمود في الفعل قد بعث محمّدا صلّي الله عليه و آله علي ذروة الانشاء من بحبوحة الابداع علي مقام دلائله مطهّرا عن الدّلالة إلي غيره و منزّها عن الاقتران بشيء من عباده ليعلم النّاس أنّ ربّهم الرّحمن لا إله إلّا هو عادل في الفعل و مطاع في الحكم و هو العليّ المتعال و بعث الأوصياء من ذرّيّته علي هذا الصّراط القائم بالحقّ لئلّا يقول نفس في طوله و فضله من بعض القول حرفا سبحانه و تعالي يعلم ما في السّموات و ما في الأرض و هو العليّ الكبير و علي هذا المنهج البيضاء قد بعث النّبيّين و المرسلين و الأبواب في هذا الضّياء من هذا المصباح في المصباح الزّجاجة الزّجاجة ورقة مضيئة من شجرة مباركة لاشرقيّة و لاغربيّة توقد من نار الله قبل أن یمسسه نار نور علي نور يهدي الله لنوره من يشاء لا إله إلّا هو العليّ العظيم و صلّي الله علي محمّد و أوصيائه مظاهر عزّ القديم في مقعد عزّ كريم و سبحان الله عمّا يصفون و الحمد لله ربّ العالمين".

و إن تحبّ أن تسلك إلي الله في أرض الكثيب الأحمر مع النّقباء فاسلك علي هذا الصّراط الأعظم نور الله في السّموات و الأرض الّذي يسجد له من في السّموات و من في الأرض و كلّ له قانتون أن امش بإذن الله علي أرض القدس في حكم آيات محبّتك لله في السّرّ و الجهر و اعمل لله في آناء اللّيل و النّهار علي سبيل الشّريعة و شاهد الآيات و بالسّر المتجلّية عن الحقيقة في كلّ ما ورد عليك في كلّ الآيات فإن احتجبت عن الحقيقة في عمل لم يشهد الله عليك عمل المحبّين و كنت في صحف الغافلين مكتوبا و راقب الزوال فی قربها(وقتها) لئلاء تحتجب بنفسک من بعدها فان لکل فی ذلک الحین قد کان حظا مکتوبا و إقراء بعد فراغك من صلوة الظّهر كلمة التّوحيد أربعة عشر مرّة و راقب حالاتك في كلّ المقام و لاتشتغل بشيء يحجبك عن ذكر الله و اعلم بأنّ أعظم الرّياضة عند ربّك ما كانت إلّا كلمة القطع في بحبوحة الوصل تلك حدود الله للسّالكين في هذه الأرض و من يتعدّ حدود الله لن يستطيع أن يتّخذ إلي الله سبيلا فاسلك علي هذا الصّراط القيّم فإنّ كلمة الأبواب قد كانت في هذا السّبيل مقضّيا و إن كنت أردت في كينونيّة ذاتك مسلك هذا القضاء فاسلك علي هذا الصّراط الحمراء و استمع نداء الورقاء في أرياح هذا الصّبح البيضاء كنداء الشّجرة في الطّور السّيناء الله لا إله إلّا هو و امش علي جلال البهاء في أرض البيضاء خاضعا خاشعا كحكم ذرّة المندكّة من طور السّيناء لدي تجلّي نور الفؤاد فإنّ هذا المسلك نور لا ظلّ له و علم لا جهل فيه و بقاء لا فناء له و يظهر من السّالك فيها عجائب آيات الملك و جراثيم فردوس العزّ و لايقترن بنعت سالكها وصف من أهل البعد و يعمل في كلّ شأن علي هيكل حجّة الله كأنّه شجرة قد أثمرت بالشّريعة و دعت عن الحقيقة بلا وصف البينونة و نعت الرّبوبيّة بل علي وجه العبوديّة كذلك قد فصل الله أحكامه للسّالكين علي هذا الصّراط لعلّهم بآيات الله يهتدون.

فيا أيّها السّالك هذا السّبيل فعليك فرض كلمة اليقين و العمل حول الذّات في علم اليقين قرّب هذا الصّراط فإنه نور في المشكاة يضيء السّموات و الأرض باسمه و يتلو عليك أحكام نفسك لكنت من الشّاكرين ذلك حكم الله في تلك المرتبة ألّاتظنّ في حكم ذكر إسم ربّك بعضا من القول ولتكوننّ من الشّاكرين و كفي بالله عليك في السّلوك نصيرا و إن كنت قد أردت أن تسلك في علانيّتك كحكم سريرتك فاسلك في جنّات الأربعة کحکم کلمه الاربعه بلاعلم التّحديد و لاجمع في كنه التّفريق و کن في سلوكک علي كلّ صراط كحكم تلك الكلمة جهرة و سرّا و طف في حول كلّ واحد منها كطوافك حول البيت سبعة أشواط في كلّ صباح و مساء و راقب أن لاينسيك الشّيطان حكمك فإنّ الاشارات يحجبك عن الوصول إلي بيت الجلال و ها أنا ذا أريد إتمام الكلمة في الجواب و كفي بالله للسّالكين نصيرا أن اعمل في سبل الشّريعة علي ما ألقي إليك حينئذ فإنّ صراط ربّك هذا قد كان في أمّ الكتاب لمستقيم فإذا طلع خطّ البيضاء من أفق السّوداء فأيقن طلوع نور وجودك من صبح الأزل و صلّ صلوة الصّبح علي هيكل محبّتك وإقرء في الرّكعة الأولي سورة الفجر و في الثّانية {سورة} الكوثر و راقب في صلوتك ألّاتخرج عن لقاء وجه ربّك فإنّ الخارج عن الصّلوة متصوّر بشكل الحمار و لاتشیر إلي شيء في معراجك دون الله فإنّ الاشارات إلي دون الله بعد كلمة التّكبير حكم من الكذب علي نفسك اتّق الله أن لاتشرك في عبادة ربّك أحدا فإذا فرغت فاجلس علي هيكل النّبوّة إلي مطلع الشّمس فإنّ رزق الأفئدة قد قسّمت في تلك السّاعة و من نام قد حرم من نصيبه وإقرء من القرآن بعد صلوة الفجر علي لحن نزوله بالحزن والسّكون ما أقبلت نفسك و قف عند كلّ آية كأنّك طرف من الوحي فإنّ الله قد خاطبك بلسانك و يتجلّي لك بآياته في قرائتك و لاتحرم نصيبك من نفحات قدسه و بركات تجلّيه واشرب ماء الكوثر من أيدي متجلّيك ولها موجّلا موقّرا متلذّذا كأنّك فوق العرش مستمع من الله كلامه فنعم المقام للمتلوّين علي هذا الصّراط قد كان عند ربّك مرتفعا و إنّك لو قرائت آية في كلّ يوم علي هذا الشّأن الّذي ألقيت إليك بإذن الله لكان خيرا لك من إنفاق الدّنيا ذهبا و تلاوة ختم القرآن بلا عددا و إنّ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء من عباده والله ذو فضل عظیم و راقب دعوات التّعقيب بالحقّ المستتر وإقرء كلمة الصّباح النّازلة من لسان عليّ {عليه السلام} فإنّ فيها أنوار القدس مكنونة و أسرار الفردوس مخزونة و آيات المحبّة مختومة وإقرئها بلسان مبدعه فإنّك لو قرئتها بلسانك فقد احتجبت من نورها و كفي بنفسك اليوم عليك خبيرا فإذا طلعت الشَمس قم من مقعدك والتفت بوجه المحبّة إلي أهل بيتك و من ورد محضرك من الأحبّاء و كلّم علي كلمة التّفضل و البهاء فإنّ حكم ربّك هذا كان في أمّ الكتاب مقضيّا واعمل سبل الصّوم من حكم ربّك من أوّل يوم الفرض في كلّ شهر عشرة أيّام إذا بلغت عمرك ثلاثين سنة فإذا بلغت سنّك إلي هذا المقام فصم نصف الشّهر إلي اتّصل البقاء إلي الأربعين فإذا بلغت هذا المقام من السّن صم في كلّ شهر ثلاثة أيّام يوم الخامس من العشرين واليوم الرّابع من الوسطي إلي أن بلغت سنّك إلي الخمسين هنالك ما أحبّ لك الصّوم إلّا ما فرض الله عليك في الشهر الحرام شهر رمضان الّذي نزل فيه القرآن كذلك قد فصّل الله أحكامه في الكتاب من قبل لعلّ النّاس بآياتنا يهتدون و أمّا شربك فدقّ بصرك فخذ بحول الله و قوّته أيدي نفسك كلّ أوّل كلّ يوم جزء من الكندر و القرنفل مساويا بالسّكّر الخالص واشرب كأسا من الماء الّذي طبخ فيه ورقة المبيضة الآتية من الصّين فإنّ شربها ترقّ الطّبيعة و تجذب الرّطوبة و تسد سبل الاشارة و تحيي شاربها بلقاء أهل الحقيقة و فيها منافع لايحصيها الا من شهد بالعيان سبيل البيان و إن تريد أكثر من كأس فاشرب وترا فإنّ الله قد أحبّ الوتر في كلّ شأن و إن تحبّ فاشرب معه اللّبن إذا لم یك بردا ذلك حكم الله في شربك بعد ساعة من مطلع الشّمس و لاتشرب أزيد ممّا أمرتك و لاشيئا بعده إلّا الحلويّات اللّطيفة فإنّها حلّ لك في كلّ شأن واشتغل بشأن الّذي قد كتب الله و إذا قرب الزّوال خلّص نفسك لأمر ربّك بعد ما ترقد ساعة قبل الزّوال فإذا قمت من النّوم فاستك بالعدل ثمّ طهّر جسمك بالماء وأعطر ما استطعت وانتظر نداء ربّك فإذا زال الزّوال كبّر الله ربّك سبعة مرّة و قل هذه الكلمة: "سبحان الله و الحمد لله الّذي لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له وليّ من الذّلّ و كبّره تكبيرا" وإقرء بعدها إثني عشر مرّة سورة التّوحيد ثمّ اعمل النّوافل فإنّ الله قد وعد لعاملها كلمة الأكبر و إنّ العبد لو يري فضل ربّه لقد كان في مقام النّوافل سمعه سمع ربّه و لسانه لسانه و نظرته نظرته و حكم يده حكم عطائه و إذا سكت أجابه ربه بنداء الخفي أقرب و لاتخف فإنّك لدي الله من المقرّبين فإذا فرغت من النّوافل صلّ صلوة الظّهر علي مطلع الظّهور في أفق الطّور هنالك قف فإنّ حينئذ يصلّي ربّك قف واستمع ندائه سبّوح قدّوس ربک و ربّ الملائكة و الرّوح وأشهد جماله في آيات معراجك و لاتحرم نصيبك من لذّة ذكره و قرب جلاله فإنّ للمصلّين مقام القرب عند ربّك قد كان مكتوبا فإذا فرغت عن الصّلوة سبّح الله ربّك بتسبيح الكبري تسبیح فاطمة الزّهراء‌ وإقرء بعدها دعاء التّحميد ما نزّل في الصّحيفة ثمّ قم بلاتعطيل و لاتفريق واعمل لله في نوافل العصر و صلوته و راقب أحكام الشّريعة فيها حتّي لايفوت عنك ذرّة من بركات ربّك فإذا فرغت من حكم ربّك فاسجد لله طويلا ثمّ امش إلي محلّك و كل من نعم الله بعد صلوة العصر سبعة لقمه إن قدرت و إلّا أربعة عشر لقمة و لاتأكل أزيد من ذلك في سبيل سلوكك إلي الله إلّا إذا علمت أن لايضر سرّك و راقب نفسك في أكلك ان لاتقرب شجرة الحرام و لا ما يشبهها ثمّ اجلس محلّك علي المتّكئة باليمين واعمل في سبيل الطّعام هذا السّبيل ثمّ قل "بسم الله" في أوّله واجلس علي هيكل التّوحيد متّكئا علي الشّمال و لاتأكل وحدة و راقب نفس الّذي قد جلس معك و كل علي هيئة حبّك في وجه الله كأنّك في بين يديّ الله رسول قد كنت قاعدا وابدء بالملح واختم بالحلو واحمد الله في سرّك و جهرك علي كلّ وجهة واسترح في بين أكلك كأنّك قد كنت في الفردوس و هذه نعمة ربّك كذلك قد بيّن الله آياته في كتابه لعلّ النّاس بلقاء الله يهتدون فإذا فرغت خلّل ثمّ استك بالعود الصّغير ثمّ اشتغل بما قد كتب الله لك و لاتغفل من أحكام الله في شأن فإنّ كلّ ما ينزل عليك في كلّ شأن من ربّك عليك ألّا تشرك في عبادة ربّك أحدا و إن كنت ذي كسب اتّق الله في صراطك فإنّ علم الفقه فرض لمن أراد التّكسّب و لايحلّ لنفس ممّن آمن بالله التّجارة إلّا بعلم الفقه واعلم بأنّ الكمال كلّ الكمال قد كان عند ربّك الفقاهة في الدّين والصّبر علي النّائبة و تقدير المعيشة كذلك قد بيّن الله آياته لعلّ النّاس بآيات الله ليوقنون و إن اشتغلت بحكمك عن الله أن افرغ نفسك من شغلك قبل الغروب بعشرة دقايق لتخليص نفسك للقاء ربّك واعمل فرائض اللّيل و نوافله علي حكم آل الله فإذا نزلت من معراجك أن اشرب ماء المسكرّة المشيرة ما تحبّ و ترضي ثمّ اطّلع من كتاب الأحباب ما شئت فإنّ فيها أبوابا من الخيرات لاتفتح إلّا بما ألقيت إليك بحكم الله و لاتطالع أكثر من ساعة فإذا مضي من اللّيل ثلاث ساعات فاطلب رزقك و كل أربعة عشر لقمة بالسّكون و الوقار لئلّايفوت عنك لذّة النّعم فإذا فرغت من الطّعام فارقد ساعة بالوضوء واستعمل العطر وارقد ما كتب الله لك في الرّقود و لاتسكن وحدة فإنّ الله ما أحبّ لك تلك الحالة و لو رقدت وحدة بعد قدرتك فقد أشركت بربّك و لايعدل ذنبك و راقب حكم الله في النّساء فإنّهنّ ورقات من شجرة السّيناء و لاتؤذهنّ بطرف العين فإنّهنّ أعزّات في حكم الكتاب عند الله عمّا يظنّ النّاس بهنّ و كفي بالله في سرّك و جهرك عليك شهيدا وارقد ساعة علي المتّكئة فإنّ لكلّ حقّ معلوم وارقد عند مطلع ساعة الخمس إلي آخر مضي ساعة الثامن فإذا بقي ثلث آخر اللّيل قم بحول الله و قوّته وأطيب نفسك لله ربّك علي الرّوح و الرّيحان واغتنم أيّام لقائه و باشر حكمه في صلوة اللّيل عسي أن يبعثك ربّك مقاما محمودا واطرح ثلث اللّيل علي ثلث آيات و ثلث للسّكون بين يديّ الله ناظرا إلي جمال تجلّيه و ثلث لحساب نفسك عمّا اكتسبت من مطلع الفجر إلي مقامك هذا واحسب نفسك كأنّ الله قد جعلك من عنده عليك حاكما و حسيبا ذلك حكم الله للسّالكين في كلّ شأن و من يتعدّ من حدود الله لن يجد في يوم القيمة عند ربّه عهدا و إنّ هذا صراط الله في السّموات و الأرض فاستمسكوا بحبله واعلموا أنّ الله يعلم غيب السّموات و الأرض و كفي بالله لعباده شاهدا و نصيرا و إنّ ذكر إسم ربّك قد فصّل أحكام السّالكين في كتابك هذا لئلّايقول أحد لو عرّفني الله آياته لكنت من المهتدين و تعالي الله عمّا يقول الظّالمون علوّا كبيرا.

**الباب السادس في الآياتة السادسة**

**أن إقرأ هذا الدعاء في ليلة الجمة**

بسم الله الرحمن الرحیم

"ألحمد لله الأحد الفرد القيّوم الّذي لا إله إلّا هو العليّ العظيم يا إلهي أنت الّذي تبدع بقدرتك الخلق لا من مثال قبلها علي هيكل محبّتك ابتداعا و تخترع حقايق الأفئدة علي شكل قبولها بلا شبه يعادلها اختراعا ثمّ قد أقمت الخلق في منهاج معرفتك جودا و امتنانا فلك الحمد و العظمة بما قد تجلّيت للخلق بعزّ قدرتك طهرا من ضرب الأمثال و نعت الأشباه فسبحانك يا إلهي قد جلّت عظمتك و علت قدرتك و لايمكن حقّ العرفان في آلائك و لا أداء الحقّ بشيء من عطاياك أنت الّذي لن تعرف بكنه الكينونيّة و لن توصف بعزّ الذّاتيّة إذ ما سواك محدود بحدود الانشائيّة و محدثة بوصف المثليّة فأشهد أنّك أنت الله لا إله إلّا أنت وأشهد أنّ ذاتيّتك يا إلهي مقطّعة الكلّ عن الاشارة إليك و أنّ كينونيّتك مدلّة علي نفي الدّلالة لغيرك فكيف أصف حسن ثنائك بعد ما أعلم سدّ السّبيل للخلق و منع الدّليل في الوصف و لايدرك العبد إلّا إنّيّته و لايوصف الخلق إلّا ذاتيّته فكيف يمكن معرفتك للخلق بعد ما قد أبدعتهم لا من شيء بغير وصف من نفسك و لا دلالة من ذاتك فسبحانك حاشا الظّنّ بك من معرفة الكنه و لا الوصف علي أزليّة الصّنع أنت الّذي لن تحدّ و لن تجسّ و أنت الّذي لن توصف و لاتحسّ مشيّتك مدلّلة بنفي وجودها من قرب ذاتك و إرادتك محدّثة بالمنع عن معرفتك فلك الحمد بما تعرّفني نفسك علي حقيقة ربوبيّتك و لك المجد بما تلهمني من ذكرك علي علوّ أزليّتك و لقد قصر بي السّكونات بالذّكر من آلائك و قصاري الاقرار بالنّعت عن امتنانك أنت العالي و لا شبه لنفسك و أنت الكبير و لا مثل لعدلك فتعالي نفسك عن الوصف و جلّت كينونيّتك عن النّعت فلايدلّ نعت الخلق إلا وصف أنفسهم و لاتحكي حقايق الأفئدة في علوّ المعرفة إلّا بنعت حقايقهم فها أنا ذا أعترف في مقامي هذا بالعجز و التّقصير و ما عرفتك كما تعرّفني نفسك و ما عبدتك كما تدعونني إليك فلم تزل إنّك الاله الفرد المتفضّل العزيز المتكّبر لن يشبه عطيّتك شيء و لم يعادل إحسانك شيء فلك الحمد من ثناء نفسك نفسك و لايصعد إليك إشارة من خلقك فإنّك يا إلهي قد خلقتني و لم أك شيئا و ربّيتني في عوالم محبتّك بأيدي رحمتك جودا بعد ما لا أستحق بشيء منها فلك الحمد و الجلال و العظمة و الثّناء بما يستحقّ ذاتك في إبداع الصّفات و اختراع الشّئونات إنّك أهل البهاء و الجمال و إنّك أنت الكبير المتعال يا إلهي هب لي بجودك في الشّهر الحرام كمال الانقطاع إليك في البيت الحرام واجذبني بنفحات قدسك إلي مقعد العزّ و الجلال وألهمني آيات محبتّك في كلّ شأن بما قد أحاط علمك لأن أدخل ساحة قربك و أقرّ لدي محضرك بما قد تجليّت لي في يوم إنشائك بنور ندائك أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له فرد قيّوم دائم وتر الّذي لم يتّخذ صاحبة و لا ولدا و لم يكن له وصف من الخلق لا إله إلّا هو ليس كمثله شيء و هو العزيز الحكيم يا إلهي إنّ علوّ إحسانك ظاهرة لاتختلف و إنّ عظمة امتنانك ناطقة لاتحتجب قد خلقتني و لم أك مذكورا من قبل وأكرمتني نعمائك ما لانستحق بشيء من بعد فکل ما أذكر نفسی ما أشهد إلّا عصیانه و ما أري إلّا إحسانك و مداراتك فيا إلهي كيف أذكر نفسي و سيّاته بعد ما كنت أعلم أنّ وجودي لدي وجهك أعظم ذنب لاتشبه نار فسبحانك يا إلهي فبعزّتك و جلالتك و لاحول و لاقوّة إلّا بقدرتك ما أحببت في شأن إلّا حبّك و ما أردت في وجه إلّا وجهك بعد ما قد كسبت إشارات البعد بذكر الحيوة و مددتّه القضاء بالامضاء عدلا من حكمك الّذي لاعدل له و إنصافا من أمرك ألّذي لا شبه له فآه آه ممّا قد أحاط علمك بنفسي من إشاراتها إلي لجّة العظمة و دلائلها من غير طمطام الأحدّية و سكونها في غير وجه الهوّية و قربها إلي دون بهاء الصّمدانيّة فآه­آه عمّا يحصي الكتاب من جريرات العلامات من نفسي عمّا يحكي من دون فطرة توحيدك و دلّ علي غير نعت أزليتك فبحقّك الّذي لا إله إلّا أنت لو اردت حكم عدل علي جزاء ما اكتسبت نفسي بالاغفال من أمرك لدي محضرك لقد ملأ أركان الابداع من النّار و كبرت جسمي علي قصور القدرة في الاختراع و لم يبق شيء من حرّ سخطك فسبحان الله الرّبّ البارّ الرّؤف لايردّ سخطك إلّا عفوك و لاينجيني من غضبك إلّا حلمك فلك الحمد حمدا شعشعانيّا متلامعا مقدّسا منزّها كبهاء ثناء الله علي نفسه حمدا يفضل علي کل‌شی كفضل الله علي الخلق أجمعين و لله الحمد من إلهآمه حمدا يملأ السّموات و الأرض قسطا و يؤتي كلّ ذي حقّ كتابا حفيظا فأسئلك اللّهمّ يا إلهي بجودك أن تنزّل علي حبيبك و آله من نفحات عزّك و آيات مجدك ما أنت مبدعها لم تزل كما أنت أهله فأسئلك اللّهمّ أن تصلّي علي محمّد و آل محمّد بشئونات أيّام إنشائك ما قد أحاط علمك إنّك أنت الله لا إله إلّا أنت غنيّ في الذّات و عادل في الصّفات لن يشبه شيئا من عطاياك عطيّة كلّ الخلق و لم يعدل آيات محبّتك شيء من العباد فأسئلك اللّهمّ بجودك أن تسلّم علي محمّد و آل محمّد محالّ معرفتك و مقامات محبّتك و معادن عظمتك و أركان توحيدك كما أنت أهله و مستحقّه وأشهد يا إلهي في مقامي هذا بفضل محمّد و آله و كما تشاء بما تشاء لم يحط بعلمك أحد و إنّك علي کل‌شی قدير وأعترف لديك يا مولاي في هذا المشهد الكبري و الموقف العظمي بأنّك من علوّ نفسك الّذي لاينال إليك شيء قد جعلت محمّد و آله مقام معرفتك و معدن ولايتك و خزّان علمك و آيات قدرتك و قضيت لأنفسهم بحملّ مشيّتك و لشئوناتهم یمكمن إرادتك إذ كنت إله إلّا أنت لاتدرك شأنا من قدرتك حقايق الأفئدة و الأبصار و لاتحوي بأدني آيتك خواطر الأفكار و لاتحيط بشيء من آثارك غوامض الأنظار و إنّه لا إله إلّا هو و فوق ما قد نطق الكتاب بالعجز في وصفه: «لاتدركه الأبصار و هو يدرك الأبصار و هو اللّطيف الخبير» يا إلهي إنّ أمواج أبحر محبّتك متلاطمة بعزّ كينونيّتك و إنّ سبل الانقطاع لامعة لأهل الخضوع لدي باب رحمتك فأسئلك بعلوّ كينونيّتك و قرب أهل ولايتك الّذين ما بدع لهم شبه إلّا لأنفسهم و ما يبدع لهم مثل إلّا لقدرة الله في شأن تجلّيهم أن تجعل كلّ الشّئونات وجهة واحدة في محضرك و كلّ الآيات شأنا واحدا عند تلقاء وجهتك لأنّ الوجه في كلّ شأن بلقاء وجه حجّتك بن حجّتك محمّد بن الحسن علي إذن من نفسك و حكم من قدرتك ذو المّن القديم و الحكم البديع فأسئلك اللّهم أن تصلّي و تسلّم علي وليّك القائم بأمرك و الغائب بإذنك و المنتظر وعدك بكلّ شأن أنت أثنيت علي نفسك و أن تنجز له ما وعدته و تقرّب أيّام سلطنته و تظهر أيّام كلمته إنّك علي کل‌شی قدير و بالاجابة قريب جدير و لاحول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم و الحمد لله ربّ العالمين"

**وإقرأ هذا الدعاء في اول كل شهر** فإنّي قد قرأتها بإذن الله علي ارض الحرمين سنة 1261 و في اول كل شهر

بسم الله الرّحمن الرّحيم

"الحمد لله الّذي قد أذن علي آية ملكه في هذه السّنة بالطّلوع علي عبده في أرض المقدّسة حرم القدس أرض الحرمين ليعلّم النّاس كلمه البدع في كلّ المواقع من حكم ربّهم لا أله الاّ هو العزيز الحكيم يا ألهي أشهد لديك في هذا اليوم أوّل ساعة من السّنة الجديدة من اليوم البديع كما تحبّ لنفسك و للّذين قد جعلتهم في مقام محبّتك من إهل الأبداع أجمعهم أنّك أنت الله لا أله الاّ أنت وحدك لا شريك لك ليس كمثلك شئ و إنّك أنت الغنّي المتعال يا إالهي بتعريفك نفسي قد عرفت سبل الأنقطاع في محبّتك و بدعوتك نفسي إلي بيتك الحرام قد شهدت علي سبل الأمتناع من معرفة نفسك فسبحانك يا إلهي أنت الّذي لن تعرف و لاتحدّ و أنت الّذي لن توصف و لاتجسّ و أنت الّذي لم تحسّ و لاتماسّ و أنت الّذي لاتنعت بنعت من الخلق و لاتشار باسم من الشّأن فسبحانك تقدّست ذاتيّتك من أن يعرفه شئ و تعالي كينونيّتك من أن يدلّ إليه شئ فيا إلهي إنّ إنّيّتك القدیمه شاهدة بالتّفريق عن معرفتك و بالقطع البيّن عن محبّتك إذ كنت أنت الله لا أله الاّ أنت وحدك لا شريك لك لم تزل قد كنت و لم يكن معك شئ و إنّ كلّ البدع قد دلّ علي الحدود فكيف توصف بما لا ذكر له لديك فسبحانك عمّا يصف المشبّهون في آياتك علّوا كبيرا يا إلهي إنّ هذا شهر قد قتل فيه حجّتك أبو عبدالله الحسين عليه السّلام و إنّك من علوّ رحمتك قد نزّلت علي كلّ­شئ في مطلع قمر هذا الشّهر قميص الحزن ليتلجلج كلّ الذّرّات بتلجلج شئونات أهل محبّتك في يوم اللّقاء بالرّضا بقتل نفوسهم لإعزاز كلمه توحيدك و إثبات صراط القيّم في سبيلك ليوصل الكلّ إلي ذلك الحظّ شأن المصيبة علي صدق السّريرة فأسئلك اللّهمّ يا إلهي أن تسلّم علي حجّتك الشهّيد في سبيلك كما أنت أهله من الثّناء و البهاء و أن تنزل علي الّذين قد قتلوا في وجهه يوم العاشورا في هذا الشّهر كما انت تستحّق من العزّ و العطاء و أن تصلّي علي الّذين قد سافروا إلي زيارة حجّتك و يتّبعون انفسهم في سبيل محبّتك لزيارة وجهك و علي الّذين يذكرونه بالبكاء و يتشهّقون في سبيل محبّته ابتغاء لوجهك كما أنت تحبّ لنفسك إنّك أنت الله لا أله الاّ أنت قدير عليم تحكم ما تشاء و تفعل ما تريد فأسئلك اللّهمّ يا إلهي إن تعذّب الّذين قد عادوا حبيبك و حاربوا وليّك كما هم يستحقّون من العدل إنّك عادل في الفضل و مطاع في الحكم لا أله الاّ أنت وحدك لا شريك لك فأسئلك اللْهمّ أن تحفظني في هذا الشّهر عن اتّباع الهوي و سدّدني في كلّ ساعاته بذكر حجّتك بن حجّتك بالبكاء عليه إنّك ذو المنّ و الجود فسبحانك اللّهمّ يا إلهي لو علم النّاس فضل ذكر ثأرك لن يرضوا بذكر دون ذكره و لا بمقام دون بكائه فصلّ اللّهمّ عليه و علي أهل محبّته كما أنت أهله العظيم و سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام علي المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين".

**الباب السّابع في الآية السابعة**

أن اتّبع حكم ما نزّل إليك الآن من كتاب كريم و أمّا ما قد سئلت من علم دخول حرم الحسين أن اخلص نفسك من کل‌شی يحجبك من آيات ربّك ثمّ اتّبع ما يلقي إليك من كتاب الله لا مبدّل لكلماته و لن تجد من دونه ملتحدا واعلم إذا ذكر الورقاء في أرواح تلك الألواح فحينئذ تري الصّبح قريبا ثمّ اعلم بأنّك لن تقدر أن تزور الحسين إلّا أن يشاء الله ربّك إنّه لهو القويّ العزيز.

ألا يا أيّها الملاء من أهل العماء أن اذكروا ربّكم إذا جلّي النّور بالضّياء و أضاء النّار في المصباح و نطق الشّجرة في السّيناء الله لا إله إلّا هو فلمثل ذلك فليدخل الموحّدون في لجّة الأحديّة و إنّ ذلك لهو الفوز العظيم و إذا أردت مولاك القديم أن تزوره بزيارة أهل جنّة الثّامن كن وجهة لنفسه غير بائن (باین)من نفسك لنفسك بعد ما كنت ناظرا بوجه ربّك من وجهة من غير تشبيه لنفسك من دون نفسه أدخل بالله في لقاء الأحدّية واستمع نداء الشّجرة من وجه الهويّة واستقرّ في عزّ ذات العبوديّة غير (باین)بائن من وجهة وجه الرّبوبيّة وأخلص فؤادك عن إشارات الامكانيّة ثمّ كبّر ربّك في مطلع خطّ البيضاء من وجه شجرة خضراء علي كلّ وجه من سبل الحقيقة بلا شأن عن موارد الكيفوفيّة و لا حرف من جواهر الكينونيّة و لا شيء من مقام الذّاتيّة و لا شبه في عرش الانّيّة قل بلي و ربّي لا إله إلّا هو العلّي الكبير.

فيا أيّها الزّائر الكريم أدخل في باب الشّريعة من غير البينونة من حكم ربّك في الشّعر من دون الشّعر فإنّ شرف الكبري عند ربّك أن يظهر علی شجرة الطّور في منتهي ذرّ من الظّهور أن اغسل في عالم الفؤاد بماء الجلال من غير إشارة إليها و لا كشف لديها و لا وصف في وجهها و لا نعت عن إسمها ألا إنّ تلك الاشارات، أمثال لأولي الألباب منكم الّذين هم بآيات الله يسجدون ثمّ اغسل في عرش العظمة بذكر ربّك في نفسها من غير وجه دون تجلّي ربّك في عزّ ذاتيّتها بكنه عبوديّتها ثمّ انزل إلي مقام الكرسي واغتسل من قبل كلْ الخلق بذكر ربّك في نفسك من سمّو المقام و علم البيان أوصيك يا أيّها الانسان في هذا البحر لدي الغسل قد غرق خلق كثير لأنّ فيها كلّ شأن مذكورة و في سمائها كلّ النّجم مركوزة و أنّ أرياح السّكون من أهلها في كلّ حين نازلة و لقد موّج البحر بالشّئون و فيها حيتان من ظلّ العكوس يعلو مرّة إلي أفق السُماء و يسفل أخري إلي طمطام قعر يمّ الابداع أوصيك يا أيّها الوارد بالبهاء احفظ نفسك أن لاتغرق في تلك القلزم الموّاج ألّا يا أيّها الملأ من أهل العماء من أراد أن يغتسل في هذا البحر الأجاج فعليه فرض كلمة الاخلاص أن لايشير بشيء من دون ربّه و لا أخذا بأيديه هديّة من أهل تلك اللّجّة إلّا بإذن بارئه أن ادخلوا بالله المعبود واغسلوا لوجه الله المقصود واخرجوا باسم الله الحيّ المعبود ثمّ أنزلوا إلي سماء القضاء واغسلوا في بحرها قلزم ماء البداء واعلموا أنّ كلّ مقام قد وردوا عليها عالم بمثل عالمكم هذه فيها کل‌شی أن اتّقوا الله و لاتسكنوا بغير حكم الله في شأن فإنّ من وقف في مقام بغير إذن ربّه فقد سكن في ذلك الحين في النّار و إن تري حكم اليقين لتشهد ما ألقي اليك في علم اليقين ثمّ اخرج منها وادخل جنّة الخامس واعلم أنّ فيها أنهار كثيرة تجري بإذن ربّك في أرض ياقوت حمراء أن استقم حول النّهر الرّابع واغتسل بماء الخمر حكم اليقين لتشهد ما ألقي عليك في علم اليقين ثمّ اخرج منها وادخل جنّة الخامس واعلم أنّ فيها أنهار كثيرة تجري بإذن ربّك في أرض ياقوت حمراء أن استقم حول {النّهر}السابع واغتسل بماء الخمر فإنّها حلّ لمن أراد زيارة الحسين لوجهه و لاتشرب من أنهار الّتي تجري فيها فإنّه قد قتل عطشان في يوم الاذن و لاتتكلّم بأهلها فإنّ مقام الّذي أنت قصدته لم يعدله شيء و كلّ لديه من الخاضعين ثمّ أخرج بإذن الله وادخل لجّه السّادس واغتسل بماء الصّفراء الّذي يخرج من تحت شجرة البيضاء الّذي تنبت بالورقة الحمراء و لاتقرب الشّجرة و لاتأخذ من ثمرتها فإنّها حلّ علیک اذا رجعت من زيارة مولاك القديم ثمّ ادخل بحر السّابع واغتسل بإذن ربّك ثمّ اخرج أقرب من كلّ شأن يمكن عند قدرتك فإن سمعت من كلّ مقاماتك نداء الورقاء في الطّور لا إله إلّا هو فقد فزت بما ألقيت إليك من كتاب ربّك واعلم أنّ ورودك في تلك البحور أقلّ من محو الظّهور واستغفر الله ربّك عن التّحديد بالكثير و سبحان الله عمّا يصفون و إنّ في تلك الأمثال آيات للّذين يريدون الله و أوليائه فكانوا من السّاجدين فإذا فرغت من مقامات عزّك فاغتسل في عالمك هذا إن استطعت بماء الفرات و إلّا ما تجد ممّا حلّ لك في الكتاب علي حکم كلّ ما نزّل من ألسنة آل الله لأهل البيان فإذا فرغت فالبس أحسن ما خلق الله لك في يومك هذا واعطر بعطر الخالص واشهد فی يوم الّذي أذن الله لعبده لقائه عظّم قدرك وامش بالوقار و الخشية كأنّك بين يديّ الله و لو علم الله في قلبك وجهة من الشّرك لينهاك من وجهه وانظر إلي بدائه في كلّ قدمك فإنّ العبد في كلّ شأن مقصّر علي حدّ الّذي لو يعذّبه الله بكلّ قدرته لكان يستحقّ به من عدله الله أكبر من عدل الله الّذي لايقوم به شيء و سبحان الله عمّا يصفون.

فإذا وردت باب الحرم الأوّل قف و كّبر الله ما أقبلت وجهك في تلقاء وجهه و قل:

"اللهم انی قصدتک بنفسک و أردت حجّتك بما قد دعوتني من رحمتك فإنّك يا إلهي تعلم سرّي و علانيتي فأنزل عليّ من بركاتك واحفظني في تلقاء وجهك عن الاشارة إلي دونك فإنّك غنيّ ذو المنّ لاتعاظمك شيء في السّموات و لا في الأرض و إنّك علي کل‌شی قدير" ثمّ ادخل علي كلمة التّوحيد ثمّ امش بالسّكون الحمراء و الورقاء البيضاء واعلم بأنّ قربك قد ما تحدث نارا في سرّك و كلّما قربت إلي القبر قد اشتدّ نار الظّهور فنعم المقام للزّائرين علي هذا الصّراط قد كان عند ربّك مرتفعا و كبّر الله في مشيك إلي اتصلت إلي باب الرّواق هنالک قف واستأذن عن الحرم و أهلها و سبّح إسم ربّك لدي الباب سبعين مرّة ثمّ ادخل بالمحو الآيات والصّحو العلامات فإنّك لو خطرت في ذلك المقام ذكرا من دون ذكر ربّك ينادي الملك أن ارجع فإنّها محرّمة في قرب الحضور لمن كان له وجه شكور ثمّ امش بذكر الله وحده طهرا عن الاشارة من دون ربّك فإذا وصلت باب الحرم تلقاء القبر قف و كبّر الله ربّك مائة مرّة ثمّ إقرء هذا الدّعاء:

"**اللّهمّ أنت السّلام و منك السّلام** و إليك السّلام قصدتني بذكرك نفسي و لولا ذكرك ما كنت شيئا و إنّك قد دعوتني إلي حرمك و لولا ندائك ما اخترعت عزّا فها أنا ذا يا إلهي في مقامك هذا أشهد أن لا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك لن يعرفك كما أنت عليه إلّا أنت و إنّك أنت الكبير المتعال وأشهد لمحمّد حبيبك كما تشهد لنفسه بنفسه في يوم الانشاء حيث قد خلقته لنفسك مطهّرا عن دلالة غيرك لا إله إلّا أنت العزيز المنّان وأشهد لأوصياء حبيبك صلواتك عليهم كما تحبّ في شأنهم إنّك أنت المقتدر علی ما تشاء کما تشاء و انک انت الكبير المتعال وأشهد لأهل محبّتك كما قد أحاط علمك بهم إنّك تعلم کل‌شی و لايخفي عليك شيء في السّموات و لا في الأرض و إنّك علي کل‌شی محيط يا إلهي أشهد أنّ الحرم حرمك و المقام مقامك فأذن لعبدك بالورود فإنّك لو أردت أن تأذن بالعدل لقد كنت يوم الحظور من مقامك لمردود فحاشا الظّنّ بك ما أعلم منك إلّا جودا و فضلا فأذن بجودك و من حكم عبادك الّذين قد أوجبت الاذن منهم و إنّك أنت الجواد الحليم و لا حول و لا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم قل بسم الله و بالله و لا حكم إلّا لله عليه توكّلت و إليه أنيب"

ثمّ ادخل حرم الحسين بالحزن والسّكون كأنّك قد وردت علي عرش ربّك فإذا دخلت الحرم قف متولّها ناظرا إلي وجهه متجلّيك في يوم الانشاء من غير كشف السّبحات و لا حرف من الاشارات حتّي رجع نفسك إلي مقام الأمن امش خمسة أقدام ثمّ قف و كبّر الله ربّك سبعة مرّات ثمّ قل: "السّلام من الله الّذي لا إله إلّا هو علی محمّد و عليّ و فاطمة و الحسن و الحسين و عليّ و محمّد و جعفر و موسي و عليّ و موسي و عليّ و الحسن و محمّد صاحب الأمر كما هو أهله و مستحقّه إنّه لا إله إلّا هو لحميد مجيد" ثمّ قل:

"السّلام عليك يا أبا عبدالله و رحمة الله و بركاته فكيف أصف يا مولاي نفسك بعد ما أيقنت أنّ سبل كلّ الموجودات لديك مسدودة و إنّ نعت كلّ الأشياء لدي محضرك إلي أنفسهم مردودة لا أحصي ثناء عليك أنت كما أثنيت علي نفسك و لايعلم أحد كيف أنت إلّا الله الذي قد خلقك و جعلك علي العالمين إماما مبينا فها أنا ذا معترف في مقامي لديك كما تحبّ لنفسك من أهل الابداع و ما يبدع من حكم ربّك إنّه لا إله إلّا هو العزيز الحكيم وأشهد أنّ ذكر نفسي لديك أعظم ذنب فكيف أقارنها بوصف قد اكتسب الذّنب ذنبا أخري فسبحان الله الفرد الأحد عمّا يصف المشّبهون نفسك من غير علم الكتاب و تعالي الله عمّا يشركون"

ثمّ امش من لدي الرّجل متلذّذا متولّها متذكّرا لقاء الله علي العرش حتي اتصلت شطر الظّهر هنالك قف و سلّم علي الشّهداء بما قد أجري الله من لسانك ثمّ صلّ ما شئت تلقاء القبر فنعم المقام مقعدك مقعد صدق كريم عند مليك مقتدر عظيم فيا طوبي لأهل الصّلوة في تلقاء الوجه بالوجه و الله عزيز حكيم(حمید).

ألا يا أيّها الملأ أن اسكنوا لدي شجرة الحمراء واستمعوا نداء شجرة السّيناء عن يمين الطّور لا إله إلّا هو إيّاي كلّ الخلق ليسجدون و لاتسكن في الحرم إلّا بالرّوح والرّيحان غير محتجب عن وجه الجلال بالجمال و لاتشير إلي مقام ربّك في القضاء و لاتمش فوق الرّأس فإنّها مقعد عزّ ما أري الوجود لنفس فيها و إنّ أيّام الله الّذي قد كنت في تلك الأرض ما قربت هذا المقام أبدا فإيّاك إيّاك أن تسكن حرم الله بالوحشة أو تصبر في جنب وجه الله من غير وجه الجلال في الرّاحة واعلم بأنّ قربك خطوة لا مفرّ لك إلّا عن يبعدك ما لايري بصرك فإذا فرغت عن الصّلوة أن أخرج من تلقاء الرّجل واستشعر حكم ربّك في الحرم بين يديه فإنّ الميزان هنالك قد وضعت والجنّة قد أزلفت و الجحيم قد سعّرت و كلّ نفس بما كسبت قد أحكمت كلّ ذلك حكم من لدي ربّك أن أبشر في تلقاء الوجه بالوجه و لاتخف في مقعد الوصل عن الفضل فإنّ فضل الله أكبر عمّا كان النّاس يعلمون واعلم بأنّ أوّل من زار الحسين قد كان هو الله ربّه الّذي لا إله إلّا هو و في كلّ حين قد كان الأمر كما قد كان و ما كان لحكم الله في بعض من الشّأن تبديلا و إنّك يا أيّها الزّائر لدي الوجه تلقي بالوجه و لذلك قد نزل في كلام آل الله: "إنّ من زار الحسين عليه السّلام عارفا بحقّه كمن زار الله في عرشه" فأعظم قدرك و لاتحرم نصيبك في أيّام حياتك فإنّ نَفَسا في سبيل زيارته أو زيارة أبواب مولاك الحيّ لم يعدل ملك الآخرة و الأولي واعرف بأنّ سبل معرفة الذّات و زيارته مسدود و إنّه کما هو لن يعرفه شيء و لا له وصف في شيء سبحانه و تعالي عمّا يصفون قد خلق محمّدا و أوصيائه من ذروة الانشاء بأنفسهم من دون دليل سواهم و خلق الخلق من جمال عكوس جلالة فاطمة من غير تشبه عن جلالتها ما يحكي الخلق إلّا أنفسهم و ما تدلّ الاشارات من العباد إلّا إلي حقايقهم فكيف يعرف من كان في حدّ الحدوث و نعت الحدود ربّه الّذي لا إله إلّا هو خلوّ عن الأشباه و لايعلم كيف هو إلّا هو ما عرف محمّدا إلّا نفسه و ما وصف عليّا إلّا وجهه من قال هو هو فقد باين الأشياء من حكمه و من قال كيف هو فقد جعل الخلق مثاله سبحانه و تعالي لايعلم كيف هو إلّا هو دام الملك إلي مقامها وانتهي الابداع إلي شكلها السّبيل مسدود والطّلب مردود دليل الرّبّ آياته و وجود الخلق إثباته فإذا عرفت ما ألقيت إليك من حكم الأحمر سلّم باب إمامك الحيّ روحي فداه ثمّ فداه بما قد أحاط علم الله ثمّ فدا أبوابه واعلم أنّه نفس الّذي قد بلّغ حكم الله في حياته و رجع إلي وجه مولاه لعزّ فداه حبّا فدا إلي لقاء الله إذا أردت زيارته فاعرف حكم كلمة التّسبيح و ركنها ثمّ قف لدي رجل المرقد ساكنا موقّرا بإذن ربّك ثمّ كبّر الله أربعين مرّة ثمّ أشهد لله و لأحبّائه كما قد ألقي الله علي قلبك إنّه قويّ عزيز ثمّ قل:

"السّلام عليك يا باب الله السّلام عليك يا كلمة الله السّلام عليك يا نور الله السّلام عليك يا وجه الله أشهد أنّك باب الواسعة و كلمة ما أشبهه و شجرة ما أعدله قد بلّغت أمر الله و أتممت حكم الله فجزاك الله يا مولاي من لدن مواليك آل الأطهار كما هو أهله و مستحقّه إنّه لا إله إلّا هو العزيز الحميد وأشهد لديك يا مولاي بأنّك قد أظهرت كلمة العدل و بيّنت حكم شجرة الطّور و ما نزّل إليك من لدن مولاك القديم فصلّي الله عليك من ربّك الّذي لا إله إلّا هو العليّ الحميد فأشهد لی يا مولاي في مقامي هذا بأنّي قد آمنت بالله و آياته واتّبعت أنوار الذّي قد نزل من لدنك في ألواح حفيظ فاشهد لي يوم القيمة عند ربّك فإنّ لك مقام كريم وأشهد أنّ الّذين اجترحوا في أيّامك بردّ آياتك لن ينالوا بعلم الكتاب بحرف و أولئك في ضلال بعيد و سبحان الله ربّ السّموات و الأرض و ما بينهما عمّا يصفون و سلام علي المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.

" فإذا فرغت فارجع إلي منزلك واسترح علي مقعد عزّك ثمّ سلّم أخا الحسين علي مرقده بما قد ألقي الله علي قلبك واعرف قدرك ما كنت في تلك الأرض و لاتحرم نصيبك من فضل الله و راقب سرّك و علانيّتك ألّاتحتجب بشأن منها و رقّ أيّام عشرتک في سبل الطّعام و الشّراب فإنّ من فاز بلقاء وجه الله لغني عن ملاحظة الأغيار و لك حلّ قدر ما نزل في حكم الكتاب مثل ما فعلوا آل الأطهار ذلك حكم الله في كلّ حرم قدس من مصارع آل الله فافعل بما تؤمر واشكر بما تسئل واحفظ بما تدعو من ذكر الله فإنّ ذلك لهو الفوز العظيم.

و لقد فصّلت في صحيفة علم الحجّ سبل زيارة آل الله بإذن الله بالحقّ علي صراط عزيز حميد و لو شاءالله أن يظهرها فاتّبع حكم ما أنزل فيها فإنّه لهو الحقّ المبين و لقد علمتُ أنّ أكثر النّاس لن يستطيعوا أن يزوروا مولاك القديم علي هذا المسلك الوعر العظيم ولكنّ الله ربّك قد شاء أن ينزل الآيات من باطن اللّوح لمن أراد أن يذّكر و كان من السّاجدين ولكن لاتيأس من روح الله واتّكل علي الله ثمّ أسئل من فضله فإنّ الله ربّك لا إله إلّا هو يمنّ علي من يشاء كما يشاء و كان الله علي کل‌شی مقتدرا و لقد فرض الله في الكتاب أن يكتب آيات تلك الصّحيفة كلّ المؤمنين ليهتدوا بآياتنا و كانوا علي صراط قويم اَلا من صرف في سبيل الله ذرّة ممّا ملكت يديه بأن يكتب آيات الذّكر بالمداد الذّهب علي ورقات مذهّبة ليعطي الله ربّك له عشر أضعاف مثله و إنّ له في الآخرة أجر من لدنّا عظيم و إنّ الله قد فصّل آياته و تمّ حجّته من ذلك الكتاب بالحقّ ألا إنّ ذلك لهو الفوز العظيم و أنّه لا إله إلّا هو لقويّ عزيز و سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و لقد نزّلنا الصّحيفة بالحقّ لقوم يعدلون و الحمدلله ربّ العالمين.

توضیح : این اثر مبارک از سایت (آثار و نوشتجات بهائی) دانلود شده و با نسخ ذیل در حد توان مقابله شد

1. نسخه پرینستون
2. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی
3. نسخه کمبریج
4. نسخه اول در سایت بیانیک
5. نسخه دوم در سایت بیانیک
6. نسخه شخصی( الف )
7. نسخه شخصی ( د )

جهت استفاده قارئین گرامی متن کامل صحیفه اعمال سنه با توجه به نسخ دیگر ضمیمه این مجموعه گردید

**صحیفه اعمال سنه**

الباب الاول فی علم الکتاب

بسم الله الرحمن الرّحیم

الحمد لله الّذی نزّل الکتاب بالحقّ هدی و ذکری للخاشعین و انّه لکتاب قد فصّل فی حکم شهر الله فی القرآن هدی و رحمة من عندالله لقوم ساجدین و ان ذلک الکتاب حکم بقیة الله امام حقّ مبین هو الّذی بیده ملکوت کلّ­شئ و لایعزب من علمه بعض شیئ و انّ المؤمنین فی حکم الکتاب له عاملون قل اعملوا بما أنزل فی ذلک الکتاب فانّه لهو الحقّ من عندالله بمثل ما کنتم فی حکم القرآن لتنطقون و ان ذلک الکتاب ذکر من عندنا صراط الله فی السموات و الارض هذا کتاب مبین.

**السّورة الاوّلی فی الشهر الاوّل**

بسم الله الرحمن الرحیم

الم ذکر الله فی الشّهر الصّیام عن یمین زوال الشّمس لا اله الاّ هو قل ایّای فاعبدون کتب الله فی شهر رمضان حکم الصّوم و قدّر فی لیلة القدر حکم البدع هدی و بشری لقوم یعملون و انّ الله قد فرض حکم الصّوم بعد الصّمت لیعلم النّاس انّ ربّهم الرّحمن یعلم ما هم فی ایّام الله لیفعلون قل حرّم فی الکتاب قرب النّساء و الحکم بغیر العلم فی ایّام الصّوم و ما انتم فی دین الله لتحکمون بل الصّوم حکم لمن لم ینم قلبه من ذکرنا و انّ اولئک هم فی کتاب الله لصائمون و ان الّذین لم یؤمنوا بآیاتنا ما قدّر فی الکتاب لهم حکم و انّ اولئک هم الخاسرون قل انّ هذا حکم الله فی شهر رمضان الّذی نزل فیه القرآن و فصل فیه آیات البدع فهن قدّر من دون حکم ذرّ فی الکتاب فرض علیه بان یصوم ممّا استقام الحکم علیه فی ثلثین عدّة و لم یحل علیه من علم خط البیضاء الی افول ما بقی من غروب الشمس فی وجه السّماء علی حرف کذب فی آیاتنا و لا اقل من خردل اکل و لاحکم ما یدخل علی الصّدر و لا مایخرج منها و ما قد فصلنا فی الکتاب بالعدل تلک حدودالله فمن اعتدی بالعلم من امرالله فعلیه فرض فی کتاب الله عتق رقبة او ما نزل بعد العُسر اطعام ثلاثین مسکینا او صوم شهرین بالعدل و یوم قضاء ما کتب الله له ذلک حکم الله ان لم یفطر بالحرام و الاحکم ربّک کلمة الثلاث بما بیّن بقیة الله فی حکمه تلک حدود الله فلاتعتدوها لعلکم فی دین الله لتفلحون قل یا ایّها المؤمنون ان اتقوالله فی الشهر الصّیام و لاتقولوا فی شیئ الاّ الحق و انفقوا ممّا کتب الله لکم باللّیل و النّهار من دون ذکر و لا منّة و اذکروا الله کثیرا لعلکم ترحمون قل اقروُا من آیاتنا فی الشهر الحرام اقبلت افئدتکم فی وجه الله لانّ بها تثبت الولایة للذین جعلهم الله ائمة العدل و انّ اولئک لهم المقربون قل اتلوا کتاب الله فیکم و ما نزّلنا فی شان یوسف لعلکم تنزلون جنات عدن تبدع فیها ما اشتهت انفسکم بین یدی الله و ان الذّکر فیها اکبر عما کنتم تسئلون قل اقروا علی حکم ما نزل من عندالله و استقروا فی احرف آیاته و لاتقروا حرفا منها الاّ و انتم تعلمون و ما من نفس تلی ذلک الکتاب فی الشهر الحرام علی حکم ما نزل علی قلبه الاّ و یکتب اسمه فی صحف الابرار لمستتر و انّ ذلک لهو الفضل العظیم فی امّ الکتاب لمستقر اَلا یا ایّها الملأ من اهل العماء ان اتّبعوا حکم الله عن یمین النّار لا اله الاّ هو ایّای فاتقون اذا شهدوا شهرالله فاشهدوا بما شهدالله لنفسه و اولوالعلم من عباده ان لا اله الاّ هو العزیز الحکیم ثمّ اعملوا الصالحات بالسکینة من ربّکم فانّ خیر الحکم فی کتاب الله ذکر العدل لمسطور قوموا یا ایّها الملأ من مراقد قدسکم فی الاسحار سجّدا لله و انتم خاشعین و اذکروا لله کذکره نفسه و اقروا آیات احسن القصص فی ساعات اللّیل فان ذلک لهو الفوز الکبیر و لاتغفلوا من صلوة التطوع فی الشهر الحرام و لاتنسوا ذکرالحسین قبل حکم الله فی الفجر واذکروه کذکرالله نفسه فانّ ذلک لهو السرّ القدیم و لاترقدوا لیلة النّصف و لا اللیلتین من اختی القدر و لا لیلة الآخر من الشهر الاکبر واذکروا لله فیها بقرائه­ سورة الرّوح سبعین عده فان ذلک مقام المحمود فی امّ الکتاب لمستسر واتّعوا حکم الوحی فی ساعة القدر و صلوا علی کلمات الفضل فی لیلة النصف و اختیها فانّ ذلک لهوالفضل القدیم ثمّ اقروا لیلة القدر آیات ما نزّلنا فی الرّوم و بعدها و خذوا نصیبکم فیها من حکم الکتاب فان فضل الله اکبر عمّا کان النّاس یعملون قل افطروا بالرّطب الجنی ذکرا فی کتاب الله واستعملوا العطر فی کلّ حین حکما من الله لقوم یتفکرون و انّ یوم النّصف هذا من الشهر قد ولد الحسن ابن علی ان اشکروا لله ربّکم الرّحمن لامره فانّه لعزیز شکور و انّ یوم الاحدی بعد العشرین من هذا الشهر قد شهد علیّ علی الارض الکوفة ان اذکروا لله لامره فی آناء اللّیل و اطراف النّهار ذکرا کثیرا قل اتبعوا احکام الدین مما نزلنا فی الکتاب من قبل فانّ الّذین یتعدون من حکم الله لن یجدوا یوم القیمة فی اعمالهم عدل اولئک هم اصحاب الحجیم قل ان اکبر کل الاعمال فی الشهر الحرام ذکر الحسین علیه السلام بما نزل فی الکتاب من قبل والله عزیز حمید قل اغتسلوا فی ساعات الوتر و مانزّل فی القدر و بعدها ذکرا من الله لقوم یعملون قل انّ فضل الله و حکمه فی الشهر الحرام ینزل للّذین یؤمنون بآیات البدع والله علیم حکیم و اذکر الله ربّک فی الحین علی کلمة البدع و قل ان الحمد لله ربّ العالمین واقروا آیات الله فی الصحیفة لتکونن من الفائزین لمسطور ثمّ اتلوا

**هذا الدعاء فی کل یوم و بعد کل صلوة** لتکونن من الذّاکرین لمکتوب

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللهمّ انت المعبود لا شریک لک قد عرّفتنی نفسک و الهمتنی ذکرک و دعوتنی الی وجهک و لولا انت ما کنت شیا حتیّ اعبدک فاسئلک اللّهمّ بجودک فی هذا الشّهر الحرام بما تحبّ لاهل محبّتک الّذین قد ابدعتهم لامرک و اخترعتهم لطاعتک واصطفیتهم لمحبّتک واجتبیتهم لمعرفتک و جعلتهم فی کلّ شان مقام عزّتک و مظهر قدرتک لئلا یفوت من شیئ شیئ عن مقام اجابتک و شهد کلّ­شئ من خلق کلّ­شئ آیات عظمتک حتی لایحجب عن احد ظهور تجلّیک فی شان و یراک ظاهرا موجودا فی کل شأن لا اله الاّ انت العزیز الحکیم و اشهد لدیک فی ذلک المقام بما تنزّل فی القرآن من احکام ربوبیتک و آیات قدرتک و ما انت تبدع من بعد فی شأن اهل ولایتک الّذین قد جعلتهم ارکان توحیدک و آیات تقدیسک کما انت تعلم لاسواک و کما انت تحبّ لا دونک انّک انت العلی الجواد یا الهی فکیف اعترف بما اکتسبت نفسی لدیک فی احکام محبّتک و آیات معرفتک بعد ما لا اعلم شیئ منها کما انت تعلم جریرتها فان عملت خیرا لاریب انه خطاءٌ لنسبتِه الی نفسی و ان عملت شرّا فآه­آه بعد حکم کتابک و نهی اهل ولایتک اجتریت علیک فسبحانک یا ذا العفو و الرحمه ان تحکم لی بما کنت اهله لم یبق شیئ الاّ و یهلَکُ فی الحین فسبحانک سبحانک فمن یوم الّذی خلقتنی الی الان قد تجلیت لی فی کل اقلّ من لمحة ما قد احاط علمک بظهور تجلیک مثل یوم الّذی لم اک شیئا و الی دوام نفسک قد ایقنت بذلک الفضل منک و هذه کلمة لایشابهها شیئ و لایعادلها فضل فلمّا نزلت تلک الظهور احتجبت عن وجهک بما قد اشرت الیها فآه­آه کل الان قد نزل من عندک کل­خیر قد احاط علمک الی کل‌شی و لایستشعر به احد الاّ الّذین قد اردت الحکم لهم و لایعمل بحکمه نفس الاّ الّذین قد نزّلت الامر فی شانهم بل من سوء حالی و جریرات اعمالی لما نزل الامر فی نفسی فمنک خیر و فضل ولکن غیّر بسؤ مقامی حتی ارتفع الحکم منه و یجر الحکم بمثل نفسی فآه­آه ایّ ذنب اعظم منه و ای خطاء اکبر عنه فلم ادر کیف یسکن القلبُ لدیک و انّ سکونها ذنب لایساویها ذنب فیا الهی کلّ الطرّقِ بغیر اذنک مردودة و کل السّبل بغیر رضاک مسدودة ان استشفعت بالخلق فقد کنت مشرکا و ان التجأتُ بدونک فقد کنت هالکا فآه­آه ما لی السّبیل و لا اجد المقام للدّلیل و انک یا الهی ربّ جلیل غنی الّذی لایتعاظمک شیئ فی السّموات و لا فی الارض و انّک علی کلّ­شیئ قدیر فیا الهی لما کان فی مقالتی اجتراح عظیم لایستقرّ فوادی الاّ ارتکبت باجتراح اعظم و کلمه اکبر فمن قبل الذّکر یا ذی الجود عفوّک و من قبل البیان یا ذی العفو سترک فانک عذابی یا الهی فی منتهی املی و ما هی الاّ فتنتک فلولم یکن خوفی عن بعد قربک فمن یقدر ان یحزننی و یبکینی تلقاء وجهک فسبحانک انت النّار یا الهی بسرّی و علانیتی فلولا خوفی عن حجاب وجهک لعظمة نفسک فمن یقدر ان یحول بینی و بینک فکل الشّدائد یا الهی منک فلولا انت لم ترید فلم یقدر ان یذلّنی عن بعد حلمک فسبحانک سبحانک اقول و لا اخاف من احد الاّ منک لک وحدک لا شریک فکل ما شهدت بموارد الخوف لم ار الاّ من عینک فآه­آه انّ مقالتی هذا تشهد مقاله عبدة الاوثان لان من العبد لم یجری مثل تلک الحکم ولکنّک یا الهی تعلم سرّی و علانیتی لما قد طلاطم ابحر الحزن و الفراق بین یدیک یرشح محبتک قد خرج من یدی حبل سکینة نفسی و بذلک یا الهی تغرق فی الماء و تخرج ثمّ تغرق فی الماء و تنطق ثمّ تغرق فی الماء و تعزک فانت یا الهی منتهی مطلبی و قراری و انّک یا الهی نعمتی و رجائی و انک یا مولائی منتهی مقصدی و منای و اشهد انّ کلّ ذلک سیئة منّی لایعرف احد حدّها الاّ انت وحدک لاشریک لک و ان قولی انت انت ذنب علی ذنب و انّ مقالتی نسبة النّار الیک ذنب اعظم من الذّنب ولکن کلتیهما لدیک مردودة بمثل نفسی و راجعة حکمها الی سرّی و انّ لدیک النّور کالظّلمة و انّ کلمة النّار مثل القرار و حکم الاقبال مثل الادبار لمشهود و لو کان اهل المحبه من اجتراحاتی بین یدیک یتلذّذون اکثر من مقالات عدلی الیک ولکن الحکم لما کان منک لن یتخلف و انّ الامر لما کان من حلمک علی قدر المعلوم ینزل لن یبدّل فآه­آه من کل ما قلت و احصیت و من کل ما یظهر منّی ما قد احاط علمک فمن کل ذلک استغفرک و اهرب منک و اتوب الیک انک انت الجواد الکریم اللّهمّ انّی اسئلک فی هذا الیوم من الشّهر الحرام ان تلاحظنی بنظره عزّتک و تنادینی بنداء عظمتک حتّی ادخل بحر محبتک و اعمل بین یدیک بنداء سرّک جهرا کما تحب و ترضی و امددنی یا الهی فی هذه الساعة بالانقطاع الیک حتّی یمحوا کل‌شی عنی و تستقرّ نفسی تلقاء وحدانیتک من غیر اشارة الی غیرک انّک قدیر عظیم و اسئلک اللّهمّ یا الهی ان تصلی بما انت اهله و تسلم بما انت تستحق به علی محمد و آله و اهل طاعتهم انک حمید مجید و اسئلک اللهم یا الهی ان تکتب لابویّ و لمن اتبع آیاتک بالعدل کل الخیر ما احاط علمک و العصمة من کلّ سوءٍ ما یحصی کتابک انّک انت الله لا اله لا اله الاّ انت لایتعاظمک شیئ و انت علی کلّشیئ محیط و عن العالمین غنیّ حمید فسبحانک یا الهی لاحول و لا قوّة الا بک استغفرک و اتوجه بک بما نزل فی القرآن لاهل محبّتک بان آخر دعویهم کلمة الحقّ من عندک ان الحمدلله ربّ العالمین

ثمّ قل اتلوا هذا الدّعاء فی ثلثی اللّیل او فی ذکر آخرها ذکرا من الله لانفسکم ان کنتم تعقلون و انّه لدعاء ما نزل بمثله و لم یقرأ آیاته احد بالعدل الاّ و قد استحق فضل ربّک فی یوم قریب.

**السورة الثانیة فی اول الشهر الحج**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم حکم الله فی لیلة الفطر لا اله الاّ هو قل ایّاه فاسجدون و ان فی مثل تلک اللّیلة فلیعبد الخاشعون بارئهم خوفا من یوم کل الی الله یحشرون و انه لیوم القیمه لاریب فیه قل انتم و ما عملتم فی سبیل الله یومئذ الی الله لیبعثون و انه لا اله الاّ هو یجزی الکلّ بما کسبت و ما کان الله لیظلم نفسا من بعض خردل والله غنیّ حمید قل انّ حکم هذه اللّیلة مثل قدر فی کتاب الله ان اعبدوا لله ربکم برکعتین من الصّلوة و وحده فی الرّکعة الاولی بحکم علی الف عدّة و فی الثانیة عدّة وحده لعلکم ترحمون قل استغفروا ربّکم بعد الختم ماة عده ثمّ سلموا بین یدی الله تلقاء مرقد الحسین علیه السلام بما قد شهدالله لنفسه انّه لا اله الاّ هو العریز حمید قل افطروا یوم العید ببعض خردل من طین ارض المقدّسة و اغتسلوا بحکم الله فی اللّیل و اوّل النهار لتکونن من الفائزین لمکتوب قل یا ایّها المؤمنون صلّوا یوم العید فرضا فی کتاب الله لمن فرض الله حکمه و لاتعرضوا من حکم الله فتنقلبوا الی انفسکم خاسرین و انّها الصلوة قد قرء محمد رسول الله صلّی الله علیه و آله فیها خمس قنوت فی الرّکعة الاولی و اربعه عدّة فی الثانیة ذکرا من الله لقوم یعملون قل اقروا هذه الدّعاء لدی بسط الیدین لتکونن من الذّاکرین لمکتوب.

**الدعاء**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

یا الهی انّ لک الجلال و البهاء و منک قد نزل کلمة العظمة و السناء لا اله الاّ انت اشهدک بما تشهد لنفسک قبل کل‌شی لا اله الاّ انت واشهد لمحمّد کما قد شئت لنفسه و خلقت الخلق لحکمه لا اله الاّ انت واشهد لاوصیاء محمد حبیبک کلمه العدل من نفسک لا اله الا انت واشهد لکلّ حق قد آمن بهم و بسرّهم ما قد احاط علمک کلمة العفو من نفسک لا اله الاّ انت وحدک لا شریک لک اللّهمّ انّ یومک و المقام مقامک و انّی اقلّ ذرّة من عبیدک سائل ببابک و لائذ بجنابک فاکتب لی بجودک کل الخیر ما تحبّ لنفسک واغفر لی و لابویّ و لاهل محبتک ما انت اهله و مستحقه انّک اذا اردت بشیئ فقبل ان تقول له کن لدیک لموجود فسبحانک اللّهمّ و بحمدک اعترفت بحقّک ان لا اله الاّ انت و لا اذکر لدیک الاّ بما تصف لی نفسک و انّک علی کل‌شی شهید و بما تشاء کما تشاء قدیر و الحمد لله رب العالمین.

و اذا فرغت عن الصلّوة سبّح ربّک بعدة معدودة لتکونن فی العالمین لمسطور واقرء دعاء ما نزّلنا فی الصّحیفة و ما نزّل فی صحف القبل فانّ حکم الله فی کل آن لمشهود و قل یا ایّها الملأ زکوا انفسکم و ما قد جعل الله حکمه بایدیکم فی یوم الفطر قبل الزوال بتسعة ارطال مما رزقکم الله من فضله لتکونن من المؤمنین فی ام الکتاب لمسطور قل ان احبّ ما قدر الله لکم فی ذلک الحکم ثمرة النّخل ان اتّبعوا امرالله لعلکم ترثون ممّا قد اعدّ الله لکم فی الرّضوان و انّه لا اله الاّ هو لغنی عزیز قل انّی احبّ ان انفق فی سبیل الله فی ذلک الفرض سکّر المکرر و کذلک قد کان حکم الله فی امّ الکتاب مقضیا قل اذکروا الله فی لیلة النصف من هذا الشهر فانّ فیها ساعة یتنزّل الامر من عندنا علی حکم مستتر ان اسمعوا یا ایّها الملأ من اهل العماء نداء الورقة علی السّیناء فی آناء یوم العید من کلمة العدل لا اله الاّ هو قل ایّاه فاذکرون ما من نفس قد قرء فی ذلک الیوم سورة الزّوال الاّ و قدّ کتب اسمه فی صحف المقرّبین لمستتر و لقد نزّلنا تلک الآیات للّذین یدخلون الجنّة بالباب ثمّ یقولون علی کلمة الرّحمن ان الحمدلله ربّ العالمین.

**السّورة الثالثة فی اول شهرالحرام**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله فی الورقة الخضراء عن یمین بحر الاحمر لا اله الاّ هو قل ایّای فارهبون انّا نحن قد نزّلنا الرّوح فی الشهر الحرام للّذین یصومون الله ربّهم الرّحمن الّذی لا اله الاّ هو العزیز الحمید ان اتبع ما اوحی الیک من کتاب البدع فانه لهو الحقّ مثل ماکان النّاس فی علم الله لیوقنون و لقد حرم فی الکتاب حکم القتال فی اشهر الحج الاّ لمن اعرض من ذلک الحکم عن کتاب ربّه فحینئذ حلّ للمؤمنین علی حکم القرآن لمفروض قل یا ایّها الملأ ان اتقو الله وافعلوا الخیر بالعدل فی اشهر البدع لتکوننّ من الساجدین لمکتوب و انّ هذا الشّهر فی حکم الکتاب اسم الحسن فی لوح الحفیظ لمسطور قل یا ایها الملا ان ذکروه کذکرالله انفسکم فان الحکم والاسم لدی ذکره عندالله لمقطوع ان اتلوا هذا الدّعاء فی کل یوم بعد الزّوال لعلکم ترثون الفردوس من حکم الله خالدا ابدا الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله لنفسه بما هو اهله لا اله الاّ هو العزیز الحکیم واشهد لمحمّد رسول الله صلی الله علیه و آله بما قد شهد الله لنفسه بذاته ان لا اله الاّ هو الغنیّ الحمید و اللّهمّ انی اسئلک بالورقة المصفرة المنبتة من شجرة البیضا ان تصلّی علی جحتک ابن حجتک الحسن ابن علی علیهما السلام شئوناتک البدیعة الّتی لایعلمها احد سواک انک انت الجواد القدیم اشهد لدیک یا الهی بانه نور من نفسک و آیة من قدرتک و مرآه لوجهک الّذی قد تجلیت له بعزّ ازلیتک طهرا عن الاشارة و الاشباه و لایحیط بعلمه اهل من الخلق اذ انّه لایدلّ فی شان الاّ عن نفسک و لایحکی فی مرآه الاّ عن وجهک و لایعرفه احد من الخلق کما انت ابدعته لنفسک و جعلته مقام عزّتک لا اله الاّ انت فاسئلک اللّهم یا الهی ان تسلّم علیه و علی جدّة و آبائه و امّه و اخاه و علی التسعة المقدّسة احرف التّوحید ائمة العدل الّذین یعملون بامرک و یحکمون من خشیتک کما انت اهله و مستحقه انّک ولیّ حمید و اسئلک اللّهمّ یا الهی ان تصلّی علی شیعتهم کما هو یستحقون لدیک انّک انت العزیز الجواد لایتعاظمک شیئ فی السموات و لا فی الارض و انت علی کل‌شی قدیر و عن العالمین غنی حمید و لاحول و لا قوّة الاّ بک و الحمد لله ربّ العالمین.

و انّ فی یوم الخامس بعد العشرین من هذا الشّهر قد رحی الکعبة باذن الله فاذکروا لله فی ذلک الیوم بذکر الحسین ذکرا طویلا و انّ فی یوم الآخر من هذا الشّهر الحرام قد قبض محمد الجواد بایدی ربّه و انّه لا اله الاّ هو لعزیز حلیم ان اذکروا الله بذکره فی ذلک الیوم فانّ حکم الله فیه مثل عشر المحرّم فی امّ الکتاب لمسطور واتلوا هذا الدّعاء فی ذلک الیوم لتکونّن من الفائزین لمشهود.

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللّهمّ انت الحیّ لا اله الاّ انت قد خلقت الخلق بامرک و احتمت الموت لعبادک لتجزی فی النّشاة الاخری لکلّ مما عملت ایدیهم فی سبیلک و احببت اهل الولایه فی حکم الموت بایدی نفسک کما قد نزلت فی کتابک المحکم علی محمد رسول الله و خاتم النبیین باسم نفسک انک تتوفی الانفس حین موتها فاشهد انّ فی ذلک الیوم قد ارفعت الحجاب عن وجه حجتک ابن حجّتک محمدّ ابن علی علیهما السّلام واتصلته الی مقام الّذی قد قدّرت له فی عالم القدس اللّهمّ به قد خلقت الخلق و به قد حتمت الرّجع و اشهد انّه فی کلّ شان قد کان علی غایة الاعتدال و لولا اجترح قاتله بامره و ما نزل القضاء من حکمه لن یتبدّل جسمه حتی اتصلت بها الی مقام الجنّة فآه­آه من قتل اهل ولایتک و لولا اهل الشرک یجترحون علیهم لن یتغیروا من قدیم الامر الی ما یزمن من الاحداث واشهد انّهم بعد القتل کمثل ما قبلهم احیاء عندک یعملون بامرک و یحکمون بحکمک و لایأخذهم حد و لا سنة مغیره فسلم اللّهمّ علیهم کما یستحقون و عذّب اللّهم اعدائهم کما یعملون وانزل علی مرقد من ارفعنه فی ذلک الیوم الیک ما انت تستحق به من العطاء انّک منّان ذو الجود و انّک علی کل‌شی قدیر و لا حول و لا قوّة الاّ بامرک و اقول من حکم الکتاب انّا لله و ان الحمد لله رب العالمین.

**سّورة الرّابعة فی الشهر الحجّ**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله للورقة الحمراء عن یمین بحر الاخضر لا اله الاّ انا قل ایّای فاسجدون الا یا ایّها الملأ ان اتبعوا حکم الله فی الحج فانّه فرض لمن استطاع من سبیل البرّ الی البیت سبیلا ان احرموا لله بثوبین بیض من ارض التی قد ذکرها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لکل طائفة منکم حکما للعمرة المتمته الی الحج لعلکم ترحمون و انّ حکم الله للرّجال السرّ من حول النقطه ثم للرجال المستسر حول الالف ثمّ للرّجال المقنع حول الباء ثم للرجال الاعراف حول الهاء فی ام الکتاب لمسطور و کذلک حکم الله للنساء فی حین الاحرام و من یتعدّ حدود الله لن یستطیع یوم القیمة بحکم و اولئک هم الخاسرون و لقد فصلنا حکم ماحرّم فی الاحرام و ما نزّلنا من عندالله فی حکم الطّواف و ما فصل فی حکم السعی بین الصّفاء و المروة و ما قدّر بعده فی کتاب لبحر لو شاءالله لیظهره و الله علیم حکیم و کذلک قد فصّلنا فیه حکم الحج و ما قدّر فی العرفات و المشعر و المنی علی شأن الّذی لم یذکره احد من قبل ذلک و الله خبیر علیم انّ هذا الشّهر فی حکم الکتاب اسم الحسین علیه السلام ان اشهدوا لله فی یوم التاسع منها تلقاء المرقد بذکره لتکونّن فوق العرش من زائر الرّبّ مشهودا و ما اری لذلک حدّ فی کتاب الله و انّ عدة الحج لدیه فی ذلک الشّأن لمسدود فیا ایّها الملأ ان اتبعوا حکم الله فی تسعة صوم یوم من اوّل الشهر و یوم الثامن بعد عشرالثّانی عیدالاکبر و یوم الرّابع من العشر الثالث الی یوم السابع لتکونن من العابدین بین یدی الله لمشهود ان اتلوا ما نزّلنا فی الصّحیفة من قبل یوم العرفة و قبله و یوم الثامن بعد عشرالثانی عیدالغدیر و بعده فان ذلک فضل الله فی الکتاب و انّه لا اله الاّ هو لعزیز حمید واشهدوا کلمة الحزن من یوم السّابع من العشر الاوّل فانّ یومئذ قد غیب بعد الموت جسد محمد ابن علیّ الاوّل فی ارض المدینة و انّ ذلک یوم لدی الله بمثل یوم عشرالمحرم لعزیز عظیم واتبعوا حکم الله فی صلوة الغدیر و یوم الرّابع بعد العشرین بمثله قبل الزّوال فانه لصلوة قدیم و انّه لرکعتین صلوة حق قد قرء آل الله سلام الله علیهم فیهما بعد کلمة الاوّل سورة التّوحید و آیة الکرسی الی حرف النّون و سورة القدر کل واحد منها عشرة عدّة حکم من الله لقوم یعملون قل یا ایّها الملأ من اهل الفردوس ان ادخلوا الباب بتلک الصّلوة فانّه لخیر ذکر عظیم تعدل فی کتاب الله حکم حج البیت من دون عدّة مکتوبة ماة الف حج و مثل ذلک فی حکم العمرة فضلا من الله للخاضعین جمیعا وانفقوا فی سبیل الله یوم الغدیر ما قد رضیت افئدتکم فی سبیل الله فانّ جزائه من حکم الحدّ لممنوع قل اقروا الی یوم العاشر هذا الدّعاء لتکونن من السّاجدین لمکتوب.

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله انّه لا اله الاّ هو لن یحیط بعلمه الاّ هی سبحانه و تعالی عمّا یصفون اللّهمّ انّ الشهر شهرک والایام ایامک اسئلک بمن قد اظهرت حکمه فی هذا الشهر و جعلت فضله لذکر شانه ان تسلّم علی علی امیرالمؤمنین ولیّک القائم بامرک و المنتجب لسرّک الّذی قد اقمته مقام حبیبک فی کلّ شان و خلقت الخلق لیومه فی هذا الشّهر المکرّم کما انت اهله انک انت الله لا اله الاّ انت من دون عدّة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون ذکر مجده و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون هندسة بدیعة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون اسم قدیمة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون نعت متشابه و انّک انت الله لا اله الا انت من دون وصف مخترعة و انّک انت الله لا اله الا انت من دون آیة مبتدعة و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون مثال محدثه و انک انت الله لا اله الا انت من دون شبه فی الذّکر یحبّه و انک انت الله لا اله انت من دون امر یحدّه و انّک انت الله لا اله الاّ انت من دون شأن یقدّره سواک لا اله الاّ انت اسئلک ان تصلّی علی محمّد رسولک خاتم النبیین بافضل ما قد احاط علمک و یحصی کتابک و علی ائمة العدل بمثل ما قدرت له انک ولیّ حمید اشهد لدیک بانّ اسمائهم قد اشتقت من اسماء نفسک و انّهم علی و فاطمة والحسن و الحسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و الحسن و الخلف المنتظر صلواة الله علیهم محالّ محبتک و ارکان توحیدک و آیات عظمتک و علامات عزّتک الّذین بهم کلّ الخلق فی کلّ شان لیعدلون و اسئلک اللهم بجودک ان تنزّل علی شیعتهم ما کتبت من جودک لنفسک انّک انت الله لا اله الاّ انت العزیز القدیم

قل اتّبعوا حکم الله فی یوم العید بما نزلنا من قبل لتکوننّ من الفائزین لمسطور و لمن قدّر علی ارض المنی فرض علیه حکم الهدی و لدونه سنه الله قد قضی بالعدل و کان الحکم فی ام الکتاب مقتضا ان اتلوا کتاب البدع فی ساعات هذا الشّهر لتکونّن من المجاهدین فی کتاب الله لمکتوب واقروا هذا الدعاء

**فی یوم العرفة و یوم قبله و بعده و یوم الغدیر و کل جمعة و یوم البدع و الرّابع بعد العشرین من هذا الشهر** بالغسل فانّ فیه اسم الله العظیم لمستور

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللّهمّ انت السلطان بلا ضدّ و انت المقتدر بلا ندّ قد ابدعت الخلق بحرف من الابداع لا من شیئ و جعلت فی حقائق کل‌شی ذکرا من نفسک لا من شبه فاشهد لدیک بتلک الآیات القدیمة فی ذلک الیوم العظیم بما قد شهد ذاتیتک لنفسه قبل کل‌شی لا اله الاّ هو و لایعلم احد کیف هو الاّ هو یا الهی اشهد ان ذاتیتک مقطعة الوصف عن البیان و انّ کینونیّتک مسدّدة النّعت عن الاستدلال و انّک یا الهی کما انت لن تعرف الاّ بنفسک و لن توصف الاّ بوجهک و انّ منتهی مقام الخلق قد تزوّتت من نقطة الفصل و انّ اعلی جواهر العباد قد تجلجلت من نقطة الیاس لن یدّل المثل فی حقائق الممکنات الاّ بالمنع و لاتستدّل الهندسة فی ذاتیات الخلق الاّ من مقام القطع فسبحانک یا الهی من عمل الخلق و کل ما هم علیه من الامر لانّهم لایعرفون الاّ حظ انفسهم و لایشهدون الاّ بما قد جعلت فی حقایقهم فسبحانک من اراد توحیدک فقد احتجب بنفسه و لذا قد مدّدته القضاء من عندک لیحتمل کلمة الشرک فی صقعه و من اراد الوصف لنفسک فقد ادّعی الضدّ لذاتک لانّ الوصف لدی الاشارة مردود الی نفسه فسبحانک کلّ الخیر منک و لک وحدک لا شریک لک و ما ینسب الی الخلق و یظهر منهم آیات ملکک لا اله الاّ انت فسبحانک یا الهی لا احصی ثناء علیک و لا احبّ ذکر الشیئ الاّ لوجهک فکیف اذکر حالی لدیک بما قد احاط علمک دون ما لا اعلم نفسی شیئا منها فاشهد یا الهی بانّ من ذکری توحیدک قد اکتسبت سئة لو تعذبنی بکل قدرتک جزاء ذلک العمل سرمدا الابد بدوام ذاتک لکنت مستحقّا به و لایعدل ذنبی فآه آه من جریرات الکبری و المصیبات العظمی عما ارتکتب فی تلقاء وجهک من دون اذن من حکمک فها انا ذا فی مقامی لدیک استغفرک و اتوب الیک واعترف بان استغفاری من الذّنب ذنب یحتاج الی کلمة الاخری و هی لانفادلها الاّ العجز منی و العفو منک سبیله لا اله الاّ انت فاسئلک اللّهمّ بجودک ان تصلی علی محمّد و آل محمّد بما قد احاط علمک و احصی کتابک انّک انت الجواد ذو المنّ لایتعاظمک شئ فی السموات و لا فی الارض و انّک علی کل‌شی قدیر و بما تشاء سریع قریب اللّهمّ انّ الیوم یومک و المقام مقامک فاسئلک اللّهم بحقّک الذی لایعلمه احد سواک ان تصلّی علی ولیک القائم بامرک و الرّاضی بحکمک و الدّاعی الی نفسک حجّتک ابن حجتک الّذی قد اخترته لنفسک و اجتبیته لمحبتک و اصطفیته لولایتک و جعلته مقام نفسک فی المعروفیة و العطاء اذ انت لم تزل لم تقترن بجعل الاشیاء و لاتتغیّر فی شان بالعطاء و انّک انت العزیز المتعال اشهد انّ مشیته فی کل‌شی ذات مشیتک و ارادته علی کل قضاء حکم الامضاء منک لم تغیرة الازمنة و الدّهور لعزّ جلاله و لاینال الی قدس معرفته احد من الخلق لعلوّ بهائه و لایغرب من علمه شیئ فی السّموات و لا فی الارض و ما من شیئ الا بحکمه و الیه یرجع حکم الخلق و الامر باذنک انت الله لا اله الاّ انت الغنی القدیم اللّهمّ سلّم علیه فی کلّ شان بما انت اهله و مستحقه واحفظ اللّهم غیبته وانجز ما وعدت له انّک بکلّشیئ محیط و علی ما تشاء قدیر و اسئلک اللّهمّ بجودک ان تصلی علی عبده الّذی قد ارسله الی الخلق بالآیات البیّنات و بیّن سبیل معرفته فی آیات المحکمات و اشهد انّه قد بلغ ما حمل من حکمه و انّک علی کل‌شی شهید و لاحول و لاقوّة الاّ بالله العلیّ العظیم و الحمد لله رب العالمین.

**السورة الخامسة فی الشهر المحرم**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکر الله للورقة الحمراء عن شمائل بحر الاخضر لا اله الاّ هو قل ایّای فاشهدون و ان فی یوم الاول من هذا الشهر من سنة خمس و ثلاثین و ماتین بعد الالف قد ولد الذّکر علی الارض اللمقدّسة و ینادی الحق فی الحین ان الملک لی و انّی انا العلیّ الکبیر فما من عبد قد صلّی فی ذلک الیوم لذکری برکعتین علی عدّة اربعة عشرة سورة التوحید و رکعتین علی سورة الذّکر و الزّوال الاّ و قد فرض علیه حکم الفردوس و انّ الله ربک لایخلف المیعاد قل صوموا ذلک الیوم شکرا لوحیه انّه لا اله الاّ هو العزیز القدیم و اذا طلع الشهر فلبسوا علی هیکل الاحدیة فی انفسکم و ما قد جعل الله فی حکمها رداء السوداء و لاتغفلوا اقلّ من لمحه عن ذکر الحسین فانّه لامام عدل قتیل و لو تعلموا فضل ما قدّرالله فی بکائه لن تختاروا لانفسکم الاّ ذکره انیبوا الی الله بالعدل لعلکم تشهدون و اعلموا بانّ بعضا من العمل فی ذلک الیوم لاینفعکم الا بعد طاعتنا فی ذلک الباب ان اتقوالله و لاتتبعوا اهواء انفسکم لعلکم تشکرون و ما من نفس قد عمل کل الخیر ثم یکفر بحرف من آیاتنا الا و نحشره یوم القیمة بین ایدینا فی تابوت من حدید فیومئذ لایستطیعنّ بشیئ من الحکم و کل الی الله یبعثون و اذا ورد علیکم یوم العاشر خذوا حظکم من نصیب الکتاب وابکوا لوجه الله ما استعطعتم فانه قد قتل فی مثل ذلک الیوم عطشانا فریدا عذّب الله الّذین حاربوا بالحسین هم فی یوم الحق و الّذین قد رضوا بفعالهم قد کانوا فی الحکم بمثلهم و ان اولئک لهم الکافرون و لاتقربوا الکلام و لا الدخان و لا الاشارات فی معقد ذکره فان کل ذلک سیئة فی کتاب الله و الله عزیز حمید و انّ الله قد حرّم ذکره فی صور المثل ان اتّقوا الله و لاتنسبوا الی انفسکم اسماء العدل و اهل الحرم فانّ من تشبة بالحسین لذکره فقد احتمل حجة الولایة لله ان اعرضوا یا ایّها الملأ من خطوات الشیطان فانّ الله قد حرّم فی الکتاب اعمالکم و انتم بآیات الله لاتعملون ان اقروا فی مساکن ذکره آیات البدع و ما نزل فی الآیات من اسمائنا لتکونن من الفائزین عندالله مشهودا و انّا نحن ما نحبّ فی ایّام الذّکر حرف الشعر ان اقروا آیات الله بالعدل و ما نزل فی الاخبار بالحق فانّ ذلک لهو الفوز الکبیر واقروا کتاب البدع فی یوم الخامس بعد العشرین من هذا الشهر المجلّل فانّ فی ذلک الیوم قد قبض علی ابن الحسین فی المدینة و انّه لیوم بکاء عظیم و لاتقربوا الاشاره یوم عاشورا فانه لدینا لذنب عظیم و سلّم علی الحسین **فی یوم عاشورا و لیله** بهذه الآیات لتکونّن من اهل الحضور لمسطور

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله لعبده بشهادة نفسه ان لا اله الاّ هو الحیّ القدیم اللّهمّ انت السّلام و منک السّلام و الیک السّلام وحدک لاشریک لک اشهد ان الیوم هذا یومک و المقام هذا مقامک و الشهید فیه حجتک ابن حجتک و انت یا الهی قد دعوت لما قد وعدت بالحقّ لاهل اجابتک عن زیارة نفسه بنفسک و عن محضر عرشه بقدس عزتک و عن ذکر ذلته بذکر عزّتک و عن مقام مقهوریته بمقام قوتک و عن مصرعه بمقام رحمانیّتک انّک ذو الجود العظیم اشهد انّه و اِن قتل بین ایدیک ولکن حیّ لدیک و لایعجز فی قدرته شیئ و لایعزب من علمه شیئ و لاتغیره الدّهور و الازمنة لانّه من نور ذاتک قد خلقته و لازوال له سرمدا ابدا فجلت مصیبته یا الهی لدیک و عظمته بلائه یا الهی عندک و انت تعلم حقّه لاسواک و انّک قد عرفت بلائه لادونک فسلّم اللّهمّ واجزه من رضاک کما انت اهله وانزل الرحمة بجودک علی الّذین قد قتلوا بین یدیه فی ذلک الیوم کما انت تستحق به فانّ اولئک لهم الفائزون المقرّبون واکتب رحمتک للّذین یعملون فی سبیل نفسک و یتّبعون انفسهم فی سبیل ذاتک و یبکون فی ایّام العدل لوجهک کل الخیر ما قد احاط علمک فانک جواد ذو المن لاتامره بحکم الاّ و تخلق قبل ذکره جزائه فی الفردوس لمن اتبّعه و کان من الساجدین السلام علیک یا اباعبدالله و رحمة الله و برکاته اشهد یا مولائی لدیک بانک و ان قتلت لم تمت بل بحیاتک حیّ وجود افئدة الخلق و بجود ثارک یقبل الله شهادة المتوحدین واشهد انّک نورالله الّذی لایخفی و امرالله الّذی لایقهر و سرّ الله الّذی لایعرف و اسم الله الّذی لایوصف قد علت ذاتیتک عن الوصف و جلّت کینونیتک عن النّعت و لایعرف احد کیف انت الاّ الله الّذی خلقک و تلی بذکر ثارک الی نفسه لا اله الاّ هو واشهد انک حین قطع الرّأس متّصل بنورالله ربّک و حین وحدتک علی الارض کلّ الموجودات خاضعة لدیک و خاشعة لوجهک و منصعقة لمصیبتک لاذلیل نفسک والله فی کل شأن معزّک و لا انت مغلوب فی شان الاّ و کان الله ناصرک انت القتیل بلا مثل و انت الفرید بلا شبهه فصلی الله علیک یا حجة الله کما هو اهله انّه عزیز حمید اشهد لدیک بانّ من ثارک قد تغیّر حکم احرف الاحدیة فی اجمة اللاّهوت و تبدل حکم کلمه التّسبیح باحرف التکبیر فی ارض الجبروت و ما من شیئ الاّ و قد سبّح الله بذکرک و یبکی فی کل‌شی لوجهک الله یعلم یا مولائی مصیبتک و کبر بلائک و انّ ما سواک فی حکم الشهادة و الالم کتوحید النّملة لدیک فسبحان الله الاحد الفرد الحیّ القیّوم الّذی لایعلم احد کیف هو الا هو اللّهمّ انّی اشکو ابثی و حزنی فی ذلک الیوم الیک فاسئلک اللّهمّ بجودک ان تدخلنی فی باب حرمک و تکتب اسمی فی الزّائرین لنفسک و تعذب الّذین قد جعلوا هذا الیوم یوم الفرح و رضوا بفعل حزب الشیطان بعذابک الدّئم الابد انّک تقدر علی ما تشاء و تحکم بالعدل لمن تشاء بما تشاء فاسئلک اللّهمّ بحقّک و بحقّ من قتل فی ذلک الیوم بین یدیک ان تعذّب اعداء الدّین الّذین قد حاربوا معک و قتلوا حجتک و الّذین اتّبعوا اعمالهم من بعد بما انت تقدر به عند الاخذ انّک علیّ کل‌شی قدیر و بکل‌شی محیط و لاحول و لاقوه الاّ بالله العلیّ العظیم و الحمدلله رب العالمین.

**السورة السادسة فی الشهر الصفر**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله للورقة البیضاء عن الشّجرة الحمرا لا اله الاّ هو قل ایّای فارهبون قل اعملوا فی ایام الله فان دار الآخرة لحقّ و کل الی الله یحشرون قل صوموا یا ایّها الملأ یوم السابع من هذا الشهر فانّ فیه قد ولد علیّ ابن موسی و انّه لعید حق عظیم ان اعلموا حکم الله فی ایّام مولدهم کیوم حکم رسول الله فی العدل و انّ الله یعلم ما انتم لتفعلون و انّ فی یوم السابع بعد عشر الاوّل من هذا الشهر قد قبض بایدی الله من ولد فیه و انّه لیوم مثل عشر المحرّم فی ام الکتاب لمسطور ان ابکوا لوجه الله ما استعطعتم فانّ وعد الله لحقّ و انّه لا اله الاّ هو لغنی حمید ان اقروا یوم العشرین ذکرالله فی الزّیارة الجامعة فانّ ذلک حکم الله للمؤمنین جمیعا و انّ فی ذلک الیوم قد اتّصل ما قطع للکافر بما قد شاء ربّک فضله و انّ ذلک من امرالله فی امّ الکتاب لمستتر و ان فی یوم الثامن بعد العشرین قد قدم یوم عاشورا و قد قبض فیه من حکم الله کلمة العدل محمّد رسول الله و الحسن ابن علی نفسه قل اعملوا ماشئتم فی وجه الله فانّ ذلک الیوم فی امّ الکتاب عظیم و اقروا فی ذلک الیوم کلمة التّوحید سبع ماة عدّة لتکونن من الزّائرین لذکرالله فی امّ­الکتاب لمسطور و الی ذلک الشأن قد نزلنا الحکم بالعدل و اردنا من قبل ان نفصل فی ذلک الکتاب احکام السّنة هدی و بشری لقوم یعملون و انّ الآن لما قد قرأنا کتب القوم انتقمنا باذن الله عنهم و حرّمنا علیهم آیاتنا الاّ لمن اذن الله بالحقّ الی یوم حق معلوم و لما بقی من الزّوال بعض من النهار نفصل للناس احکام ایاّم الله الّذی قد کتب الله علیهم لعلّ النّاس بآیات الله لیوقنون .

**السّورة السابعة فی الشهر الکتاب عین الأول**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله للورقة اللمبارکة عن یمین بحر الاحمر لا اله الاّ هو قل ایّای فاشهدون فو الّذی استقرّ العرش علی الماء منع حرف من کتاب الله اکبر للنّاس من نار جهنم ان کانوا بآیات الله یشعرون ان اذکروا وجه الله الاکبر الحسن ابن علی ابن محمّد فی یوم الثّامن من هذا الشّهر فانّه قد قبض فیه باذن الله و علی مثل ذلک فلیبک الموحّدون انّا لله و کل له ساجدون و ان یوم التاسع بعد ذلک الیوم فاشکروا الله لمن دخل فی النّار و اجعلوه عید اکبرکم لعلکم تشکرون و انّ فی یوم نصف هذا الشّهر قد ولد اسم الله الاکبر علی ابن موسی فاشکروا الله ربّکم الرّحمن لذکره فصلّوا علیه لعلّکم ترثون فردوس عدن کل ما تحبّون بلا ذکر شیئ لدی انفسکم لتوجدون و انّ فی یوم السّابع بعد عشر الاوّل قد ولد محمّد رسول الله و انّه لعید حق عظیم و انّ فی ذلک الیوم قد ولد ذکر الله الاکبر جعفر ابن محمّد ان اشکروه لوجه الله واذکروه لحکم الله لعلّکم بلقاءالله توقنون ان اقروا فی ایّام الله من الصحیفة و الآیات ما شئتم فانّ ذلک لهو الفوز الکبیر .

**السورة الثامنة فی الشهر الایمان عین الثانی**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله للورقة الحمراء عن الشجرة الصفراء لا اله الاّ هو قل ایّای فارهبون ان اذکرالله فی یوم العاشر من هذا الشهر فانّ فیه قد ولد الحسن ابن علی ابن محمد و انّه لعید حق فی کتاب الله لمسطور ان اذکروا الله فی کل الایّام بمثل یوم الغدیر و کل ساعات اللّیل بمثل لیلة القدر لعلکم تفلحون و سلموا علی آل الله لدی مرقدهم فصلوا علی الباب تلقاء الباب لعلکم تشکرون وارسلوا الیّ فی ایام العید ورقات الاعمال لیغفرالله عنکم عمّا کنتم لاتعملون و لاتعقلون.

**السّورة التاسعة فی حکم جیم الاوّل**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله عن یمین الطور لا اله الاّ هو قل ایای فاسمعون انّا نحن نقدر علی کل‌شی و انّا نحن لعاملون و انّا نحن نعلم کل‌شی و انا نحن لشاهدون و ان فی یوم نصف هذا الشهر قد ولد اسم الله الاکبر علی ابن الحسین و انه لامام عدل مبین ان اشکروا الله فی ذلک الیوم و سلّموا علیه لعلکم ترشدون الله یعلم حیث ینزل حکم الوحی و انا له عابدون .

**السّورة العاشر فی حکم جیم الثانی**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکرالله ربک فی النّار عن یمین جبل الثلج لا اله الاّ هو قل ایای فانصرون و انّ فی یوم الثالث من هذا الشهر قد قبضت ما ولدت فی یوم العشرین و انّها لورقة مبارکة عن الشجرة الصّفراء لا اله الاّ هو قل ایای فاسجدون یا ایّها الملا الّذین اتبعونی فی حکم الله شرفوا کل واحد منکم فی کل سنة الی مراقد آل الله ثم سلموا منّی علیهم و کذلک فی حکم الحج لعلکم باسم کلمة المستسر فی کتاب الله لمسطور و انّ ذلک لهو السرّ المجلل فی کتاب الله لمکتوب و سبحان الله ربّ العالمین عما یصفون و سلام علی المتّبعین حکمی و انّ اولئک لهم المقربون و الحمد لله رب العالمین.

**السّورة احدی عشر فی الشهر الحرام(رجب)**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذکر ربّک فی الشهر الحرام لا اله الاّ هو قل ایای فاحضرون یا ایها الملأ صوموا فی هذا الشهر ما استطعتم فانّ آیات الفضل فیه لمکتوب و ان فی یوم الثانی من هذا الشهر قد ولد بالعدل ما قبض فی یوم الثالث و انّه لعلی ابن محمّد فی امّ الکتاب لمکتوب ان اشکروا الله فی یوم الاوّل و احضروا لدی مرقده فی یوم الثالث فانه لیوم حقّ عظیم و ان فی یوم العاشر قد ولد محمد ابن علی باذن الله علی الارض المقدّسة و انّه لامام عدل کریم و انّ الیوم ذلک یوم العهد فی ام الکتاب لمکتوب ان اقروا صلوة العدل فی لیلة النّصف و اختیها فان ذلک افضل الاعمال فی امّ الکتاب لمسطور ان اعلموا یا ایّها الملأ ذکر لیلة السابع من العشر الثالث من هذا الشهر لعلکم ترشدون و انّها ورقة من الشّجرة الحمراء لا اله الاّ هو قل ایای فاشهدون و لاترقدوا فی تلک اللّیلة فانّ من ساعة فجرها قد بعث محمد رسول الله علی الامر و انه لیوم عز قدیم ان اقروا فی تلک اللیلة من آیات البدع ما استطعتم فان ذلک لهو الفوز الکبیر فی امّ الکتاب لمکتوب ثمّ اتلوا ما نزّلنا فی الصّحیفة من قبل فی تلک اللّیلة لعلکم ترحمون و اذکروا الله فی ذلک الشهر بذکر نفسه لا اله الاّ هو ثم قولوا ان الحمد لله ربّ العالمین.

**السّورة الثانی عشر فی الشهر المؤخر عن شهر الحرام(شعبان)**

بسم الله الرحمن الرحیم

الم ذکرالله للورقة الصفرا قبل ورقة الخضراء لا اله الاّ انا قل ایای فاتقون ان اعلموا حکم الله فی هذا الشهر فانه یشهد حق قدیم قل صوموا ماشئتم وانظروا فی بدع انفسکم و خلق تلک الآیات لعلکم تتذکرون بآیات الله ثم لتهتدون و انّ فی یوم الثالث قد نزل الرّوح علی العرش و انّه لیوم عید عظیم ان احضروا عرش الله ثمّ لمن استقرّ علیه فانه لامام حق شهید و انّ فی لیلة النصف و اختیها صلوا مثل ما القینا الیکم فی الشهر الحرام لعلکم بآیات الله لتوقنون و ان فی لیلة النصف من سنة 1255 هذا الشهر قد ولد بقیة الله امام حقّ عظیم صوموا یا ایها الملا فی النصف و لاترقدوا فی لیلة فان ذلک فضل الله فی کتاب مبین واجهدوا فی هذا الشهر بحکم آیات البدع لعلکم ترشدون ان اعبدوا لله ربّکم الرّحمن ثم صوموا یوم الآخر و لاتقطعوا عمّا قد امرالله ان یوصل به فان ذلک ذکر بدیع و اقروا یوم التحویل کلمة التوحید بعدة ایام السّنة فانّ ذلک اسم بدع عظیم واذکروا لله فی کل شأن بذکر ما نزل فی القرآن ان الحمدلله ربّ العالمین.

**و اقروا هذا الدّعاء فی کلّ یوم من هذا الشهر عند الزّوال**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

شهدالله لنفسه قبل کل‌شی بمثل ما یشهد الان لنفسه لا اله الاّ هو العزیز الحکیم اللّهمّ انّی اشهد لدیک فی ذلک الیوم من هذا الشهر شهر حبیبک محمّد صلی الله علیه و آله شعبان الّذی قد فضلته علی اشهر الحرم بفضل حبیبک علی کلّ الخلق و لایعلم کیف ذلک الا انت بما تشهد لنفسک بانک انت الله لا اله الاّ انت وحدک لا شریک لک غنیّ لم یزل و الان بمثل ما کنت فی الازل لایعلم کیف ذلک الا انت سبحانک و تعالیت عمّا یقول الظالمون علوّا کبیرا و اشهد لمحمّد و آله صلواتک علیهم کما تقدّر فی شانهم و تشاء لهم فی کل شان انک علی کل‌شی قدیر یا الهی انّ آیة هذه الشمس فی ذلک الحین قد کوّرت باذنک الی محل الزّوال و انّ لک فی کل حین نفحات تمنّ بها علی من تشاء و لایحیط بها احد سواک فاسئلک اللّهمّ یا الهی ان تصلی علی محمد و آل محمد اصل الخلق فی الایجاد و آیات قدرتک فی العباد و مظاهر عظمتک فی آیات الملک و خلق الفوأد عبادک الّذین انتجبتهم لنفسک و اصطفیتهم لمحبّتک و جعلتهم مقام نفسک فی کل شأن لیدعوا النّاس الی نفسک و لایعرف احد بینک و بینهم الاّ کلمة العبودیّة لا اله الاّ انت اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد کما قد جعلتهم شجرة العدل فی الانبیاء و موضع الرسالة فی الاصفیاء و معدن العلم فی الاولیاء و اهل بیت الوحی لما تخلق و تشاء حیث قد بیّنت ذلک الحکم فی محکم کتابک علی شأن قدرتک فی سید الاوصیاء لحبیبک محمّد صلی الله علیه و آله للبلغاء المستحفظین الأئمة الرّاشدین الّذین یعملون بامرک و هم من خشیتک یشفقون قلت و قولک الحق و ما کان لبشر ان یکلمه الله الاّ وحیا او من راء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انّه علی حکیم و بیّنت حکم تلک الآیة بقولک الحقّ فی شان قدرتک و انّه فی ام الکتاب لدینا لعلیّ حکیم اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد الفلک المستقرّ علی ابحر الابداع فی یوم الانشاء و السفینة الجاریة علی یم المسجور فی لوح الاختراع یعلو مرّة الی افق السّماء و ینزل اخری الی طمطام قعر الابداع اشهد انّ من رکبها یأمن من اشارات الشیطان عن اهل الهلاک و ما من عبد ترکها الاّ و یغرق فی دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد شجرة المقصود و الآیة المحمود عبادک الّذین قد جعلتهم کهف العباد فی العالمین و عصمة اهل الایجاد فی النّشأتین ملجأ الضعفاء و المساکین و منجا اهل الخوف و الرّاجین امنائک الّذین قد فرضت طاعتهم و اوجبت محبّتهم و قرنت ولایتهم بولایتک و الاقرار بعبودیتّهم الاقرار بوحدانیّتک عبادک المکرمون الّذین یعملون بامره و هم لوجهه عابدون اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد صلوة ینبغی من قدرتک و لا منتهی له فی علمک صلوة تفضل علی کل‌شی کفضلک علی الخلق اجمعین اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد اداءً فی الامضاء و قضاءً فی ابداء و دائماً بمشیّته الانشاء و سرمدا علی غایة الاختراع باذن منک و جود من نفسک و آیة من ربوبیّتک و ملکة من سلطنتک و هندسة من عظمتک بقوّة منک یا مولی العالمین اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد المصطفین الاخیار الّذین قد جعلتهم محلّ مشیتک و مکمن ارادتک و محلّ قضائک و قدرک عبادک الّذین مایشاؤن الاّ بمشیتک و لایحکون الاّ لارادتک و لایدلّون الاّ عن عظمتک و سلطنتک معدن العلم و منتهی الحلم ائمة الدّین و هداة الخلق اجمعین اللّهمّ صلّ علی محمد و آل محمد بما تحب و ترضی و کما انت تصف نفسک لاسواک وحدک لا اله الاّ انت اللّهم بحقک علیهم و حقّهم فی کتابک ان تسکّن افئدتنا بمحبّتک و قلوبنا بمعرفتک و لاتجعلنا من الغافلین واکتب لنا کلّما تحبّ لحبیبک محمّد صلی الله علیه و آله فی هذا الشهر المعظّم من نفحات قدسک و آیات مجدک و علامات تجلیلک و بما لایحیط به احد غیرک و لایقدر بذلک سواک اللّهمّ انقطع الرّجاء الاّ من فضلک و استعینت عن الکلّ بالعلم علی قدرتک و انت یا الهی لایخفی علیک شیئ فی السّموات و لا فی الارض و انت تحکم بین الکل یوم القیمة بالعدل فاکتب الفضل لمن عرفک و العدل لمن لایعلم حکمک انّک قادر علی ما تشاء و لایمنع عطیتک احد من خلقک و انّک علی کل‌شی قدیر و الحمدلله ربّ العالمین.

**السّورة الرابعه عشر فی الفضل**

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الم ذلک الکتاب ذکر من لدنّا للعالمین جمیعا و انّ الله لن یقبل من احد عملا الاّ بعهد ذکر اسم الله العلی الحمید یا ایها الملا بلغوا آیات الله الی کل نفس بمثل ما قد جعلکم الله مقام امره لعلکم ترشدون و اتبعوا حکم البدع فی کتاب الآخر فانه لصراط حق شکور و ان فی ایام الله افضل کل الخیر ذکر البدع و آیاته فی ام الکتاب لمسطور یا ایها الملا صلوا علیه اذا ذکروا اسمه ثم ارسلوا الیه ورقات العدل مما اکتسبتم فی ایام الله فی حکم ذلک الباب و اشکروه و قولوا ان الحمد لله رب العالمین.

این توقیع مبارک با نسخ پرینستون نمره 214 ص 169 و نسخه شخصی (د) ص360 مقابله شد. انتهی